



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

برنامه ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

محبت رسول (صلی الله علیه وسلم) از دیدگاه قرآن و سنت

(پایان نامه ماستری)

محصل: صبرالدین "صدیقی"

استاد رهنما: شکرالله "مخلص"

سال: ۱۳۹۹ ه.ش. ۱۴۴۲ ه.ق.



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

برنامه ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

محبت رسول (صلی الله علیه وسلم) از دیدگاه قرآن و سنت

(پایان نامه ماستری)

محصل: صبرالدین "صدیقی"

استاد رهنما: شکرالله "مخلص"

سال: 1399 هـ ش. 1442- ق.

اللهم صل على محمد



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترم صبرالدین ولد امرالدین ID: SH-MST-98-520 محصل دور پنجم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: محبت رسول الله صلی الله علیه و سلم از دیدگاه قرآن و سنت به روز پلشبه تاریخ ۱۳/۱۲/۱۴۰۱ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۵ (نمره به عدد) جستاد و پنج (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور عبدالوهاب حسام	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالباری حمیدی	عضو هیات	
۳	استاد شکرالله مخلص	استاد رهنا و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... آمر بورده ماستری

اهداء

این تحقیق را تقدیم می‌کنم به: پدر و مادر بزرگوارم که در راستای تعلیم و تربیت ام از هیچ‌گونه تلاش دریغ نورزیده‌اند و اعضای خانواده ام که سر سبزی امروز من حاصل زحمات دیروز آنهاست. همچنان این تلاش بشری را اهداء می‌کنم به همسفر زنده‌گی ام که مرا با پشتیبانی همیشه‌گی اش حوصله بخشید. و هم چون به همه طلاب علم و دانش و بزرگانی که در راستای ترویج علم و معارف اسلامی قدم برمی‌دارند خصوصاً دست‌اندرکاران پوهنتون سلام که با زحمات بی‌شائبه خود شان زمینه تحصیل را برای طلاب علم فراهم نموده‌اند، و بالاخره به همه دوستداران علم و دانش اهداء می‌کنم. و علی‌الخصوص استاذ بزرگوارم محترم شکرالله "مخلص" که با رهنمایی‌های مجدانه و دلسوزانه ایشان این تحقیق به پایان رسید.

سپاس گذاری

سپاس بی کران ذات یکتا است که به بنده عنایت فرمود تا این رساله علمی را به منظور ذیل به درجه ماستری گزینش، ترتیب و تهیه نمایم.

در قدم نخست از وزارت محترم تحصیلات عالی امارت اسلامی افغانستان اظهار سپاس و امتنان میدارم که برای مساعد سازی زمینه تحصیلات عالی برای اتباع کشور به خصوص قشر جوان سعی و تلاش ورزیده و زمینه فراگیری تحصیلات عالی را در داخل کشور میسر نموده اند.

در قدم دوم از تمام استادان و کارمندان پوهنتون سلام به خصوص استادان مرحله ماستری اظهار سپاس می میکنم که همیشه در خدمت اهل علم و دانش قرار دارند. بناء از همه اساتید گرامی ام و ریاست محترم پوهنتون سلام و کارمندان برنامه ماستری اظهار سپاس و امتنان می نمایم که در طول دوره تحصیلی از هر نوع همکاری های شان دریغ نورزیدند.

آنچنانکه آشکار است تهیه و تدوین یک اثر علمی بدون همکاری و رهنمایی اساتید بزرگوار و دانشمند ممکن و میسر نیست. بجا میدانم تا از زحمات و همکاری های بی شائبه و همه جانبه استاذ رهنمای خویش محترم شکرالله "مخلص" که با رهنمایی های دلسوزانه ایشان این تحقیق تدوین گردیده است اظهار سپاس می نمایم.

رجامندم که این اثر علمی رهگشای برای تمام پژوهشگران و محققین که در این عرصه علاقمند تحقیق های بیشتری علمی می باشند گردد و روزنه ی باشد برای همه کسانی که از جان و هستی خود شان از طریق قضاوت عادلانه می خواهند نظام زنده گی انسان ها را پایدار و مستحکم سازند.

خلاصه بحث

بررسی موضوع محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از دیدگاه قرآن و سنت یکی از مسائل مهم و مفید به شمار می رود زیرا به اثر این بحث به این نتیجه می رسیم که قرآن کریم و سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - تنها از یک موضوع بحث نمی کند بلکه از مسأله اعتقادات و ایما نیت شروع الی عبادات ، معاملات ، مناکحات معاد و مسائل دیگر را بررسی نموده است.

ویژه گی های محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - .

الف: محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - واجب بوده و از اهمیت زیاد برخوردار است زیرا دوم رکن کلمه طیبیه محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است و بدون آن ایمان تکمیل نمی شود.

با: با داشتن محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از شفاعتش بهره گرفته در جنت داخل می شوی.

ج: راه هدایت و سعادت انسان در محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است چون رسول الله

- صلی الله علیه وسلم - راهنمای امت است.

به همین منظور این تحقیق طی یک مقدمه و سه فصل به روش تحلیلی و توصیفی تحقیق گردیده است که خلاصه مهم ترین نکات که به دست آمده قرار ذیل است:

در فصل اول عمومیات کلیات و مفاهیم بحث ذکر شده است اول معنای لغوی و اصطلاحی محبت و تعریف محبت در نزد علماء، فضیلت محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، تقسیم محبت به طبعی، اختیاری دوم محبت شرعی فصل دوم دلائل وجوب محبت از قرآن و سنت و در فصل سوم علامات و آثار محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و در آخر فهرست آیات قرآن ، فهرست احادیث ، فهرست منابع .

مهمترین راهکار از برای پیشرفت یک کشور آشنای به دین و در خصوص به صاحبان دین یعنی محبت با الله - جل جلاله - و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است هرگاه ما به دین و صاحب دین آشنای و محبت داشته باشیم و به آنها محبت را بر قرار کنیم هم در دنیا و هم در آخرت کامیاب می باشیم .

فهرست مطالب

1	مقدمه
4	اهمیت موضوع:
3	اسباب اختیار موضوع:
4	سوال های تحقیق:
5	پیشنه و ضرورت تحقیق:
6	هدف موضوع:
6	روش تحقیق:
6	مشکلات محقق:

فصل اول

عمومیات، کلیات و مفاهیم بحث

7	مبحث اول: تعریف محبت
7	مطلب اول: تعریف لغوی واصطلاحی محبت
9	مطلب دوم: فضیلت محبت با (رسول الله صلی الله علیه وسلم)
12	مبحث دوم: اقسام محبت
12	مطلب اول: محبت طبعی و اختیاری:
16	مطلب دوم: محبت شرعی:

فصل دوم

دلایل وجوب محبت با - نبی صلی الله علیه وسلم - از قرآن کریم و سنت - رسول الله - صلی الله علیه وسلم -

23	مبحث اول: دلایل از قرآن کریم برای محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم -
23	مطلب اول: محبت پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - از بزرگترین نشانه ایمان است
25	مطلب دوم: نزدیکی - رسول الله صلی الله علیه وسلم - به مومن ها از خود و نفس شان؟
	مطلب سوم: لزوم محبت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در محبت - الله جل جلاله - است
29	مطلب اول: محبت با پیغمبر صلی الله علیه وسلم شرط صحت ایمان است:
31	مطلب دوم: حلاوت ایمان در محبت پیغمبر است
33	مطلب سوم: محبت با پیغمبر به خاطر محبت الله تعالی با او:

فصل سوم

آثار محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم -

	مبحث اول: دلایل آثار محبت نبی - صلی الله علیه وسلم - در قرآن کریم و سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم -
35	

35	مطلب اول : ایمان داشتن به رسول الله - صلی الله علیه وسلم -
36	مطلب دوم : توقیر و تعظیم النبی - صلی الله علیه وسلم -
42	مطلب سوم : بلند نکردن آواز بالای آواز - نبی صلی الله علیه وسلم -
45	مطلب چهارم : درود بر پیغمبر - صلی الله علیه وسلم -
49	مطلب پنجم : دفاع از پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - و از سنت ایشان
53	مطلب ششم : تصدیق پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - در آنچه که خبر داده است
61	مطلب هفتم : پیروی از پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - و اهدا به سیرت ایشان (!)
73	مطلب هشتم : تحاکم به سنت و شریعت محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم -
75	مطلب نهم : رضایت به شریعت محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم -
77	مطلب اول : شوق دیدار رسول الله - صلی الله علیه وسلم -
82	مطلب دوم : محبت با قرآن کریم که به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نازل شده است
87	مطلب سوم : معیت و همراهی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در آخرت
90	مطلب چهارم : نشر و پخش سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم -
93	مطلب پنجم : محبت با همسران و فرزندان محمد - صلی الله علیه وسلم -
95	مطلب ششم : تعلق و ارتباط با الله متعال و محبت با آن
98	مطلب هفتم : شناخت احوال پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - و ارتباط کامل به سیرت ایشان
102	مطلب هشتم : محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بدون افراط و تفریط
107	نتیجه گیری
109	پیشنهادها
110	فهرست آیات
115	فهرست احادیث
118	فهرست اعلام
120	فهرست منابع

مقدمه

إن الحمد لله، نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسينات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان الى يوم الدين وسلم تسليماً كثيراً.

وبعد: سپاس گذارم ذات راکه مارا امت محمد - صلى الله عليه وسلم- گردانیده است وآن الگوی است که خداوند محبت خود را به اطاعت آن موقوف کرده است وضمناً محبت خویش ورسول - صلى الله عليه وسلم - را به مردم وانمود کرده است. الله تعالی می فرماید: {قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ} (1).

(ترجمه : بگو : اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبيله شما، واموالی که فراچنگش آورده اید ، و بازرگانی و تجارتي که از بي با زاري و بي رونقي آن مي ترسيد، منازلی که مورد علاقه شما است ، اینها در نظرتان از خدا و پیغمبرش و جهاد در راه او محبوب تر باشد ، در انتظار باشید که خداوند کار خود را می کند (و عذاب خویش را فرو می فرستد) . خداوند کسان نافرمان بردار را (به راه سعادت) هدایت نمی نماید .) و همچنان - الله - متعال به بهتر بودن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در جای دیگر میفرماید : {النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ} (2).

(ترجمه : پیغمبر از خود مؤمنان نسبت بدانان اولویت بیشتری دارد (و اراده و خواست او در مسائل فردي و اجتماعي مؤمنان ، مقدم بر اراده و خواست ایشان است).

بدون شک که قرآن کریم کلام الهی است توسط آن رسالت محبوب دوجهان - صلى الله عليه وسلم - برای نجات بشریت به حضرت محمد مصطفی - صلى الله عليه وسلم - به واسطه جبرئیل امین علیه سلام برای رسالت آن نازل شده است.

بدون شک شگوفای محبت با محمد - صلى الله عليه وسلم - در هر جامعه بیان گر اینست که در جامعه مسلمان ها به پیغمبر خویش معتقد و باورمند استند زیرا که نبی - صلى الله عليه وسلم - از نفس انسان برایش بهتر است و خداوند درآیه بالا که تذکریافت مسأله را واضح نموده است و الله تعالی طاعت ، عزت، محبت و ادای حقوق نبی - صلى الله عليه وسلم - را بر بنده های خود فرض گردانده است چون به جنت رفتن هم بدون محبت با رسول الله - صلى الله عليه وسلم - نا ممکن است.

1-سوره توبه آیت ۲۴

2-سوره احزاب آیت ۲

در پرامون می خواهیم که اضافه کنیم که قسمی که محبت لازم است از ایشان اطاعت هم باید صورت گیرد چون در مدارصحت و بطلان اعمال انسان موقوف به اطاعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می باشد طوری که در این مورد خداوند می فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ } (1)

ترجمه: ای مؤمنان! از خدا و پیغمبر اطاعت کنید، و کارهای خود را - با انجام معاصی - باطل مگردانید.

همچنان در اطاعت و پیروی از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به انسان رحم و ترحم نصیب می شود ازین جهت باید با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبت شود الله تعالی می فرماید: { وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ } (2)

ترجمه: (و از خدا و پیغمبر اطاعت کنید تا که در دنیا و آخرت مورد رحمت و مرحمت قرار گیرید).

اطاعت و محبت با رسول الله سبب می شود از برای اینکه خداوند برایت رحم می کند. بعد از بیان اطاعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - این مطلب واضح شد که طاعت و محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - سبب هدایت و رحمت است مثل که سعادت و نجات ممکن نیست در آخرت مگر به اتباع رسول الله - صلی الله علیه وسلم - الله تعالی میفرماید: { وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا } (3)

(ترجمه: اصلاً هر که از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کند، قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی دست می یابد).

{ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ } (4)
ترجمه: و بدانید که هر کس از خدا و پیغمبرش - در آنچه بدان دستور داده اند - اطاعت کند، خدا او را به باغهایی (بهشت) وارد می کند که در آنها رودبارها روان است و (چنین کسانی) جاودانه در آن می مانند و این پیروزی بزرگ است.

عن عباس بن عبدالمطلب أنه سمع رسول الله - صلی الله علیه وسلم - يقول ذاق طعم الإيمان من رضي بالله ربا وبالإسلام ديناً وبمحمد رسولاً (5)

¹ - سوره محمد آیت ۳۳

² - سوره العمران آیت 132

³ - سوره احزاب آیت 71

⁴ - سوره النساء آیت 13

⁵ - صحیح مسلم باب الدلیل علی أن من رضي بالله ربا وبالإسلام ديناً وبمحمد صلى الله عليه وسلم رسولاً ج/1 ص 62 شماره حدیث (34).

ترجمه : (از عباس بن عبد المطلب - رضي الله عنه - روایت است شندم از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند چشید مزه ایمان را کسی که به ربوبیت الله ، به دین اسلام و به رسالت محمد - صلی الله علیه وسلم - راضی بود).

اهمیت موضوع:

بحث و تحقیق روی موضوع انتخاب شده محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از دیدگاه (قرآن و سنت) حایز اهمیت فراوان است که دلایل آنرا مختصر شرح می کنم:

1. یکی از مکلفیت های انسان ها محبت داشتن با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است تا آشنایی کامل پیدا کنند صورت و سیرت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و به محبت آن خود را آراسته بسازند و این از واجبات و ضروریات هر مسلمان است و یک جز ایمان است.

2. بحث محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از بحث های مهم است و اکثر جوانان در اثر عدم داشتن معلومات کافی از قرآن کریم به این نظر اند که در جامعه اسلامی دعوی امتی بودن را کرده ایم این کفایت می کند ولی چنین نیست تا زمانیکه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از لحاظ ترجیح قولش در وقت تعارض با اقوال دیگران ، باید قول رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را ترجیح پیدا کند قسمی که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ازواج مطهرات را اختیار گذاشت در میان نظریات خود شان و اختیار الله و رسول و آنها الله و رسول را اختیار کردند.

3. ما همه می دانیم که با محبوب خدا محبت کردن در ذات خود محبت با الله - جل جلاله - است و خداوند اطاعت محبت رسول خود را عین اطاعت و محبت خود قرار داده است در سوره نساء آیت هشتاد این را بیان نموده است

4. و می دانیم که محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در دنیا و آخرت باعث سرفرازی شان است و قرآن کریم بر محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - زیاد تاکید نموده است و خداوند متعال می خواهد که از هر لحاظ توسط محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بنده های خویش را تربیه کند و این امکان دارد که با او محبت داشته باشیم و آنرا بشناسیم و محبت در صحنه عمل معلوم می شود بعضی مردم خرافات را انجام میدهند برای چند ساعات، مثل میلاد نبی - صلی الله علیه وسلم - و ادعا می کنند که ما محبان رسول هستیم در حالیکه این طریق جز خرافات چیزی دیگری نیست. محبت با رسول - صلی الله علیه وسلم - این است که به تمام آنچه که آورده است ایمان کامل داشته و به آن عمل کردن این را محبت با رسول - صلی الله علیه وسلم - گویند.

اسباب اختیار موضوع:

موضوعی را که اختیار نمودم، عوامل گوناگون دارد که از جمله به برخی از موارد آن اشاره می‌کنم:

1. علاقه شخصی: یکی از عوامل که من را باعث ساخت تا موضوع متذکره را انتخاب نمایم، دلچسپی شخصی خودم به این موضوع بود، چون خودم تعامل مردم را در جامعه در محبت کردن با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - دیدم که مردم رسم و رواج را به سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ترجیح می‌دهند این باعث شد که رساله را بنویسم از یک طرف دعوی امتی بودن را می‌کنند و از طرف دیگر مخالفت می‌کنند. بناء خودم مشتاق مطالعه و بررسی در این زمینه شدم تا در این مسأله تحقیق کنم.

2. افزایش میزان مطالعه در مورد تفسیر و حدیث شریف: یکی دیگر از عواملی که من را به انتخاب چنین موضوع وادار ساخت، اهمیت ویژه مطالب و مباحث مرتبط به علوم قرآنی به خصوص موضوعات محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یکی از مباحث عمده آن است معلومات پیدا کنم و من خواستم تا از این طریق خدمتی کنم به آنانی که می‌خواهند بیشتر و بهتر در مورد محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در قرآن بدانند.

3. نبود تحقیق خاص در این مورد: موضوع منتخب که از مهمترین بحث‌های روز می‌باشد به طور تفصیلی و تحلیلی تحقیق نشده و کتاب خاصی در این مورد به زبان دری نوشته شده و در دسترس همه قرار گرفته باشد، وجود ندارد، به همین سبب من خواستم پایان نامه خویش را ویژه این موضوع بسازم و به این طریق بتوانم این مبحث را نه به شکل موضوع جزئی بلکه منحصیث یکی از بحث‌های تفصیلی به بررسی بگیرم.

4. اینها و اسباب دیگری باعث گردید که این موضوع را در پایان نامه ماستری خویش بحیث موضوع رساله خود انتخاب نمایم.

سوال‌های تحقیق:

هرگونه بحث و تحقیق روی مسایل علمی شامل سوال‌های است که در حقیقت این سوال‌ها عامل اصلی تحقیق می‌باشند موضوع منتخب ما نیز متضمن سوال‌های زیادی است که بعضی آن‌ها را ذیلاً متذکر می‌شویم.

الف: سوال‌های اصلی تحقیق:

- 1- محبت با رسول - صلی الله علیه وسلم - در قرآن چگونه توصف شده است؟
- 2- چه تاکداتی در مورد محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در قرآن و سنت آمده است؟

ب: سوال‌های فرعی تحقیق:

1- علامات محبت با رسول - صلی الله علیه وسلم - کدام ها اند؟

2- نتایج محبت با رسول - صلی الله علیه وسلم - چیست؟

3- حدود محبت با رسول - صلی الله علیه وسلم - کدام است؟

4- مظاهر محبت با رسول - صلی الله علیه وسلم - چیست؟

پیشنه و ضرورت تحقیق:

از زمان بعثت محمد - صلی الله علیه وسلم - محبت آن در قلب هر مسلمان موجود بود محبت و تعظیم رسول - صلی الله علیه وسلم - از شرط های ایمان است و واجب است که با رسول - صلی الله علیه وسلم - محبت داشته باشیم زیرا که اخلاق محمد رسول - صلی الله علیه وسلم - بلند و بالا بوده است. الله متعال رسول - صلی الله علیه وسلم - برای عالمین تا روز قیامت به طور رحمت و رهنما فرستاده است از این جهت به آن محبت کردن لازم است و در این راستا کتاب های فراوان نوشته شده است لیکن بعضی به شکل اجمال و بعضی به قسم تفصیلی نوشته شده ازین لحاظ من هم در این موضوع می خواهم گام برداشته از نظر و دیدگاه قرآن و سنت رساله خود را از جهت رغبت و علاقه که دارم در رابطه با محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - آغاز کنم.

در مورد پیشنه تحقیق باید بگویم که من در راستای اینکه آیا قبلاً کسی به زبان دری تحقیقی در مورد محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - کرده باشد جستجو نمودم هیچ اثری را پیدا نکردم. و آن تعداد کتاب های که نوشته شده بودند قرار ذیل اند:

1- محبة رسول - صلی الله علیه وسلم - بین الاتباع و الابتداع مولف عبد الروف محمد عثمان، ناشررئاسة ادارة البحوث العلمية الافتاء و الدعوة و الارشاد اداره الطبع والترجمة الرياض (1414 هه).

2- دلائل محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - بين السنة و لبدعة : احمد بن عبدالرحمن الصويان.

3- محبة النبي - صلی الله علیه وسلم - و تعظيمه بقلم فهدعبدالله الحبيشي.

4- وجوب محبت النبي - صلی الله علیه وسلم - و اصحابه: مصنف علامه شيخ عبدالرزاق عفيفی رحمه الله.

5- المحبة أعمال القلوب : مولف فضيلت الشيخ سفر بن عبدالرحمن .

6- روضة المحبين ونزهة المشتاقين مولف:ابن قيم محمد بن ابی بكرالزرعی- دارالكتب العلميه بروت (1412).

کتاب های مذکور به زبان عربی و به شیوه عام نوشته شده من می خواهم که این موضوع را به شکل تحقیق علمی از دیدگاه قرآن و سنت بررسی نمایم.

هدف موضوع:

- در این تحقیق هدف اصلی من این است که تا بهره گیری از آموزه های قرآن کریم نقش محبت رسول - صلی الله علیه وسلم- را نشان دهم و با خبر شویم که محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم- چنین است و نیز اهداف بحث این است که امور ذیل را به اثبات برسانم.
- 1- قرآن کریم یک کتاب جامع و فراگیر است بسیار موضوعات بزرگ را شامل است.
 - 2- قرآن کریم و سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم- به محبت کردن با رسول الله - صلی الله علیه وسلم- تشویق کرده است.
 - 3- بیان اصول و مقررات قرآن در موارد محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم- را واضح می سازد.
 - 4- جمع آوری و تفسیر آیات در مورد محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم-.

روش تحقیق:

روش را که برای ترتیب این رساله به کار برده ام روش تحلیلی، توصیفی کتابخانه بوده است و بعضی نکات دیگر قرار ذیل است:

- 1- اولاً را جمع به موضوع انتخاب شده مطالعات مقدماتی انجام داده ام و نیز تا آخر و پایان این تحقیق
- 2- به استثنای مطالعه عمومی قرآن کریم را مطالعه کرده ام و تمام آیات را که راجع به محبت بود یادداشت نموده ام.
- 3- همچنان آنعده احادیث را که به موضوع ربط داشت جمع آوری نموده ام.
- 4- پس از مطالعه جستجو در کتاب خانه ها و منابع اینترنتی کتاب خانه های که می خواستم از آن استفاده کنم پیدا کردم.
- 5- پس از تکمیل و کارهای مقدماتی به ترتیب خطه و پلان بحث اقدام نموده ام.
- 6- در ترجمه آیات از تفسیر نور دکتور مصطفی خرم دل استفاده نموده ام.
- 7- احادیث بخاری و مسلم چون حاجت تخریج ندارند، تخریج نکرده ام از دیگر کتب را تخریج کرده ام.

مشکلات محقق:

همان گونه که انجام هر عمل مشکلات و چالش های خود را دارد من نیز به یک سلسله مشکلات در این تحقیق بر خورده ام که یکی از آن نبود کتاب خانه مجهز و کامل است که محصلین و محققین به طور آزادانه بتوانند از آن استفاده نمایند و همچنان عدم فرهنگ به اشتراک گذاری منابع و مأخذ میان محصلین و محققین نیز از جمله مشکلات فرا راه تحقیق بشمار می رود که من نیز این ناحیه به

مشکل برخوردارده ام. مشکلات خاصی که خودم در تحقیق این رساله به آن بر خورده ام یکی آن بود که من گاه اوقات در ترجمه عده از احادیث نبود و تخریج آنها به خصوص احادیث را که از معاجم نقل کرده ام به مشکل بر میخوردم. همچنان از مهمترین مشکلات در این تحقیق برایم ترتیب و تنظیم بود. چون ترتیب دلایل یک امر مشکل است.

بنابر این امیدوارم که این تحقیق عمل مفید واقع شده باشد برای دوست داران قرآن کریم و دوست داران رسول الله -صلی الله علیه وسلم-.

و از آنجای که هیچ عمل انسان خالی از خطا و نواقص نمی باشد این رساله هم از این قاعده مستثنا نیست، رجامندم که این رساله را مطالعه نموده و محقق آنرا در رفع نواقص و کمبودی های آن همکاری کرده بنده را مطلع سازید؛ و اجر بی پایان را نایل گردید، الله متعال این اجر را در حسنات شان بیفزاید.

فصل اول

عمومیات، کلیات و مفاهیم بحث

مبحث اول: تعریف محبت

مطلب اول: تعریف محبت در نزد علما و اهل لغت.

الف تعریف لغوی محب: ابن منظور¹ میگوید: که کلمه محبت بر پنج معنی آمده است

1- محبت یعنی: پاکی و صفای قوله (ببایض الاسنان ونضارته) حب الاسنان یعنی دندانها را پاک کرد.

2- محبت: العلو والظهور (حب الماء وحبابه) یعنی از حد تیر شدن آب از مسیر خود.

3- محبت: لزوم و ثبات قوله (حب البعیر اذا برک ولم یقم) یعنی نشستنشتروقتی بخوابد و بر نخیزد.

4- محبت: اللب قوله (حب القلب وداخله) یعنی داخل شدن محبت در دل.

5- محبت به معنای: حفظ و امساک آب (حب الماء الذی یحفظ فیہ) یعنی حفاظت آب در ظرف (2).

و در اینجا معنای چهارم به موضوع تعلق دارد خداوند در قلب مومن ها محبت رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - را انداخته است چون محبت اندازنده - الله تعالی - است و خداوند در سوره طه در حق موسی علیه سلام میفرماید: {وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي} (3)

ترجمه: (من محبت خود را بر تو افکنم - بدان گونه که هر کس تو را ببیند بی اختیار دوستت داشته باشد -).

خلاصه: محبت در اصل قوت، تحرك و اراده ای است که مردم آن را در زبان و قلب خود می چرخانند برای حاصل نمودن توجه محبوب خود و تمایل نفس به چیزی، که محبوب باشد و بد پنداشتن اگر بد باشد، ولی اینجا معنای محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - این است یعنی تمایل قلب با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چنین باشد که قلب با آن روشن می شود و انگیزه طور میشود که ترجیح میدهد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را بر همه محبوب های دیگر یعنی از جان، فرزند، پدر و از همه مال و متاع دنیا (4).

¹ - محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاري الرویفی الإفريقي (المتوفی: 711هـ)

² - لسان العرب مادة حب ج 1/ص 289.

³ - سوره طه آیت (39)

⁴ - صحیح مسلم ج 2/ص 14. طبع دار الفکر، بیروت سنه 1401هـ

ب: محبت در اصطلاح

محبت در اصطلاح: اراده چیزی است که تو آنرا خیر میدانم و گمان میکنی آن را به خیر. حافظ ابن حجر¹ - رحمة الله عليه- می فرماید که: حقیقت محبت در نزد اهل معرفت عبارت از معلومات است که حد و مرز ندارد و این شناخته می شود توسط وجدانیات که از آن تعبیر ممکن نیست محبت مسلمان ها با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبت قلبی است که مسلمان آنرا در قلب خود احساس می کند و عاطفه ای است که انسان را در حرکت میاورد و این محبت تعلق دارد به قوت وضعف ایمان⁽²⁾.

و این قسم محبت فقط مجرد میل قلب مطلوب نیست قسمی که امام بیضاوی⁽³⁾ گفته است و حافظ ابن حجر نقل کرده است در پیرامون (أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا)⁽⁴⁾ حافظ ابن حجر - رحمة الله عليه- میگوید: در این جا مراد محبت عقلی است که ترجیح چیزی که عقل سلیم تقاضای آنرا دارد اگر چه برخلاف هوا و هوس باشد، مثل مریض که دواء را بد می پندارد لکن عقل به طرف آن میلان دارد و از آن استفاده میکند⁽⁵⁾.

ج: مقصود از محبت در نزد اهل سنت و الجماعة:

1- امام راغب⁽⁶⁾ رحمه الله می گوید: محبت عبارت است: از دوست داشتن یک دیگری یعنی به آن محبت کردم تا که محبوب شدم؟

قاضی عیاض⁽⁷⁾ رحمه الله می گوید: محبت مایل شدن انسان را به چیزی گویند که موافق دل آن است میلان دل از جهت فطرت، درک و معرفت به سوی چیزی که موافق و مستحسن است و محبت - رسول الله صلی الله علیه وسلم - هم چنین است میلان قلب مسلمان به بسوی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و ترجیح رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به همه محبوب ها از جان، پدر، فرزند و از تمام مردم.

2- محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : علاقه ای است در میان رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و امت اسلام می لکن محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبت حقیقی و قلبی است، شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله -⁽⁸⁾ در زمینه می فرماید که: بعد از محبت الله تعالی که آن

¹- أبو الفضل شهاب الدين أحمد بن علي بن محمد بن محمد بن علي بن أحمد الشهير بابن حجر - تولد در 13 شعبان و در سنه (773) وفات 28 ذی الحجة در سال 852 هـ. ش..

²- فتح الباري ج 1 / ص 60 - 61 طبع دار المعرفة بیروت (سنة 1300 هجرى)

³- امام بیضاوی: اصرا الدین أبو الخیر عبدالله ابن عمر ابن محمد الشیرازی مشهور به بیضاوی. (متوفی: 685 هـ)

⁴- بخاری: ج 1 / ص 12، ناشر: دار طوق النجاة، طبع اول 1422.

⁵- فتح الباري لابن حجر العسقلاني، ط دار المعرفة بیروت 1 / 60 - 61.

⁶- أبو القاسم الحسين بن محمد معروف به راغب اصفهانی (متوفی: 502 هـ)

⁷- ابو فصل عیاض ابن موسی ابن عیاض یحصبی سبتي غرناطي اندلسي سال تولد سنه (496) (متوفی: 544 هـ)

⁸- لقب تقي الدين كنيه ابو عباس احمد ابن عبد الحلیم ابن عبد السلام ابن عبد الله ابن أبي قاسم ابن محمد ابن تیمیه حراني حنبلي دمشقي (متوفی: 728 هـ)

محبت حقیقی است محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نیز هم چنان محبت حقیقی میباشد از برای محبت که با الله تعالی داریم باید با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هم محبت داشته باشیم و از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبت و اطاعت می شود در حقیقت علتش محبت و اطاعت از الله تعالی میباشد¹.

3- محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - سبب محبت همراه الله تعالی می باشد زیرا که نبی - صلی الله علیه وسلم - سفیر - یعنی [پیام رسان] - الله جل جلاله - است.

الله متعال میفرماید { مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ } (2)

ترجمه : (هر که از پیغمبر اطاعت کند ، در حقیقت از خدا اطاعت کرده است.)

اطاعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در همه اوقات باید در نظر گرفته شود به خاطر این که وسیله و ذریعه محبت - الله جل جلاله - می باشد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: { مَنْ

احبني فقد احب الله ومن اطاعني فقد اطاع الله } (3)

ترجمه: (کسی که من را دوست دارد یقیناً الله تعالی را دوست داشته است و کسی که از من اطاعت را کند به تحقیق اطاعت الله تعالی را کرده است).

از محتوای حدیث معلوم میشود که کسی که با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبت داشته باشد در حقیقت با الله تعالی محبت دارد. در اینجا نکته که قابل توجه است این است که کسی که با من محبت کند با خداوند محبت دارد اگر با من محبت نکند با خداوند محبت داشتنش معنا ندارد.

مطلب دوم : فضیلت محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم -.

فضیلت و اهمیت محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از لحاظ شریعت جایگاه خود را دارد که قابل تذکر است . اول انسا محبوب خداوند می شود. الله تعالی در زمینه می فرماید: { قُلْ إِنْ كُنْتُمْ

تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ } (4)

ترجمه : (بگو اگر خدا را دوست می دارید ، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد.

انسان محبوب خداوند قرار می گیرد و لکن به شرط اینکه از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - تابعداری شود).

دوم: خداوند جل جلاله شفقت و مهربانی رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - را بر امتش چنین وانمود کرده است خداوند می فرماید: { النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ } (5) (نبی - صلی الله علیه

¹ - مجموع الفتاوی ، 10 / 649 .

² - سوره نساء: 80.

³ - بخاری کتاب فضائل صحابه باب مناقب عمر ابن خطاب 14/5 - 15. و مسلم فی البر والصلة. باب المرء مع من أحب، ج 4 / 2032.

⁴ - سوره العمران، 31.

⁵ - سوره احزاب آیت 6.

وسلم- شفقت و(مهربان) است به مومن ها از نفسشان) (حتی حکمش را بر اختیار آنها مقدم دانسته است و نبی - صلی الله علیه وسلم - را از نفس شان اولی و بهتر دانسته است زیرا که امر ونهی نمی کند مگر در چیزی که خیرشان باشد و یا ضررشان باشد در دنیا و آخرت چون نفس انسان امر به بدی و گاه هم بی خبر می ماند از بسیار امور و مصالح و بعض منافع برایش پوشیده می باشد⁽¹⁾).

دیگر از جمله فضیلت که در محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - موجود است حشر و نشر انسان با انبیاء کرام میباشد الله تعالی در زمینه چنین می فرماید: { وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا }⁽²⁾

ترجمه : (و کسی که از خدا و پیغمبر - با تسلیم در برابر فرمان آنان و رضا به حکم ایشان - اطاعت کند ، او در روز رستاخیز به بهشت می رود همراه و- همنشین کسانی خواهد بود که - مقربان درگاهند و - خداوند به ایشان نعمت - هدایت داده است - و مشمول الطاف خود نموده است و بزرگواری خویش را بر آنان تمام کرده است آن مقربانی که او همدمشان خواهد بود، عبارتند - از پیغمبران - و راستگویانی که پیغمبران را تصدیق کردند و بر راه آنان رفتند - و شهیدان - یعنی آنان که خود را در راه خدا فدا کردند - و شایستگان - یعنی سایر بندگان که درون و بیرونشان به زیور طاعت و عبادت آراسته شد - و آنان چه اندازه دوستان خوبی هستند !.)

ازین آیه مبارکه معلوم می شود که محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - سبب است از برای اطاعت و اطاعت سبب است برای بودنش در جنت همراه با رسول الله - صلی الله علیه وسلم -.

و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - میفرماید شخصی که با من محبت کند در جنت همراه من میباشد در چندین حدیث این مطلب تذکر یافته است از جمله چند حدیث را به طور نمونه یاد آور می شویم :
اول: وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: (قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا بُنَيَّ إِنَّ قَدْرَتَ أَنْ تُصْبِحَ وَتُمْسِيَ وَلَيْسَ فِي قَلْبِكَ غِشٌّ لِأَحَدٍ فَأَفْعَلْ) ثُمَّ قَالَ: (يَا بُنَيَّ وَذَلِكَ مِنْ سُنَّتِي، وَمَنْ أَحَبَّ سُنَّتِي فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ)⁽³⁾.

ترجمه : (از حضرت انس رضی الله روایت است فرمود ارشاد فرمود برایم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ای فرزندم اگر قدرت داری که بیگانه و صباح کنی و در قلبت بغض نباشد در حق کسی انجام ده این کار را، بعد از آن گفت ای فرزندم این از سنت من است کسی که سنت من را دوست دارد به تحقیق من را دوست داشته است و کسی که من را دوست دارد در جنت با همراه من می باشد.)

¹- ابن کثیر أبو الفداء إسماعیل ابن عمر ابن کثیر قرشی بصری و دمشقی (متوفی (774) (جلد 6/ ص 380) ..

²- سوره النساء آیت، 69.

³- بخاری. کتاب فضائل صحابه باب مناقب عمر بن الخطاب ج 5/ 14- 15. و مسلم فی البر والصلوة. باب المرء مع من أحب ج 4/ شماره حدیث 2032).

از حدیث فوق معلوم میشود که الله تعالی کسی را که با محمد - صلی الله علیه وسلم - محبت داشته باشد محبوب خود قرار می دهد و آن را داخل جنت می سازد این در نتیجه محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می باشد.

دوم: عن انس - رضي الله - عنه قال جاء رجل إلى رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فقال يا - رسول الله - متى الساعة قال وما أعدت للساعة قال حب الله ورسوله قال فانك مع من أحببت⁽¹⁾.

ترجمه: (از حضرت انس - رضي الله - روایت است فرمود آمد شخص بسوی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و فرمود یا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چه وقت قائم می شود قیامت نبی - صلی الله علیه وسلم - چه آماده کرده ای برای قیامت فرمود محبت الله و رسول را پس فرمود رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یقیناً تو همراه کسی هستی که تو آن را دوست میداری).

ازین معلوم می شود که محبت با الله و رسول باعث یکجا شدن است با رسول - صلی الله علیه وسلم - در جنت، معیت و دیدار رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در جنت نعمت عظیم می باشد، هدف در سوال سائل این است که تا زمان که قیامت قائم نشود معیت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در جنت میسر نمی شود ازین جهت اول از قیامت سوال کرد و در جواب - نبی صلی الله علیه وسلم - خوشحالی حاصل نمود.

سوم: عن انس - رضي الله عنه - قال ثلاثة من كن فيه وجد بهنّ حلاوة الايمان : ان يكون الله ورسوله احب اليه مما سواهما، وان يحب المرء لا يحبه الا الله وان يكره ان يعود الى الكفر كما يكره ان يقذف في النار⁽²⁾.

ترجمه: (حضرت انس - رضي الله عنه - روایت است فرمودند سه خصلت است که در کسی موجود شوند موجود می یابد مزه ایمان را اول این که الله و رسول در نزدش محبوب تر باشند نسبت به دیگران و دوست بدارد شخص را و دوستی اش نباشد مگر به خاطر خدا باشد و بد بداند و سپس شدن را به کفر مثل که بد می داند در آتش افتادن را).

محبت با الله و رسول - صلی الله علیه وسلم - در تقابل با محبت دیگران متفاوت می باشد قسم که درین حدیث تمثیل شده است که چیزی را که الله و رسول بد می پندارند از کفر، شرک، بدعات و خرافات به مثل که آتش را بد می بیند با ید بغض کردن و نافرمانی را با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هم بد احساس کند و یا به قسم که خلاص شدن از آتش را دوست می دارد به همین شکل دوستی با الله و رسول - صلی الله علیه وسلم - را نیز دوست دارد.

¹ - بخاري كتاب ايمان باب كيف كانت يمين النبي صلی الله علیه وسلم ج 8 / شمار حدیث 161.
² - بخاري. كتاب ادب، باب علامه حب الله عزوجل، ج 8 / شماره حدیث 493

(حضرت انس - رضی الله عنه - میگوید که مایان خوش نشدیم بعد از اسلام به خوشحال شدن زیاد تر ازین قول نبی - صلی الله علیه وسلم - [فَاِنَّكَ مَعَ مَنْ أَحَبَبْتَ] و من دوست میدارم با حضرت ابوبکر - رضی الله عنه - ، حضرت عمر - رضی الله عنه - ، در آخرت اگرچه اعمال آنها را انجام نه داده ام این احادیث و امثال آن دلالت می کنند بر واجب بودن محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و این عادت صحابا به کرام نیز بود که با نبی - صلی الله علیه وسلم - زیاد محبت داشتند حتی جان خویش را فدای کردند از برای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - مثلاً حضرت سعد ابن ابی وقاص - رضی الله عنه - در غزوه احد بعد ازین که شکست واقع شد بدن خود را سپر قرارداد این را محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می گویند و یا پدر و مادر خود را فدای کردن مثل حضرت ابی بکر - رضی الله عنه - خلیفه دوم اسلام زمان که اجازه داده شد از طرف الله تعالی به هجرت کردن از مکه به مدینه و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در حین چاشت به نزد حضرت ابی بکر صدیق - رضی الله عنه - تشریف آوردند و از ابی بکر صدیق - رضی الله عنه - برای وارد شدن خانه اجازه طلب کرد بعد از آن ابی بکر صدیق - رضی الله عنه - الفاظ (بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي) یعنی پدر، مادرم فدایت ای رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - این را مردم عرب در وقت سوال و جواب استعمال می کرد (1)

هم چنان از حضرت علی - رضی الله عنه - سوال شد که چه گونه بود محبت شما با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در جواب فرمودند: محبت ما به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چنین بود از مال، اولاد، پدر و مادر و از آب سرد که در وقت تشنگی باشد که با آن چه انداز ضرورت دارد بسیارتر محبت می کردیم (2).

مبحث دوم: اقسام محبت

محبت به سه دسته تقسیم می شود اول طبعی ، دوم اختیاری و سوم: محبت شرعی هر کدام را در تحت سه مطالب بیان می شوند چون برداشت انسان بر همین استوار است مثل حضرت عمر - رضی الله عنه - که در مرحله اول به شکل طبعی اظهار محبت کرد ولی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آن را رد نمود بعدا به شکل اختیاری اظهار محبت نموده رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آن را تایید کرد و هر کدام را جداگانه بحث می کنیم.

مطلب اول: محبت طبعی

محبت طبعی: محبت طبعی به طبیعت و مفکوره انسان تعلق دارد مثل محبت با پدر، مادر و فرزند گاه محبت یک چیزی از لحاظ طبیعت کشش و میل می باشد مثل محبت داشتن به رفتن حج بیت

¹ - سیرت النبى - صلی الله علیه وسلم - ص 264.

² - بخاری. کتاب فضائل صحابة باب فضائل عمر این خطاب رضی الله عنه ج 5 / شماره 14 و 15. و مسلم در باب بروصله باب المرء مع من أحب، ج 4 / شماره حدیث (2032).

الله شریف ، و حفظ قرآن کریم . عالم و صاحب علم شدن یا محبت داشتن با محیط سبزشاداب ، یا محبت به حسن زیبایی شخص، یا محبت به آواز و صوت زیبا، یا محبت در وقت گرسنگی به غذای خوب و نکاح کردن به زن مسلمان دین دار و خوش اخلاق و همچنان محبت به صحت و سلامت بودن محبت به مال متاع دنیا چوکی قدرت ریاست، نشست برخواست با افراد ، اشخاص هم مثل خود و غیره.

مطلب دوم: محبت اختیاری:

محبت اختیاری قسمی است که در مرحله اول بادل انسان ساز گار نیست ولی با در نظر داشت بعضی مصالح آن را اختیار می کنی مثلا دارو خوردن را انسان طبیعتا بد می پندارد لکن به خاطر اینکه به صحتش مفید تمام می شود آن را اختیار کرده استفاده می کند قسمی که حضرت عمر - رضی الله تعالی عنه - در مرحله اول محبتش محبت طبعی بود و لکن چنین محبت مطلوب نبود در نزد صاحب شریعت بعدا محبتش تبدیل شد به محبت اختیاری در حدیث عبد الله ابن هشام روایت شده است:

اول: عن عبد الله بن هشام قال: « كُنَّا مَعَ - النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَهُوَ آخِذٌ بِيَدِ عَمْرِو بْنِ الْخَطَّابِ، فَقَالَ لَهُ عَمْرٌو: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا مِنْ نَفْسِي. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنْ نَفْسِكَ، قَالَ لَهُ عَمْرٌو: فَإِنَّهُ الْآنَ وَاللَّهِ لَأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي. فَقَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : الْآنَ يَا عَمْرُوءَ»⁽¹⁾.

ترجمه : (از عبد الله ابن هشام رضی الله عنهما روایت است فرمود بودیم ما همراه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در حال که از دست عمر ابن الخطاب - رضی الله عنه - گرفته بود پس گفت حضرت عمر به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یا رسول الله ضرور به من از هر چیز محبوب ترای مگر از نفسم پس فرمودند رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نه خیر قسم به ذات که نفسم در دست بلا کیف آن است تا محبوب تر نباشم از نفست مومن شده نمی توانی حضرت عمر - رضی الله عنه - فرمود از نفسم محبوب تر است پس فرمود رسول الله - صلی الله علیه وسلم - حالا دانست و سخن زدی به آن چه بر تو واجب بود ای عمر.)

این حدیث بیان گر این است که نمی رسد مسلمان به حقیقت ایمان تا زمان که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از نفسش محبوب تر نباشد این دلالت می کند که مسلمان بر خواهشات و شهوات خویش محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را ترجیح دهد.

محبت اختیاری حالت است که به طبیعت تعلق ندارد بلکه از برای تکمیل ایمان اختیاری می شود مثل که در حدیث بالا ذکر شد الله تعالی می فرماید: {النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ} (2)

¹- بخاری. کتاب ایمان و نذوریات کیف کان یمین النبی - صلی الله علیه وسلم - ج 8/ شماره حدیث 161.
²- سوره احزاب آیت 6.

ترجمه : (نبی - صلی الله علیه وسلم - به مومن ها نسبت به نفس های شان اولی و بهتر است .
محبت اختیاری مثل اختیار کردن حضرت عمر - رضی الله عنه - بعد از محبت طبعی خود محبتش
اختیاری شد .)

وقال الخطابي (1) حب الإنسان نفسه طبع، وحب غيره اختيار بتوسط الأسباب وإنما أراد عليه الصلاة والسلام حب الاختيار إذ لا سبيل إلى قلب الطباع وتغييرها عما جبلت عليه .
ثم يستطرد ابن حجر معلقا على كلام الخطابي فيقول: (فعلی هذا فجواب عمر أولا كان بحسب الطبع،
ثم تأمل فعرف بالاستدلال أن النبي - صلی الله علیه وسلم - أحب إليه من نفسه لكونه السبب في
نجاتها من المهلكات في الدنيا والأخرى، فأخبر بما اقتضاه الاختيار ولذلك حصل الجواب بقوله:
«الآن يا عمر» أي الآن عرفت فنطقت بما يجب) (2) .

وفي هذا الحديث إشارة إلى فضيلة التفكير. فإن عمر رضي الله عنه لما أجاب أول الأمر لم يكن قد تفكر
في كون الرسول صلى الله عليه وسلم أحب إليه من نفسه، فلما استوقفه الرسول صلى الله عليه
وسلم وراجعته تفكر وامتنح نفسه فإذا به يصل إلى النتيجة المطلوبة. وهي كون الرسول صلى الله
عليه وسلم أحب إليه من نفسه.

امام خطابی¹ - رحمه الله - می گوید: (محبت انسان به نفس خود محبت طبعی است و محبت به
غير محبت اختیاری است توسط اسباب تبدیل می شود و قلب تابع دار تغیر پیدا می کند از جبلت
و حالت اول خود و درین جا نبی - صلی الله علیه وسلم - محبت اختیاری را اراده کرده بود
از حضرت عمر - رضی الله تعالی عنه - ابن حجر - رحمه الله - کلام امام خطابی - رحمه الله - را
شرح می کند و می گوید محبت حضرت عمر - رضی الله تعالی عنه - اول به طور طبعی بود بعد از
تأمل دانست که محبت بارسول - صلی الله علیه وسلم - باید از نفس بالا تر باشد زیرا سبب نجات
است از هلاکت در دنیا و آخرت پس خبر داد برایش به آن چه که تقاضایش بود و فرمود «الآن يا عمر
یعنی اکنون دانیست حقیقت را و اظهار کردی چیزی را که بر تو واجب بود» (2).

در اینجا حضرت عمر - رضی الله عنه - بعد از تفکر به نتیجه مطلوب رسید باید نبی - صلی الله علیه
وسلم - از نفس هم زیاد تر محبوب باشد و هم چنان فضیلت تفکر هم معلوم می شود باید انسان
در رسیدن به حقیقت تفکر کند.

از برای تکمیل ایمان محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - نسبت به پدر، فرزند و همه مردم قید
گذاشته شده است قسم که در حدیث که به روایت حضرت انس - رضی الله عنه ذکر شده است.

¹-أبو سليمان حمدا بن محمد ابن إبراهيم ابن خطاب بستي معروف به خطابي متوفى: 388هـ) طبع 1402هـ- (1982).

²-فتح الباري، ج 11 / ص 528. به حواله محبة الرسول بين الاتباع ولابتداع صفحه 48

دوم: عن أنس قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: « لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من والده وولده والناس أجمعين »⁽¹⁾.

ترجمه: (از حضرت انس - رضي الله عنه - روایت است فرمود رسول الله - صلى الله عليه وسلم - مومن کامل شده نمی تواند یکی از شما تا که من محبوب تر نباشم در نزدش از پدر، فرزند و از همه مردم.)

درین حدیث محبت اختیاری ذکر شده است زیرا نفی ایمان شده است تا زمان که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - زیاد تر محبوب نباشد ایمان تکمیل نمی شود.

(دوم درین حدیث ارتباط بیان شده در میان ایمان و محبت چون ایمان کامل موقوف است به داشتن محبت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - پس وقت که محبت در قلب مومن قوی باشد ثمره آن در ایمان زیاد می باشد و مزه ایمان را احساس می کند قسمی که حضرت عمر - رضي الله عنه - احساس کرده بود. حضرت عمر - رضي الله عنه - در مرحله اول با رسول الله - صلى الله عليه وسلم - محبتش محبت طبعی بود یعنی نسبت به هر چیز آن را زیاده تر دوست داشت مگر از نفس خود ولی در این آیه مبارکه که الله جل جلاله خبر میدهد که تا به وقتی که رسول - صلى الله عليه وسلم - از نفس تان محبوب تر قرار نگیرد مومن کامل شده نمی توانید باید که مسلمان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - را در دوست داشتن ؛ اطاعت کردن و ترجیح قولش بر هوا و هوس نفس خود ترجیح دهد. الله تعالی میفرماید { النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ } در تحت این آیت ابن قیم - رحمه الله عليه - می فرماید که این آیت دلیل است برای کسی که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - را از نفس خود زیاده تر دوست ندارد مومن کامل نیست و این اولویت متضمن دو امر می باشد.)

باید از نفسش محبوب تر باشد زیرا که اولویت در اصل محبت است و نفس انسان از هر چیز در نزدش محبوب تر است با وجود آن هم رسول الله - صلى الله عليه وسلم - باید در نزدش محبوب تر باشد بعد نام مومن بودن به آن حاصل میشود ازین لازم میشود اولویت و محبت قائل شدن کمال انقیاد؛ طاعت؛ رضا و تسلیم شدن از لوازمات محبت می باشد بنده خود نباید حکم بر نفس خود کند بلکه رسول الله - صلى الله عليه وسلم - باید حکم و فیصله کند در حق آن قسم که یک سید در حق غلام خود حکم میکند و یا پدر در حق فرزند خود تصمیم می گیرد و انسان تصرف خود را ندارد بلکه تصرف آن از لحاظ مشروعیت، غیر مشروعیت، جایز و ناجایز بودن مسئله را رسول الله - صلى الله عليه وسلم - دارد زیرا که آن اولی تر است نسبت به نفس آن شخص⁽²⁾.

¹- صحیح بخاری ج 1 ص 14 شماره حدیث 15

²- رساله تبویک از ابن قیم تحقیق شیخ عبد الظاهر ابي السمع ج 1/، ص 21-22 ناشر طبعه سلفیه و مکبه مکه مکرمه 1347 هـ.)

مطلب سوم: محبت شرعی.

محبت شرعی: عبارت است از دوست داشتن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - باید رسول - صلی الله علیه وسلم - را دوست بداریم و اقوالش را به سرچشم در عمل پیاده کنیم زیرا محبت با الله جل جلاله موقوف است به اطاعت و محبت کردن با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - این مطلب در نصوص زیاد ذکر می شود: الله تعالی میفرماید { قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ } (1) ترجمه: (بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد).

در آیت مبارکه مسأله اتباع ذکر شده است و اتباع در اثر محبت به وجود می‌آید. همین موضوع محبت در حدیث نیز ذکر شده است که کثرت نماز، روزه، و صدقه در مقابل محبت الله با الله و رسول ذکر شد ولی در محبت الله و رسول معیت در جنت حاصل می‌شود.

حدیث اول: عن أنس بن مالك (أن رجلا سأل النبي صلى الله عليه وسلم: « متى الساعة يا رسول الله؟ قال: ما أعددت لها؟ قال: ما أعددت لها من كثير صلاة ولا صوم ولا صدقة، ولكني أحب الله ورسوله. قال: أنت مع من أحببت » (2).

ترجمه: (از انس - رضي الله عنه - روایت است کسی سوال کرد از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از قائم شدن قیامت نبی - صلی الله علیه وسلم - از آمادگی قیامت پرسان کرد از نماز روزه و صدقه ولی شخص محبت الله و رسولش را اظهار نمود رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند که شخص با کسی است که آن را دوست دارد).

محبت در ذات خود طاعت است و طاعت یک امر زائد و شرط است از برای محبت و محبت موقوف است به اطاعت محمد رسول - صلی الله علیه وسلم - از لحاظ سیرت، صورت، اخلاق و عظمت شأن آن زیرا بسیار از کفار به اسلام منسوب نیستند و نه به نبی - صلی الله علیه وسلم - ایمان دارند و لکن عزت و عظمت اش را کرده اند با وجود آن هم این کار شان را محبت شرعی گفته نمی‌شود مثل ابوطالب به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از نزدیک ترین قرابت بر خور دار بود حتی کاکایش می‌شد محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را دوست می‌داشت و کفار را از اذیت و آزارش ممانعت می‌کرد ولی با آن هم این ثمره محبت و ایمان نبود این محبت از جهت قرابت و غیرت جاهلیت بود و محبت حقیقی با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبت شرعی ارادی و اختیاری است که آن عمل قلب است و باید همه فکر و تدبر خود را متوجه به حصول محبت الله و رسول مبذول بداری در اقوال و افعال ظاهری و باطنی.

¹-سوره العمران آیت 31.

²-بخاری در کتاب رفاق باب تواضع، ج 8/ ص 131.

شیخ الإسلام ابن تیمیہ - رحمہ اللہ - می گوید : محبت با رسول اللہ - صلی اللہ علیہ وسلم - از جهت محبت با اللہ تعالیٰ است محبت با رسول اللہ در اکثر نصوص شرعی همراه با محبت اللہ تعالیٰ ذکر شده است (1).

طوریکه اللہ تعالیٰ میفرماید: ﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ﴾ (2).

ترجمه: (بگو اگر پدران، فرزندان، برادران و همسران و قوم قبیلہ شما، و اموالی که فراچنگش آورده‌اید، و بازرگانی و تجارتي که از بی‌پازاری و بی‌رونقی آن می‌ترسید، و منازلی که مورد علاقه شما است، اینها در نظرتان از خدا و پیغمبرش و جهاد در راه او محبوبتر باشد پس، در انتظار باشید که خداوند کار خود را کند - و عذاب خویش را فرو میفرستد - خداوند کسان نافرمان را - به راه سعادت - هدایت نمی‌نماید.)

محبت با رسول اللہ - صلی اللہ علیہ وسلم - بر همه مخلوقات اینست که زمان که در او امر و نواهی در مقابل داع دیگر واقع شود اطاعت و امتثال از رسول اللہ - صلی اللہ علیہ وسلم - لازم است و معلوم می‌شود که یقیناً این شخص مومن کامل بوده و در ایمان خود صادق است، محبت رسول اللہ - صلی اللہ علیہ وسلم - تبع است از برای محبت - اللہ عزوجل - و محبت رسول - صلی اللہ علیہ وسلم - نشئت می‌کند از شناخت و معرفت کامل به آن چیزی که نبی - صلی اللہ علیہ وسلم - مبعوث گردیده است و این پیدامی‌شود از معرفت اللہ و عظمت آن زیرا که محبت خدا تمام نمی‌شود مگر به اطاعت اللہ تعالیٰ و اطاعت اللہ ممکن نیست مگر به اطاعت رسول - صلی اللہ علیہ وسلم -.

بر همه امت در حالت سختی و آسانی اتباع و محبت با رسول اللہ - صلی اللہ علیہ وسلم - فرض عین است و مظاهری عملی دارد به مجرد دعوی نمی‌شود از جمله:

مثال اول: اقتداء و پیروی کردن از نبی - صلی اللہ علیہ وسلم -

روش نیکودر پیروی رسول اللہ - صلی اللہ علیہ وسلم - گذاشته شده است اللہ تعالیٰ میفرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (3).

ترجمه: (سرمشق و الگوي زیبایی در - شیوه پندار، گفتار و کردار - پیغمبر خدا برای شما است . برای کسانی که دارای سه ویژگی باشند: امید به خدا داشته و جویای قیامت باشند، و خدای را بسیار یاد کنند) .

¹ - مجموع الفتاوی از ابن تیمیة، ج 10 / ص 649.

² - سوره توبه، آیت 24

³ - سوره احزاب آیت 21

علامه ابن کثیر- رحمة الله عليه - ¹ می گوید: که این آیت یک اصل بزرگ است در تاسی به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در اقوال ، افعال و احوال و در همه حالات ازین جهت تعالی در روز غزوه احزاب مردم را به پیروی از خود امر نمود امور دین معیار از برای اقتدا رسول - صلی الله علیه وسلم - است در اقوال، افعال و عقاید و همه امورات در راسته ی عملی نمودن شریعت و این همه بنا می باشند به طریقه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - وقتی که سعادت بنده در دنیا و آخرت به طریق محمد - صلی الله علیه وسلم - تعلق دارد پس واجب است بر همه مردم که خیر خواهی نفس خود را داشته باشند و دوست دارند نجات دهنده خویش را و بشناسند راه و روش محمد - صلی الله علیه وسلم - را و داخل شوند در زمره اتباع و راه روان آن ⁽²⁾

جنبه عملی اقتدا به رسول - صلی الله علیه وسلم - تطبیق سنت است در زندگی انفرادی و اجتماعی در راستای دین چه در اعتقادات ، عبادات ، معاملات ، اخلاق ، آداب و نظم اجتماعی اداری و سیاسی و آنچه که کمک می کند در احیا ، نشرو پخش علم دین که از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به میراث مانده است و به ما رهنمود کرده داده است. الله تعالی میفرماید: ﴿ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾ ⁽³⁾

ترجمه: (آنچه را که می دهد به شما رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بگیریید آن را و از آنچه منع کرده شما را منع شوید.

یعنی چیزی را که پیامبر- صلی الله علیه وسلم - از مال فیئ و غیر آن به شما می دهد بگیریید و برای تان حلال است و از چیزی که منع می کند شما را از آن دوری جوید و به آن نزدیک نشوید زیرا که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از هوای نفس خود صحبت نمی کند طور که الله - جل جلاله میفرماید: « وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ » (فرود آوردیم ما به سوی تو ای پیامبر گرامی ذکر را (قرآن) تا بیان و وضاحت کنی برای مردم آنچه را که به آنها نازل شده است) اگر چه آیت در مورد خاص نازل شده است لکن حکمش عام است در همه موارد ⁽⁴⁾

مثال دوم: فیصله: کردن به سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و به آن تأکید شده است و سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - میزان - ترا زو- است از برای وزن کردن اقوال، افعال دیگران و احکام چیزی که به سنت موافق باشد قبول می کند و چیزی که مخالف باشد رد می کند و لو هر کس

¹ - امام حافظ عمادالدین، ابوالفداء اسماعیل ابن کثیر قرشی دمشقی متوفی سنة 774 هـ

² - تفسیر القرآن العظیم ج 3/ص 475 ناشر ه دار معرفة طبع 1992م-412)

³ - سوره الحشر آیت 7.

⁴ - تفسیر المراغی ج 28 ص 39.

که آن را گفته باشد و این را آیات زیاد تایید می کند. خداوند می فرماید { فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا } (1)

ترجمه: (اَما ، نه ! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی آیند تا تورا در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم - قضاوت تو - باشند).

خداوند به ذات خود قسم یاد نموده است ایمان مومن ثابت نمی شود تا که حکم کند رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نزاع ایجاد شده را و به فیصله آن راضی باشند با فراخی سینه و خوشی نفس .

الله تعالی به خاطر حل معضلات پیامبر را فرستاده است که باید مشکلات توسط آن حل و فصل گردد
طور که الله تعالی میفرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا } (2)

ترجمه: (ای کسانی که ایمان آورده اید ! از خدا - با پیروی از قرآن - و از پیغمبر - خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او اطاعت کنید ، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید - مادام که دادگر و حَقَّگرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند - و اگر در چیزی اختلاف داشتید - و در امری از امور کشمکش پیدا کردید - آن را به خدا - با عرضه به قرآن - و پیغمبر او - با رجوع به سنت نبوی - برگردانید - تا در پرتو قرآن و سنت ، حکم آن را بدانید . چرا که خدا قرآن را نازل ، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است . باید چنین عمل کنید - اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید این کار - یعنی رجوع به قرآن و سنت - برای شما بهتر و خوش فرجام تر است -).

الله تعالی امر نموده مومنین را به واپس کردن قضایای شان به سوی کتاب الله و سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و این برای ایشان بهتر است در دنیا و آخرت و پیامد خوب دارد و رد نمودن قضایا به کتاب الله و سنت رسول الله صراحتاً دلالت می کند این دو یعنی [کتاب الله و سنت] رسول می سازد به رجوع کردن به سوی کتاب الله و سنت رسول در حکم شرعی در هر چه موجود یافته می شود در امور زندگی دنیا و در همه امورات.

خوی و عادات صحابه کرام این بود که همیشه رجوع به کتاب و سنت می کردن و منازعات خود را توسط کتاب سنت حل و فصل می کردن و کتاب سنت را اصل و اساس قرار می دادند برای وضاحت چند نمونه را ذکر می کنم من جمله واقعات حضرت عمر فاروق - رضی الله عنه - درمسأله جنین و درمراث شوهر برای زن بها هو عمر بن الخطاب رضي الله عنه يقول: «أذكر الله امرأ سمع من

1 - سوره النساء آیت 56.

2 - سوره النساء آیت 59.

النبي في الجنين شيئاً؟ فقام «حمل بن مالك بن النابغة»، فقال: كنت بين جاريتين لي، يعني ضرتين، فضربت إحدهما الأخرى بمسطح فألقت جنينا ميتا، ففضى فيه رسول الله بغرة فقال عمر: لو لم أسمع فيه لقضينا بغيره.¹

عن سعيد بن المسيب: «أن عمر بن الخطاب كان يقول: الدية للعاقلة، ولا تراث المرأة من دية زوجها شيئاً. حتى أخبره الضحاک بن سفيان أن رسول الله كتب إليه: أن يورث امرأة أشيم الضبابي من ديته. فرجع إليه عمر»⁽²⁾.

مثال اول: (حضرت عمر - رضي الله عنه- فرمود آیا از نبی - صلی الله علیه وسلم- کسی درباره جنین چیزی شنیده است یاخیر پس استاد شد [حمل بن مالک بن نابغه] وفرمود دوزن داشتیم وزد یک دیگر را پس طفل ضایمان شد ومرد پس رسول الله - صلی الله علیه وسلم- فیصله کرد به دیت⁽³⁾ حضرت عمر - رضي الله عنه- فرمود اگر نمی شنیدم این را فیصله به چیزی دیگری می کردم)⁽⁴⁾
مثال دوم : (از سعید بن مسیب نقل است یقیناً حضرت عمر رضی الله فرمود میراث نمی برد زن از دیت شوهر خود چیز را ضحاک بن سفيان حضرت عمر- رضی الله - عنه را خبر داد - نبی صلی الله علیه وسلم - نوشته کرده بود برایش برای زن اشیم ضبابی میراث بدهد پس عمر- رضی الله عنه - از نظر خود رجوع کرد)⁽⁵⁾.

عمل به سنت و انداختن هررای مخالف اگر چه به آن عمل هم صورت گرفته باشد به شرط اینکه حدیث به صحیح سند ثابت شده باشد.

عن العباس بن عبد المطلب رضي الله عنه أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: (ذاق طعم الإيمان من رضي بالله ربا، وبالإسلام ديناً، وبمحمد - صلى الله عليه وسلم - نبيا ورسولا)⁽⁶⁾.

ترجمه : (از عباس بن عبد المطلب - رضي الله عنه - روایت است یقیناً فرمود چشیدم مزه ایمان را کسی که راضی بود از الله از لحاظ رب بودن وبه اسلام از لحاظ دین بودن وبه محمد - صلی الله علیه وسلم - از لحاظ نبی ورسول بودن .)

¹ - الرسالة از امام شافعی ج 1 ص 427.
² - مسند، امام حمد ج 3 / ص 452، وترمذی درباب الفرائض، باب ما جاء في توريث المرأة من دية زوجها آورده است وفرموده حدیث حسن و صحیح است ج 3 / ص 288،
³ - غرة: غلام، کنیز ویا آن چه که نصف قیمت غلام وکنیز را داشته باشد ابن اثیر می گوید واجب است تاوان درجنین که سقط شود مرده و اگر زنده باشد دیت کامل است (نهاییه في غريب الحديث، ج 3 / ص 353).
⁴ - بخاری از ابي هريره در كتاب الديات . باب جنين المرأة وأد العقل على الولد ، ج 14 / ص 9-15.
⁵ - أشيم الضبابي صحابي است به قتل رسیده بود به خطای درعهد نبی النبي صلی الله علیه وسلم: اصابة في تمييز الصحابة از ابن حجر العسقلاني، طبع دار الكتاب العربي، بيروت، ج 1 / ص 67.
⁶ - مسلم: ج 1 / ص 62.

قسم که در قیل تذکر داده شد حضرت عمر - رضی الله عنه - بعد از شنیدن قول رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نظر خود را تغیر داد این در نتیجه رضا و رغبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است زمان که راضی شد مسلمان از الله تعالی و رسولش - صلی الله علیه وسلم - از لحاظ عقیده همچنان راضی می باشد به فیصله محمد - صلی الله علیه وسلم - دیگر نظر نمی کند به غیر سنت و از سنت تابع داری می کند منقاد شده ، قبول می کند حکم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را و راضی می باشد به همه آنچه که آورده است از طرف پروردگار و قلبش اطمینان پیدا می کند و باز میشود و می بیند نعمت های خداوند را بر خود این همه توسط نبی - صلی الله علیه وسلم - و دین که آورده است حاصل می شود و این پره کامیابی است.

مثال سوم: وقوف در نزد حدود شریعت : این ثمره رضا است کسی که راضی باشد به حکم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و از شریعت آن تجاوز نمی کند به طرف غیر شریعت.

تعدی در حدود افراط و تفریط را شامل می شود لکن اکثر اطلاق به افراط و تجاوز می شود افراط ولو در هر مسأله باشد حتی در محبت هم افراط گرای درست نیست مثل که الله تعالی در مورد حدود و احکامات بیان شده فرموده است: { تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ } (1)

ترجمه : (اینها حدود و مرزهای (احکام شرعی) الهی استند و از آنها تجاوز نکنید، و هر کس از حدود و مرزهای شریعت (اوامر و نواهی) الهی تجاوز کند (ستمگر بوده) و بی گمان این چنین کسانی ستمگرند (و به خود و به جامعه ای که در آن زندگی می کنند ستم می نمایند).

حتی در دعا کردن هم سرکشی و تجاوز درست نیست الله تعالی میفرماید: { ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ } (2)

ترجمه: (پروردگار خود را فروتنانه و پنهانی به کمک بخواهید (و در دعا با بلندگرداندن صدا یا درخواست چیز ناروا از حد اعتدال تجاوز مکنید که) او تجاوزکاران را دوست نمی دارد).

اعتدا در حد و شریعت تجاوز کردن را گویند به هر قسم که باشد ولو که در محبت کردن باشد با محمد - صلی الله علیه وسلم - { إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ } در این علت بیان شده از برای اعتدا و تجاوز در دعا کردن و هم چنان در محبت کردن با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - باید به شکل شرعی اش محبت شود³. { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ } (4)

¹-سورة البقرة، آیت 229

²-سورة اعراف، آیت 55

³-احسن الكلام: ج 4/ص 356

⁴-سورة مایده آیت 87.

ترجمه : (ای مؤمنان ! چیزهای پاکیزه‌ای را که خداوند برای شما حلال کرده است بر خود حرام نکنید (واز حلال به حرام) تجاوز ننمائید (واز حدود مقررات الهی تخطی نکنید) زیرا که خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد). درین جا آیت رد تحلیل و تحریم را تجاوز یعنی چیزی را که خداوند حلال گردانیده است نباید حرام گردانده شود بدون دلیل شرعی. در همه این موارد الله تعالی ارحد تجاوز را ممنوع قرار داده است فلحاظا در محبت کردن هم احد تجاوز کردن درست نیست بلکه در درانداز مناسب باید محبت صورت گیرد چون ما امت وسط و درمیانہ استیم الله تعالی میفرماید» **وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا**» (یعنی همچنان گردانیدیم شما را امت درمیانہ) وپاک از افراط و تفریط. [کمی و زیادت]

وکسی که تجاوز کند از شریعت و خارج شود از آن به سوی بیراه ها که همانا راه شیطان است و شیطان این حرکت و عمل را برایش مزین ساخته است الله تعالی میفرماید: { **أَفَمَنْ رُئِيَ لَهُ سُوءٌ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تُدْرِكُهُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ** }⁽¹⁾. ترجمه : (آیا کسی که عملهای بدش - توسط شیطان و شیطان صفتان - در نظرش زینت و آراسته شده است و آن را زیبا و آراسته می‌بیند (همانند کسی است که واقع را آن چنان که هست می‌بیند و از قوانین آسمانی پیروی می‌کند ؟ - خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد، و هر کس را بخواهد راهیاب می‌نماید پس خود را با غم و غصه آنان هلاک مکن خدا بس آگاه از کارهایی است که می‌کنند).

در صورت اتباع و پیروی صداقت محبت رسول- صلی الله علیه وسلم - معلوم می‌شود و کسی که اتباع نکند دلالت می‌کند به نقصان محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و در صورت عدم اتباع و عدالت امت متجاوز و سرکش می‌باشیم و از شفاعت آن محروم خواهیم شد.

¹-سورة فاطر، آیت 80.

فصل دوم

دلایل وجوب محبت با - نبی صلی الله علیه وسلم - از قرآن و سنت

مبحث اول : دلایل محبت از قرآن کریم با رسول الله - صلی الله علیه وسلم

محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از جمله بزرگترین اصل از اصول ایمان است و وجود ایمان موقوف بر وجود آن است محبت رسول الله از جمله ضروریات است شخص مومن حساب نمی شود تا که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در نزد آن محبوب تر نباشد از نفس جان و از همه مردم و این را در دو مطالب ذکر می کنیم .

مطلب اول : محبت پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - از بزرگترین واجبات ایمان است.

خداوند متعال محبت به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را از بزرگ ترین واجبات ایمان تلقی نموده است خداوند درین ارتباط می فرماید :

{ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ } (1)

ترجمه : (بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما ، و اموالی که فراچنگش آورده اید، و بازرگانی و تجارتي که از بی بازاری و بی رونقی آن می ترسید، و منازلی که مورد علاقه شما است ، اینها در نظرتان از خدا و پیغمبرش و جهاد در راه او محبوبتر باشد، در انتظار باشید که خداوند کار خود را می کند و عذاب خویش را فرومی فرستد - خداوند اشخاص نافرمان را - به راه سعادت - هدایت نمی نماید).

نباید انسان نسبت به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - کسی دیگر را ترجیح دهد زیرا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از نفس انسان برای انسان بهتر است الله تعالی در این ارتباط میفرماید: { النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ } (2).

ترجمه: (پیغمبر از خود مؤمنان نسبت بدانان اولویت بیشتری دارد - و اراده و خواست او در مسائل فردی و اجتماعی مؤمنان ، مقدم بر اراده و خواست ایشان است).

و در آیت مبارکه از مکانت رسول الله علیه سلام خبر می دهد و هم چنان از حالت مومن ها که باید با رسول محبت داشته باشند چون از نفس شان بهتر است و این قسم محبت حاصل نمی شود مگر به ترجیح دادن آن بر نفس های شان این قیم - رحمة الله - علیه می گوید که آیت مبارکه دلیل است کسی که محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در نزدش اولی تر نباشد از جمله مومنین نیست.

¹-سوره توبه، آیت 24
²-سوره احزاب، آیت 6

در آیه دیگر ایمان را موقوف می سازد به رضایت به فیصله رسول الله - صلی الله علیه وسلم - الله تعالی میفرماید: { فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا } (1)

ترجمه : (اما ، نه ! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم - قضاوت تو باشند - .

پس در اینجا نفی ایمان شده است و از غایه که در لفظ { حَتَّى يُحَكِّمُوكَ } است معلوم میشود که باید که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به داوری خواسته شود و به آن محبت فرض است و از این غایه معلوم می شود که اگر محبت صورت نگیرد در وعید آیت داخل میشوند پس نفی ایمان در وقت عدم موجود گی محبت راجحه دلالت می کند بر اینکه محبت بارسول الله - صلی الله علیه وسلم - واجب است زیرا الله ورسول نفی نمی کنند چیزی را مگر وقت که ترک شود بعضی واجبات در صورتیکه کار به درجه مستحب باشد در عبادات آن را نفی نمی کنند از جهت که خود منتفی است محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - از جمله لوازمات ایمان است و مستحق ایمان نمی شود بدون چنین محبت { فَتَرْبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ } (یعنی منتظر باشید تا که خداوند بیاورد فیصله خود را) ، و معلوم است که الله جل جلاله وعید ذکر نمیکند مگر به ترک واجب و یا حرام . پس دانسته میشود ازین که واجب است بر هر مومن اینکه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و جهاد در راهی خداوند را محبوب تربداند از اهل، برادر، و وطن. در این جا الله تعالی به ذات خود سوگند یاد می کند که شما مومن نیستید معلوم می شود که ایمان داشتن با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از بزرگترین واجبات ایمان است و همچنان می گوید که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به شما نسبت به نفس تان بهتر است و حتی از همه دنیا به شما بهتر است ازین جهت الله تعالی نتیجه تابعداری اش را فلاح و رستگاری دانسته است.

الله تعالی می فرماید: { الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ } (2)

ترجمه : (کسانی که پیروی می کنند از فرستاده (خدا محمد مصطفی) پیغمبر امی که (خواندن و نوشتن نمی داند و وصف او را) در تورات و انجیل نگاشته می یابند او آنان را به کار نیک دستور

1- سوره نساء آیت 65.

2- سوره اعراف 157.

می‌دهد و از کار زشت باز می‌دارد، و پاکیزه‌ها را برایشان حلال می‌نماید و ناپاکها را بر آنان حرام می‌سازد و فرو می‌اندازد بند و زنجیر (احکام طاقت فرسای) را از ایشان به در می‌آورد (و از غل استعمار و استثمارشان می‌رهاند) پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند ، و از نوری پیروی کنند که (قرآن نام دارد و به همراه او نازل شده است، بیگمان آنان رستگارانند).

وجه استدلال از آیت فوق این است که تابع داری در اثر ایمان و محبت به وجود می‌یابد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برای همه انسانها به صفت رسول گماشته شده است باید با آن محبت کرده شود و به آن ایمان آورده شود طور که الله تعالی می‌فرماید: « قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا » (1)

ترجمه: ای پیغمبر! (به مردم) بگو: من فرستاده خدا به سویی جملگی شما (اعم از عرب و عجم و سیاه و سفید و زرد و سرخ) هستم. خدائی که آسمانها و زمین از آن او است. جز او معبودی نیست. او است که می‌میراند و زنده می‌گرداند. پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیغمبر درس خوانده‌ای که ایمان به خدا و به سخنهایش دارد. از او پیروی کنید تا هدایت یابید.

در این جا هم در هر دو آیت ایمان با الله و رسول آمده است معلوم میشود که امر مهم است ایمان داشتن به الله و رسول (صلی الله علیه وسلم) و از جمله واجبات است دانسته می‌شود به همین قسم محبت داشتن هم از ضروریات و واجبات ایمان است.

مطلب دوم: نزدیکی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به مومن ها از خود و نفس شان.

چون انسان در زنده گی اش فقط در دنیا خود را در بعض مواقع می‌تواند نجات دهد ولی رسول الله - صلی الله علیه وسلم- در دنیا و آخرت شافع و نجات دهنده است و این باعث می‌شود که با آن محبت صورت گیرد. الله تعالی می‌فرماید: {النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم} (2)

ترجمه: پیغمبر از خود مؤمنان نسبت بدانان اولویت بیشتری دارد (و اراده و خواست او در مسائل فردی و اجتماعی مؤمنان، مقدم بر اراده و خواست ایشان است).

و خداوند متعال شفقت، مهربانی و خیر خواهی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را بر امتش دانسته بود ازین جهت حکمش را بر اختیار آنها مقدم دانسته داست.

الله تعالی می‌فرماید: { إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ } (3).

ترجمه (در کاری که خدا و پیغمبرش داور کرده باشند (و آن را مقرر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند).

1- سوره اعراف آیت (158)

2- سوره احزاب آیت (6)

3- سوره احزاب آیت (36)

وهم چنان در میان مردم به طور فیصله کننده تعیین شده است باید باشخص خودش و به فیصله هایش محبت صورت گیرد الله تعالی در زمینه چنین می فرماید: «حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ»⁽¹⁾

ترجمه: (تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داورى نطلبند مگر کامل نیستند چون این نکته از قید «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ» معلوم می شود).

همین مطلب را رسول الله - صلی الله علیه وسلم - واضح کرده فرموده اند که باید از همه مخلوقات محبوب تر قرار گیرم:

عن أنس بن مالك قال : قال رسول الله: - صلی الله علیه وسلم - « لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من ولده ووالده والناس أجمعين »².

ترجمه: (از انس - رضی الله عنه - روایت است رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند مومن شده نمی تواند یک از شما تا من محبوب تر باشم در نزدش از فرزند، پدر و از همه مردم .)

دوم: عن أبي هريرة، رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: "ما من مؤمن إلا وأنا أولى الناس به في الدنيا والآخرة. اقرؤوا إن شئتم: { النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم } ، فأیما مؤمن ترك مالا فليبرئه عصبته من كانوا. فإن ترك دينا أو ضياعا، فليأتني فأنا مولاه⁽³⁾.

(از ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است از نبی - صلی الله علیه وسلم - نقل می کند نیست هیچ مومن مگر من به آن اولی و بهتر استم نسبت به عام مردم در دنیا و آخرت بخانید آیت مبارکه را { النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم } یعنی نبی - صلی الله علیه وسلم - به مومن ها اولی و بهتر است پس هر مومن که مال ترک می کند از ورثه اش باشد کسی که است و اگر دین دار است آنرا بیاورد من بر آن حقدار استم .

زمان که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - اولی و بهتر بوده است حکم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را بر همه حکم ها باید مقدم بدانیم یعنی [برخواهشات نفس] و دنیا را در مقابل فیصله الله و رسول - صلی الله علیه وسلم - ناچیز بدانیم اگر چه برخلاف هوا و هوس نفس باشد زیرا که هوی و هوس ما را دعوت میدهد به سوی هلاکت و رسول - صلی الله علیه وسلم - ما را دعوت میدهد به سوی نجات زیرا «رَوْفٌ رَحِيمٌ» است ازین جهت از نفس های ما بهتر می باشد تا زمان که یقین محکم داشتند مسلمان ها در اطاعت و پیروی محمد - صلی الله علیه وسلم - در آن وقت آنها را خداوند عزت بخشیده بود و برایشان جای داد در زمین و زمانیکه هوی و هوس بالای شان غلبه حاصل کرد حال شان به ذلت و رسوای تبدیل شد تا امروز بعد از آن که عزت داشتند و سبب آن همه مقدم ساختن هوی و هوس و شهوات بود بر اشیای که الله و رسو - صلی الله علیه وسلم - آن را بد تلقی نموده اند

¹ - سوره نساء آیت (65)

² - بخاری ج 1 ص 49 شماره 178

³ - بخاری شماره حدیث 4781.

خداوند می گوید که داوری شما را باید رسول الله - صلی الله علیه وسلم - کند و ما آنرا پشت سر گذاشته هوا و هوس را مقدم می کنیم درحالا آن که ایمان موقوف است به فیصله رسول الله - صلی الله علیه وسلم - .

مطلب سوم : لزوم محبت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در محبت به الله جل جلاله است.

ارتباط در میان محبت الله و رسول - صلی الله علیه وسلم - از قبیل ارتباط فرع به اصل و تابع بر متبوع است محبت ما با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - تابع از برای محبت - الله جل جلاله - است زیرا چنین محبت اساس و تهداب است و محبت های دیگر مثل محبت به انبیاء، صالحین و محبت آنچه که الله و رسول - صلی الله علیه وسلم - با آن محبت دارند محبت دینی و شرعی فرع می باشند .

چون محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از برای محبت - الله جل جلاله - است اتباع و پیروی اش هم از برای الله تعالی می باشد در زمینه الله تعالی می فرماید: **{قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ}** (1).

ترجمه : بگو : از خدا و از پیغمبر اطاعت و فرمانبرداری کنید ، و اگر سرپیچی کنند - ایشان به خدا و پیغمبر ایمان ندارند و کافرند و - خداوند کافران را دوست نمی دارد .

در احادیث این موضوع اشاره شده است. در حدیث می یابید سه خصلت است که در کسی موجود شوند مزه و لذت ایمان را حاصل می کند:

و این ارتباط در محبت شرعی می باشد و کسی که گمان برد به این که الله را دوست می دارم ولی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را دوست ندارد و یا بلعکس آن کلامش باطل و اعتقادش فاسد است . زیرا که به سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - خود را برابر کردن علامه و نشانه محبت با الله و رسول - صلی الله علیه وسلم - است اگر ما هزاران ادعای امتی بودن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را کنیم ولی تا زمان که در همه امورات خود به سنت رفتار نکنیم ظاهرا و باطنا ما در دعوی خویش کاذب هستیم مثلا اگر سوال شود که در قیامت شفاعتت را کی می کند ضرور جواب می دهد که شفا عتم را محمد - صلی الله علیه وسلم - می کند و لکن اگر برایش گفته شود سر قیافه ات را به سنت برابری کن اینجا است که بر علاوه ازین که خود را برابر نمی کند بلعکس به سنت عمل نکرده توهین می کند باید انسان را سمع و طاعت باشد در صورت جنبه عملی پیدامی کند که تو به عمل شروع کنی که مسایل شرعی برایم بیان می شود و باید بگوید به سر و چشم قبول دارم هیچ گونه اعراض و روی گردانی نمی کنم. و در نتیجه به اطاعت الله تعالی و رسول - صلی الله علیه وسلم - کامیابی حاصل می شود.

¹ - سوره آل عمران، آیت 31.

خداوند درزمینه می فرماید: { إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ } * { وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ } (1)

ترجمه : (مؤمنان هنگامی که به سوی خدا و پیغمبرش فرا خوانده شوند تا میان آنان داوری کند ، سخنشان تنها این است که می‌گویند : شنیدیم و اطاعت کردیم ! و رستگاران واقعی ایشانند . - و هرکس از خدا و پیغمبرش پیروی کند و از خدا بترسد و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزد ، این چنین کسانی (به رضایت و محبت خدا و نعیم بهشت و خیر مطلق دست یافتگان و) به مقصود خود رسیدگانند .

این دوحبت از یک دیگر جدانی شوند کسی که الله تعالی را دوست می دارد محبتش از برای محبت کسی است که الله تعالی آن را محبوب خود قرار داده است ازین جهت محبت رسول الله پیوست بامحبت الله تعالی دراکثر نصوص آمده است: {فَلَنْ يَنْفَكُوا مِنْهَا وَإِنْ كَانُوا مِنْكُمْ فَغُرُوبًا} (2)

وَعَشِيرَتِكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ } (2)

(ترجمه : بگو : اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما ، و اموالی که فراچنگش آورده‌اید ، و بازرگانی و تجارتي که از بی‌بازاری و بی‌رونقی آن می‌ترسید ، و منازلی که مورد علاقه شما است ، اینها در نظرتان از خدا و پیغمبرش و جهاد در راه او محبوبتر باشد ، در انتظار باشید که خداوند کار خود را می‌کند (و عذاب خویش را فرو می‌فرستد) . خداوند کسان نافرمانبردار را (به راه سعادت) هدایت نمی‌نماید .)

در احادیث این موضوع اشاره شده است. سه خصلت است که در کسی موجود شوند مزه و لذت ایمان را حاصل می کنند: (ثلاث من كن فيه وجد حلاوة الإيمان أن يكون الله ورسوله أحب إليه مما سواهما وأن يحب المرء لا يحبه إلا لله، وأن يكره أن يعود في الكفر كما يكره أن يقذف في النار) (3).

(ترجمه : سه خصلت است که در کسی موجود شوند مزه و لذت ایمان را حاصل می کند اول الله ورسول را دوست دارد و محبوب تر باشند در نزد آن از ما سوای الله ورسول و شخص را دوست نمی دارد و محبت نمی کند مگر به خاطر «ا لله جل جلاله» و بد پندارد واپس شدن را به سوی کفر قسمی که بد می پندارد در آتش افتادن را.

مبحث دوم : دلایل وجوب محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از سنت

در ارتباط احادیث زیاد وجود دارد که این دوآیت را توضیح میدهند و تاکید می کنند برمد لولات هر دوآیت به وجوب محبت کردن به رسول - صلی الله علیه وسلم - .

1 - سوره نورآیت 51-52.

2 - سوره توبه آیت 24.

3 - بخاری. کتاب ایمان باب حلاوة الإيمان ج 1 / ص 10.

مطلب اول: محبت با پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - شرط صحت ایمان است: حتی اکنون أحب إليك من نفسك، قال له عمر: فإنه الآن والله لأنت أحب إلي من نفسي. فقال النبي صلى الله عليه وسلم: الآن يا عمر»⁽¹⁾

(ترجمه: از عبد الله بن هشام - رضي الله عنهما - روایت است تا زمانیکه من در نزدت از نفست بهتر نباشم پس گفت حضرت عمر به نبی - صلی الله علیه وسلم - که قسم به الله خا مخا تو محبوب تراستی در نزد من نسبت به نفسم حدیث بیان گر این است نمیرسد مسلمان به حقیقت ایمان تا زمان که رسول الله از نفس شخص بهتر نباشد.

وقال الخطابي (2) - رحمه الله - : حب الإنسان نفسه طبع ، وحب غيره اختيار بتوسط الأسباب وإنما أراد عليه الصلاة والسلام حب الاختيار إذ لا سبيل إلى قلب الطباع وتغييرها عما جبلت عليه) . ثم يستطرد ابن حجر معلقا على كلام الخطابي فيقول : فعلى هذا فجواب عمر أولا كان بحسب الطبع ، ثم تأمل فعرف بالاستدلال أن النبي صلى الله عليه وسلم أحب إليه من نفسه لكونه السبب في نجاتها من المهلكات في الدنيا والأخرى ، فأخبر بما اقتضاه الاختيار ولذلك حصل الجواب بقوله : « الآن يا عمر » أي الآن عرفت فنطقت بما يجب إذا فلم يكن حصول المحبة عند عمر رضي الله عنه أمرا جديدا على نفسه وإنما كان الجديد لديه هو إدراكه لتلك المحبة والتفاتة إليها .

امام خطابی می گوید: که انسان نفس خویش را طبعاً دوست دارد و غیراً اختیاری دوست دارد به توسط اسباب و محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبت اختیاری است

و ابن حجر - رحمه الله - سخن امام خطابی - رحمه الله - را وضاحت نموده می فرماید که در اول جواب عمر - رضي الله عنه - به شکل تبع بود و بعد از تفکر دانیست به دلایل که باید نبی - صلی الله علیه وسلم - از نفسش محبوب تر باشد زیرا سبب نجاتش است از مهلكات در دنیا و آخرت پس خبر داد به آنچه که تقاضای اختیار بود ازین جهت جواب را حاصل کرد به این قول « الآن يا عمر » یعنی الآن دانست و فرمودی آنچه راکه به تو واجب بود. حصول این محبت در نزد عمر - رضي الله عنه - امر جدید نبود بر نفس خود بلکه به توسط درکش و متوجه شدن این را حاصل نمود⁽³⁾

ابن رجب⁴ - رحمه الله - میگوید که محبت دودرجه دارد اول فرض دوم واجب .

¹ - بخاری. کتاب ایمان و نذورات كيف كان يمين النبي - صلی الله علیه وسلم - ج 8 / شماره حدیث 161.

² - کنیه ابو سلیمان حمد ابن محمد ابن ابراهیم ابن خطاب بستی معروف به خطابی (متوفی: 388 هـ)

³ - فتح الباری، جلد 11 / ص 528.

⁴ - ابن رجب ابو فرج عبدالرحمن أحمد ابن رجب حنبلی (795 / 726 هـ) محدث. فقیه. از تصانیفش: ، فتح الباری شرح بخاری

اول فرض : محبت که فرض است تقاضای قبول هرآن چیزی را می کند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از نزد خدا - جل جلاله - آورده است و آنرا قبول کند به طریقه محبت، رضا، تعظیم و تسلیم و طلب نکردن هدایت از غیر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - .

دوم واجب: یعنی محبت است که تقاضای حسن تاسی و تحقق اقتداء به سنت را می کند دوم در اخلاق، آداب، نوافل، تطوعات، اکل، شرب، لباس، و خویش سلوک با همسران خود و آداب کامل و اخلاق پاک اعتنا و شناخت به سیرت، صورت، از محبت رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - و محبت و ترجیح کلام رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بر کلام های دیگری از مخلوقات و از همه بزرگتر اقتدا در زهد و تقوی در دنیا و قناعت کردن به فیصله های رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و در نتیجه رغبت به سوی آخرت (1) .

از ماقبل واضح شد که محبت و ایمان دو امر هستند که با یکدیگر در قلب مومن لازم و ملزوم میباشند محبت باز یادت ایمان زیات می شود و به نقصان ایمان کم میشود.

مثلیکه برای مان واضح شده قوله - صلی الله علیه وسلم - : (لا یؤمن أحدکم حتی أکون أحب إلیه من والده والناس أجمعین) (2)

ترجمه : (مومن کامل شده نمی تواند یک از شما تا که شوم محبوب تر در نزد آن از پدرش و از همه مردم.)

درین حدیث در بین ایمان و محبت که آن واجب است علاقه خاص بیان شده کمال ایمان موقوف است به محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و آن را شرط قرار داده به ایمان که صاحب خود را نجات میدهد از جهنم و مستحق جنتش می گرداند، و این در صورت است که در قلب بنده محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بر محبت دیگران ترجیح داشته باشد یعنی از نفس ، مال ، فرزند و از سایر بشر. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - میفرماید: اول : عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «فوالذي نفسي بيده لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من والده» (2)

(ترجمه : از ابی هریره رضی الله عنه روایت است یقیناً رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودن که پس قسم است مرا به ذاتیکه نفس من در دست بلا کیف آن است مومن کامل شده نمیتواند یکی از شما تا زمانی که شوم من محبوب تر در نزد آن از پدر و از فرزندش.

1- استنشاق نسیم الأوس از نفحات ریاض قدس. از ابی فرج عبد الرحمن فرزند رجب حنبلی. طبع مطبعه امام. مصر ص 34، 35.

2- بخاری. کتاب ایمان. باب محبت رسول صلی الله علیه وسلم من الإیمان ج 1 / ص 10 آمده است

دوم: عن أنس قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من والده وولده والناس أجمعين»⁽¹⁾

ترجمه: (از انس - رضی الله عنه - روایت است فرمود که فرمودن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - مومن کامل شده نمیتواند یکی از شما تا زمانی که شوم من محبوب تر در نزد آن از پدر، فرزند و از همه مردم).

پس این هر دو حدیث از واضح ترین دلایل میباشند بر وجوب محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چون کسی مستحق ایمان کامل شده نمی تواند تا به وقتی که نبی - صلی الله علیه وسلم - در قلبش از پدر، فرزند و از همه مردم تر جیح پیدا نکند در محبت قلبی و در ترجیحات امور دینی در مقابل عنعنات، عرف، رسم و رواج چونکه. تعبیر به احب در حدیث دلیل صریح است بر اینکه محبت مطلوب است که ترجیح داشته باشد و آن موقوف است به رجحان آن در قلب.

نفی ایمان در این حدیث نفی کمال ایمان واجبه است که به توسط آن صاحبش نجات می یابد از وعید و مستحق دخول جنت می شود به فضل - الله جل جلاله - چون محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از واجبات ایمان است کسی که خلا گاه داشته باشد ایمان وی خال مانده است از تکمل ایمان که ایمان بر آن موقوف است.

مطلب دوم: حلاوت ایمان در محبت پیغمبر است

انسان در وقت به مزه ولذت ایمان پی می برد که با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - تعلق پیدا کند و آن را محبوب خود قرار دهد چون ایمان موقوف است بر ترجیح دادن رسول الله علیه سلام . رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: **عن أنس رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «ثلاث من كن في ه وجد حلاوة الإيمان: أن يكون الله ورسوله أحب إليه مما سواهما وأن يحب المرء لا يحبه إلا لله، وأن يكره أن يعود في الكفر كما يكره أن يقذف في النار»⁽²⁾.**

(ترجمه: سه خصلت است در کسی که باشد موجود می یابد مزه ایمان را این که باشد الله و رسول محبوب تر در نزد آن از ماسوای الله و رسول و دوست بدارد شخص را دوست ندارد آن را مگر از برای الله و بد بیندارد واپس شدن را به کفر قسمی که بدمی بیند انداختن را در جهنم).

هدف این جا این است که محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از لوازمات ایمان است و بدون از این ایمان تحقق نمی یابد. وقتی که محبت را به این صفت پیدا کردید لیل بر کمال ایمان است و این نسبت به کسی است که متصف باشد به صفت راجحه در ترجیح اقوال و افعال از جمله احادیث که به

¹ - بخاری کتاب ایمان باب محبت رسول صلی الله علیه وسلم از ایمان است ج 1 / ص 10 و مسلم. کتاب ایمان. باب وجوب

محبت رسول صلی الله علیه وسلم ج 1 / ص 10

² - بخاری. کتاب الإيمان باب حلاوة الإيمان جلد 1 / ص 10.

این نکته دلالت می کند حدیث بخاری و مسلم است و مزه لذت عبادت هم در اتباع و پیروی رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می باشد .

قال النبي صلى الله عليه وسلم: لا والذي نفسي بيده، حتى أكون أحب إليك من نفسك، قال له عمر: فإنه الآن والله لأنت أحب إلي من نفسي. فقال النبي صلى الله عليه وسلم: الآن يا عمر»
(1)

ترجمه (رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود چنین نیست قسم به الله که نفسم در دست و تصرف اوست تا که محبوب تر نشوم در نزدت نسبت به نفست گفت حضرت عمر - رضی الله عنه - پس یقیناً قسم به الله خامخا حالا از نفسم محبوب تر است پس گفت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - حالا درست شد ای عمر) .

درین حدیث دربار اول حضرت عمر - رضی الله عنه - در محبت کردن با رسول - صلی الله علیه و سلم - نفس خود را استثنای کرده بود ولی زمان که مزه و لذت ایمان در قلبش داخل شد محبت رسول الله را بر نفس خود ترجیح داد چون نظر تغیر یافت از جهت بعد از اندک مکث کردن به اصل مقصد رسید و از نفس خود مقدم دانست رسول الله - صلی الله علیه و سلم - را و حقیقتاً رسول الله - صلی الله علیه و سلم - لایق و قابل محبت است زیرا که خداوند با او محبت دارد و آن را اختیار کرده است و به رسالت نبوت برگزیده است از جمله موارد محبتش این است: **{ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ }** (2)

ترجمه: (خداوند از میان فرشتگان پیام آوری (همچون جبرئیل) را برمیگزیند (و به سوی انبیاء گسیل می دارد) و هم از میان انسانها پیغمبرانی (همچون موسی و عیسی و محمد) علیهم السلام را (برمیگزیند و به سوی مردم می فرستد، و از کار همه آنان باخبر است) چرا که خداوند شنوا و بینا است).

و خداوند خودش بهتر میداند به فرستادن پیامبران خویش الله تعالی می فرماید: **{ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ }** (3)

(خداوند بهتر می داند که (چه کسی را برای پیامبری انتخاب) و رسالت خویش را به چه کسی حواله کند). رسول الله - صلی الله علیه و سلم - را به طور شاهد مژده دهنده و بیم دهنده فرستاده است هرگاه خداوند - جل جلاله - آن را روان کرده است مژده دهنده به جنت و هدف ما هم جنت است لحاظاً باید با آن محبت شود.

¹ - بخاری. کتاب ایمان و نذور. در باب چگونه بود قسم النبي صلی الله علیه و سلم ج 8 / ص 161.

² - سوره حج آیت 75.

³ - سوره نعام، آیت 124.

الله تعالی میفرماید: { يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا }

ترجمه: (ای پیغمبر! ما تو را به عنوان گواه و مژده دهنده و بیم دهنده فرستادیم).

خداوند آن را داعی برای بشریت فرستاده است تا به شریعت را به سوی خدا دعوت کند و باید بادعوت

گر خود محبت داشته باشیم خداوند درزمینه می فرماید: { وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا } (1)

(ترجمه: و به عنوان دعوت کننده به سوی خدا طبق فرمان الله، و به عنوان چراغ تابان).

در نتیجه همه دلالت به این دارند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قابل محبت است .

مطلب سوم: محبت با پیغمبر به خاطر محبت الله تعالی با او.

محبت ما با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از جهت محبت ما با الله تعالی می باشد زیرا که الله

متعال ذات است که از همه مشکلات نجات دهنده است مقام و منزلت محمد - صلی الله علیه وسلم - به

حد است که حتی در اطاعت کردن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - که سبب داشتن محبت است با

رسول مقبول- صلی الله علیه وسلم - از محبت کردن بارسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبت با الله

- جل جلاله - لازم می شود خداوند درزمینه می فرماید: مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا

أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (2)

ترجمه: (هر که از پیغمبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده است) چرا که پیغمبر جز

به چیزی دستور نمی دهد که خدا بدان دستور داده باشد، و جز از چیزی نهی نمی کند که خدا از آن

نهی کرده باشد) و هر که (به اوامر و نواهی تو) پشت کند (خودش مسؤول است و باک نداشته باش

(ما شمارا به عنوان مراقب (احوال) و نگهبان (اعمال) آنان نفرستاده ایم) نیست به رسولان مگر

رساندن پیام و بس).

خداوند - جل جلاله - محبت خود را وابسته ساخته است به محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم -

زیرا الله متعال او را دوست می دارد و دوستی با آن سبب است از برای مغفرت گناهان و اگر میخواهی

که گناهانت دور شوند بارسول خدا - صلی الله علیه وسلم - محبت کن چه درذاتش و چه درصفتش

یعنی در احوال و افعال به هر دو آن محبت کن و از آن سرپیچی مکن تا که با خداوند نزدیک شوی

خداوند درزمینه می فرماید: { قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

رَحِيمٌ } (2)

ترجمه: (بگو اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و

گناهانتان را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است).

¹ - سورة احزاب، آیت 4546.

² - سورة النساء آیت 80.

ابن کثیر می گوید این آیت مبارکه حاکم است بر هر آن کسی که دعوی می کند از محبت پیغمبر علیه سلام و بر طریقه محمدی - صلی الله علیه وسلم - روان نیست پس در دعوی خود دروغ کوی است تا که تابعداری کند از شریعت محمد - صلی الله علیه وسلم - در همه گفتار و حالات ایشان زیرا در هر حالت بدون گفتار و کارکرد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - عمل قبول نمی شود نبی - صلی الله علیه وسلم - میفرماید: ¹.

وعن عائشة رضي الله عنها، قالت: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم -: « مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ » (2)

از عائشه - رضي الله عنها - روایت است گفت فرمود رسول الله - صلی الله علیه وسلم - کسی عمل کند عمل را که در آن دستور ما نباشد پس آن مردود است.

مثلیکه برای مان واضح شده قول رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: « لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من والده والناس أجمعين » (3)

درین حدیث در بین ایمان و محبت که آن واجب است علاقه خاص بیان شده کمال ایمان موقوف است بر محبت راجحه به رسول علیه السلام و آن را شرط قرار داده به ایمان که صاحب خود را نجات میدهد از جهنم و مستحق جنت می گردد.

و این در صورت است که در قلب بنده محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بر محبت ما سواي آن ترحیح داشته باشد یعنی از نفس ، مال ، فرزند و از سایر بشر .

و انسان به این منزله رسیده نمی تواند مگر به کوشش در حصول چیزی که الله و رسول آنرا دوست می دارد از اقوال و افعال. زیادت محبت بر زیادت ایمان و نقصان محبت به نقصان ایمان دلالت می کند.

¹- ابن کثیر ج 2/ ص 32.
²- مسلم ج 1 / شماره حدیث 1718.
³- بقره آیت 165.

فصل سوم

علامات محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - .

مبحث اول: دلایل علامات محبت نبی - صلی الله علیه وسلم - در قرآن و سنت.

محبت سلف با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چنین بود زمان که در نزد سلف نبی - صلی الله علیه وسلم - و یا حدیث آن ذکر میشد در بدن آنها یک قسم هیبت و اجلال پیدا می شد گویا که نبی - صلی الله علیه وسلم - بذات خود موجود باشد حتی بعض مردم وقتی که نام نبی - صلی الله علیه وسلم - ذکر می شد گریه می کردند.

محمد ابن منکدر (1) - رحمه الله - می گوید: وقتیکه از حدیث سوال می شد گریه میکرد حتی مردم هم به گریه می آمدند . به همین قسم عبد الرحمن بن مهدی (2) زمان که حدیث را قرائت می کرد حاضرین را به خاموشی امر میکرد و می فرمود { لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ } (3) و می فرمود واجب است خاموشی در وقت قرائت حدیث به انداز خاموشی در وقت سخن گفتن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چنین بود آداب سلف الصالحین با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و سنت آن خداوند این ادب را به ما هم نصیب بگرداند.

مطلب اول : امان داشتن به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آثار محبت - .

{ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنَ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ } (4)

ترجمه : مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و پیغمبرش ایمان دارند و هنگامی که در کار مهمی - چون جهاد - با او باشند ، بدون اجازه وی - به جائی - نمی روند - و تک و تنها رهاش نمی کنند - . کسانی که از تو اجازه می گیرند آنان واقعاً به خدا و پیغمبرش ایمان دارند . پس هرگاه از تو برای انجام بعضی از کارهای خود اجازه خواستند ، به هرکس از ایشان که می خواهی - و صلاح می بینی - اجازه بده ، و از خدا برای آنان آمرزش بخواه . بی گمان خدا بخشایشگر و مهربان است - و با مغفرت و رحمت خود ، اجازه خواستن و به دنبال مصالح خویش رفتن ایشان را که نوعی قصور در چنین اوقات بشمار است می بخشد .

1- محمد ابن منکدر او ابو عبد الله محمد ابن منکدر ابن عبد الله ابن اهدیر قرشی از اعلام تابعین ابن عیینة: میگوید معدن صدق بود و به نزد او مردمان نیکو می آمدند تذکرة الحفاظ للذهبي، ج 1 / ص 127-128.

2- عبد الرحمن ابن مهدی او ابو سعید عبد الرحمن ابن مهدی این حسان بصری- از بزرگان محدثین است حدیث نقل کرده است از شعبه و سفیان و از آن حدیث نقل نموده است ابن مبارک امام احمد و ابن مدینی تذکرة الحفاظ، ج 1 / ص 329-332 پ.

3- سوره حجرات آیت (2)

4- سوره نور آیت (62)

از آیه مبارکه چنین معلوم می شود که الله متعال مومن کسی را معرفی کرده است که به الله و رسول - صلی الله علیه وسلم - امان داشته باشد و هم چنان ادب کردن و اجازت خواستن هم نشانه و علامه امان داشتن به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می باشد.

و هم چنان در جای دیگر الله تعالی می فرماید: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا } (1)

(ترجمه : اي مردم ! پیغمبر (محمد نام) از جانب خدا به سویتان آمده است و دین حق را برایتان آورده است ، پس ایمان بیاورید (و فرصت را غنیمت شمردید ، که این کار) به سود شما است . و اگر کافر شوید (و جز راه کفر نروید ، بدانید که زیانی به خدا نمی رسانید) . چرا که آنچه در آسمانها و زمین است متعلق به خدا است . و خدا آگاه (از آفریدگان خود و) حکیم (در کار خویش) است .)

درین آیت فوق ذکر به ایمان آخری رسول - صلی الله علیه وسلم - شده است و در آیه بعدی هم همین مسأله را تایید می کند الله تعالی میفرماید : {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا } (2)

ترجمه : (اي کسانی که ایمان آورده اید ! به خدا و پیغمبرش (محمد) و کتابی که بر پیغمبر نازل کرده است (و قرآن نام دارد) و به کتابهایی که پیشتر (از قرآن) نازل نموده است (و هنوز تحریف و نسیان در آنها صورت نگرفته است) ایمان بیاورید . هرکس که به خدا و فرشتگان و کتابهای خداوندی و پیغمبرانش و روز رستاخیز کافر شود (و یکی از اینها را نپذیرد) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است .

در آیت مطلب چنین است در ایمان خود به الله و رسول و به همه مؤمن به باید ثابت و پایه دار بمانی و اگر کفر کنی از حق دور می مانی و باید در ارتباط به دین که رسول - صلی الله علیه وسلم - آورده است هیچ گونه سر پیچی نشود.

مطلب دوم : توقیر و تعظیم النبی - صلی الله علیه وسلم - آثار محبت است

الله تعالی بر همه امت تعظیم و عزت نبی - صلی الله علیه وسلم - را واجب گردانیده است .

چند آداب در ارتباط به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ذکر می کنیم:

¹ - سورة النساء آیت 170 .

² - سورة النساء آیت 136 .

ادب اول: ایمان داشتن به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و به کتابش قرآن کریم: الله تعالی میفرماید: { لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا } (1).

ترجمه: (یقیناً ما روان کردیم تو را گواه ، مژده دهنده و بیم دهنده تا که ایمان بیا ورنه به الله و رسول آن اکرام و تعظیم کنید ایشان را و یاد کنید خداوند را صباح و بیگاه.)

ابن جریر طبری رحمه الله آیت را چنین تفسیر میکند معنای تعزیر تقویه و معاونت است و این ممکن نیست مگر به اطاعت و تعظیم و نکته (توقروا) معنی تعظیم را می دهد (2).

{ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ } (3)

ترجمه: (پس آنانکه ایمان آوردند به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - کمک کردند و نصرت کردند آن را و تابع داری نمودن از قرآن این ها اند از جمله رستگاران.)

علامه ابن تیمیه⁴ - رحمه الله - « تعزیر » را معنا میکند یعنی نصرت (کمک) و منع از هر چیزیزی که تکلف و آزار دهنده است و « توقر » چیزی است که در آن سکینه و طمانینه از اجلال و اکرام دارد و در آن تشریف و تکریم هم موجود میباشد به اندازیکه و قار از حد بیرون نشود (5).

الله تعالی در کتاب خود آداب و طریقه تعامل را با همراه نبی - صلی الله علیه وسلم - به وجوه مختلف ذکر نموده است چگونه که مناسب است از برای یک مسلمان که مراعات داشته باشد ادب را در رویه و در نشست برخاست با - نبی صلی الله علیه وسلم -

ادب دوم: پیش قدم نکردن از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - الله تعالی میفرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ } (6)

ترجمه: (ای کسانی که ایمان آورده اید ! بر خدا و پیغمبرش پیشی مگیرید و پیشدستی مکنید ، و از خدا بترسید و پروا داشته باشید ، چرا که خدا شنوای - گفتارتان ، و - آگاه - از کردارتان - می باشد - .

و ظاهر این است خطاب عام است. از ابن ابی ملیکه نقل است عبد الله ابن زبیر گفت یک قافله از بنی تمیم به حضور نبی - صل الله علیه وسلم - تشریف فرما شدند ابوبکر - رضی الله عنه - فرمود قعقاع بن معبدرا امیر تعیین کن و حضرت عمر - رضی الله عنه - فرمود اقرع بن حابس را امیر تعیین کن

¹ - سوره فتح آیت 98).

² طبری جامع البیان عن تأویل آی القرآن ج 21 ص 251 مؤلف: محمد ابن جریر ابن یزید ابن کثیر ابن غالب آملی، أبو جعفر الطبری (متوفی: 310هـ) ناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزیع طبع: اول، 1422 هـ - 2001 م؟

³ - سوره اعراف آیت 157)

⁴ - أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني 728 هـ ناشر: ناشر مكتب اسلامي، عمان، اردن طبع پنجم، 1416 هـ/1996 م

⁵ - صارم المسلول على شاتم الرسول. از ابن تیمیه. تحقیق: محمد محي الدين عبد الحميد، طبع دار الكتب العلمية، بيروت 1398

ج 1 ص 422.

⁶ - سوره حجرات آیت (1)

حضرت ابوبکر- رضي الله عنه - فرمود ای عمر تو اراده نداری مگر خلاف ورزی من را حضرت عمر فرمود من اراده خلاف ورزی تو را ندارم آواز شان بلند شد الله تعالی آیت را نازل فرمود (1) کلمه « لا تُقَدِّمُوا » متعدی است و مفعول را حذف کرده از برای عموم تا که شامل شود هر فعل و قول را یعنی در هر کار و گفتار پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - قدم خود را جلو نگذارید کار را که انجام داده است انجام بدهید و سخن را که گفته است آن را بگوید و عمل کنید و در کجای که نه گفته است و نه انجام داده است با ید ماهم نکنیم ابن عباس - رضی الله عنهما - فرموده اند که منع شده اند از تکلم پیش روی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - دوم معنی شما مخالفت نکنید از کتاب و سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - . در روایت دیگر از حسن - رحمة الله علیه - نقل است که زمانیکه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در مدینه آمد و فود زیاد ی در نزدیک نبی - صلی الله علیه وسلم - حضور پیدا کرده سوالات زیاد را مطرح کردند پس منع شدند از سوالات زیاد به خاطر اینکه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - کلام را ابتدا کند . « وَاتَّقُوا اللَّهَ » از خدا بترسید تقدم از الله و رسول نکنید یا به تقوا امر کرد تا که باعث شود به ترک تقدم زیرا که متقی حذر می کند از هر نچه که در آن شک باشد « إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ » خداوند شنوا است به گفتار شما و دانا است به نيات و افعال شما .

زمان که الله و رسول چیزی را فیصله می کند مسلمان نباید که از آن مخالفت کند : الله تعالی میفرماید {وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا} (2)

ترجمه : نیست مناسب به (هیچ مرد و زن مؤمن ، در کاری که خدا و پیغمبرش داوری کرده باشند (و آن را مقرر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند (و اراده ایشان باید تابع اراده خدا و رسول باشد) هر کس هم از دستور خدا و پیغمبرش سرپیچی کند، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می گردد .)

« وما كان لمؤمن ولا مؤمنة » نقل شده است رسول الله - صلی الله علیه وسلم - زینب دختر جحش دختر رباب ا سدی را از برای زید بن حارثه - رضي الله عنه - خواست گاری نمود و زینب - رضی الله عنها - از لحاظ حسن و زیبایی نقش اول را داشت و زید - رضي الله عنه - سیا دول بود زینب رضی الله عنها و برادرش عبد الله ابن جحش هر دو از نکاح کردن این کار نموده اند چون سطح مرتبه و نسب قریش بالا است . مطلب این است که از برای هیچ مرد وزن جایز نیست که الله و رسول مسئله را فیصله کند و آنها مخالفت کنند و ایشان را می کند به این که فیصله رسول الله - صلی الله علیه وسلم -

¹ - زادالمسیر ج 4 ص 142 مؤلف: جمال الدین ابو الفرج عبد الرحمن فرزند علی اوفرزند محمد جوزی (متوفی: 597 هـ) ناشر: دار الکتب العربی - بیروت طبع: اول - 1422 هـ
² - سوره احزاب آیت (36)

وسلم - فیصله الله تعالی است قیسی که اطاعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - عین اطاعت الله تعالی می باشد درین مثال مثل نکاح زینب - رضی الله عنها - بلکه واجب است آرای خود را تابع رای نبی علیه بگردانند (ضمیر جمع را به کاربرده است از جهت واقع شدن هردو در سیاق نفی، دوم یا این که ضمیر راجع به رسول علیه سلام من امره و این که جمع ذکر شده تعظیماً ذکر شده است - در کشف الاسرار آمده است که این امر تا به روز قیامت باقی می باشد مانند طاعت نبی - صلی الله علیه وسلم - نه قبل از حیات و نه بعد از حیات پیش قدم نکردن در سنت بعد از وفات مث پیش قدم نکردن است قبل از وفات هیچ تفاوت ندارد در نزد ذوالعقول پوره ادب این است که قول رسول الله را بر همه اقوال ترجیح باید داد⁽¹⁾.

ادب سوم : بلند نکردن آواز نه در حضور پیامبر و نه مکان های مقدس: حضرت عمر - رضی الله عنه - سخت قهر شده بود به دوشخص که آواز های خویش را بلند کرده بودند در مسجد نبوی - صلی الله علیه وسلم - امام بخاری از سایب بن یزید حدیث را نقل میکند :

عن السائب بن یزید قال - كنت قائماً في المسجد فحصبني رجل، فنظرت فإذا عمر بن الخطاب فقال اذهب فإنتي بهذين ، فجئته بهما قال من أنتما أو من أين أنتما ؟ قالوا من أهل الطائف قال لو كنتما من أهل البلد لأوجعتكما ترفعان أصواتكما في مسجد رسول الله صلى الله عليه وسلم!⁽¹⁾

ترجمه: (از سائب بن یزید روایت است فرمود استاد بودم در مسجد پس مرا تکان داد سپس نظر کردم دیدم حضرت عمر - رضی الله عنه - است ، فرمود برو حاضر کن آن دو شخص را پس آوردم آن دورا به خدمت آن . فرمود شما کی استید و از کجا استید هردو گفتند از اهل طائف استیم حضرت عمر فرمود اگر از اهل مدینه می شدید ضرور عذاب میدادم شمارا بلند می کنید آواز خود را در مسجد رسول الله - صلی الله علیه وسلم .

پس زمان که چنین بوده است دانسته می شود که کسانی که در نزدی قبر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بسیار به آواز بلند سخن می زنند و گد و گد شدن و کار کردن این همه از حرکات نادرست و حرام می باشند چون در اینها تکلیف و ایذای نبی - صلی الله علیه وسلم - صورت می گیرد و هتکی حرمت مسجد نبوی می شود.

و دیگر از جمله بی ادبی در مقابل سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - این است که بلند کردن آواز از لحاظ قول و نظریات خود و خاموش ساختن داعیین سنت رسول الله می باشد و این یک جفاء است و بزرگتر می باشد از بسیار مجرد بلند کردن آواز کرده⁽²⁾.

¹ - بخاری ج 1 / ص 179 در باب رفع صوت فی المساجد رقم حدیث 458 .
² - بخاری کتاب الصلاة باب رفع الصوت فی المساجد ج 1 / ص 127 .

ابوبکر ابن عربی (1) میگوید حرمت رسول الله پس از مرگش مانند حرمتش قبل وفاتش است و کلام منقول رسول الله بعد از وفاتش در رفعت شان مثل کلام مسموع است از زبان مبارک و قتیکه قرائت میشود کلامش واجب است بر حاضرین که آواز خویش را بلند نکنند و از آن اعراض نکنند به مثل که این در مجلس رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یک امر حتمی است الله تعالی به ما خبر داده است بردوام داشتن این حرمت (2).

ادب چهارم: خواستن آن را که تورا به سوی خود میخواید مثل خواستن و آواز دادن یکدیگر فکر نکنید چون خواستن آن تفاق می کند: الله تعالی میفرماید: { لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا } (3)

درین آیت مفسرین دو نظر دارند و دو معنا می کنند:

اول: مه پندارید خواستن و صدازدن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را مانند آواز کردن بعضی تان بعضی دیگر را به اسم محزه پس منع نموده آواز نه ندیهد به لفظ - یا محمد - بلکه ادب چنین است به یارسول الله و یا نبی الله آواز دهد همراه پایین ساختن آواز از جهت احترام و عزت (4).

دوم: نگردانید دعا کردن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و اجابت آن را مانند دعا کردن خود یا از جنس دعای خود ندانید از رسول الله به زودترین فرست قبول می شود و از امتی اگر خداوند بخواهد قبول می کند و اگر نخواهد قبول نمی کند. و یا مثلیکه در میان خود آمدن را به تاخیر می اندازید در مقابل رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چنین نکنید بلکه زمان که شما را طلب میکند برای شما هیچ راه نیست بدون اجابت، سمع و طاعت (5).

الله تعالی میفرماید: { إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ } (6)

(ای مؤمنان !) دعوت پیغمبر را در میان خویش (برای اجتماع و شرکت در کارهای مهم) همسان دعوت برخی از برخی از خود بشمار نیارید (چرا که فرمانش فرمان خدا و دعوتش دعوت پروردگار است) . مؤمنان هنگامی که به سوی خدا و پیغمبرش فرا خوانده شوند تا میان آنان داوری کند ، سخن شان تنها این است که می گویند : شنیدیم و اطاعت کردیم ! و رستگاران واقعی ایشانند .

1- أبو بكر محمد بن عبد الله بن محمد معافري اشبيلي مالكي معروف به ابن عربي ، فقيه - قاض ، بلغ رتبة الاجتهاد في علوم الدين ..

2- أحكام القرآن مولف: قاضي محمد بن عبد الله أبو بكر بن عربي معافري اشبيلي مالكي (متوفى: 543هـ) ناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان طبع: 1424/3 - 2003 م

3- سورة النور آیت 36

4- ابن کثیر ج 3/ ص 306-307

5- مدارج سالکین ج 2/ 389-390 .

6- سورة نور آیت 51

باید انسان در وقت فیصله الله ورسول - صلی الله علیه وسلم - گوشداده اطاعت کند و این رمز کامیابی است برایش در دنیا و آخرت .

ادب پنجم: زمان که در مجلس هستید بدون اجازه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برون نشوید.
الله تعالی میفرماید: { إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذْنٌ لِّمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ } (1)

ترجمه : (مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و پیغمبرش ایمان دارند و هنگامی که در کار مهمی - چون جهاد - با او باشند ، بدون اجازه وی - به جائی - نمی‌روند - و تک و تنها رهایش نمی‌کنند - . کسانی که از تو اجازه می‌گیرند آنان واقعاً به خدا و پیغمبرش ایمان دارند . پس هرگاه از تو برای انجام بعضی از کارهای خود اجازه خواستند ، به هرکس از ایشان که می‌خواهی - و صلاح می‌بینی - اجازه بده ، و از خدا برای آنان آمرزش بخواه . بی‌گمان خدا بخشایشگر و مهربان است - و با مغفرت و رحمت خود ، اجازه خواستن و به دنبال مصالح خویش رفتن ایشان را که نوعی قصور در چنین اوقات بشمار است می‌بخشد - .

پس چگونه در تفصل دین یعنی در اصول و فروع به هوی و هوس و تاویلات نادرست حرکت می‌کنی بدون اجازه محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - باید در همه مسائل دینی در صورت بی‌خبری از دین و از شریعت پرسان شود الله تعالی می‌فرماید: { فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ } (2)

ترجمه : (سوال بکنید از اهل ذکر یعنی از اهل توحید).

ششم ادب: مشکل پیدا نکنند در قول رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و آن را معارض قرار ندهند به قیاس بلکه قیاس و آرای خود را دور با ندازند و به نصوص شرعی روی بیا و روند و تحریف نکنند کلام را از حقیقتش از برای خیالات نا معقول خود به نیت اینکه اصحاب عقول استند و توقف نکنند در قبول کردن آنچه که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به آن آمده است به موافقه دیگران اگر این کار صورت گیرد این بسیار بی ادبی است در مقابل نبی - صلی الله علیه وسلم - و خود را جرأت دادن است در مقابل رسول الله - صلی الله علیه وسلم - (3) .

هفتم ادب: به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در وقت گفت شنود با ید گفته ات ، لفظ مؤئدبانه باشد و از هر آنچه که سبب بی ادبی می‌شود اجتناب کند و پاک نگاه دارید مقام نبوت و رسالت را از هر گونه عیب و نقص که منافای عصمت پیغمبری است ازین جهت الله تعالی منع نموده است مومن ها را

1-سورة النور آیت 62

2-سورة البقره 104.

3-مدارج سالکین 2 / 390

از بلند کردن آواز بالای آواز رسول الله - صلی الله علیه وسلم - مانند منع نمودن آنها از مخاطبه کردن بعضی دیگر را الله تعالی می فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ } (1)

ترجمه: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! - هنگامی که از پیغمبر تقاضای مراعات و توجه بیشتر خود، برای حفظ و دریافت آیات قرآن می‌کنید - مگوئید: « رَاعِنَا »: - رعایتمان کن و ماریپای! بلکه واژه‌هایی هم معنای دیگری را به کار برید تا یهودیان و مشرکان نتوانند -) و یا با مردم یهود مشابَهت صورت نگیرد چون آن مردم از رعونت این کلمه را می گرفتند به معنی بی عقل و بی شعور پس این مردم را منع کرده شد تا که مشابَهت صورت نگیرد با آنها در قول اگر چه متکلم قصد بی حرمتی را ندارد باز هم در حق نبی - صلی الله علیه وسلم - بی ادبی و گستاخی صورت می‌گی رد به این کلمه مخاطب قرار دادن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - جایز نیست زیرا شان و هیبت رسول الله از قلب‌ها دور می‌شود. (3)

مطلب سوم: بلند نکردن آواز بالای آواز - نبی صلی الله علیه وسلم -.

از این که مومن و مسلمان با الله و رسول ایمان و اعتقاد دارد باید آداب را هم مراعات کند با الله و رسول - صلی الله علیه وسلم - در خصوص چون که - نبی صلی الله علیه وسلم - شرحه کننده دین است به سوال و جواب ضرورت پیدا می‌شود از این لحاظ باید آداب مراعات شود.

ادب اول: در وقت سخن زدن باید آواز خود را پایین بسازیم در مجلس رسول الله - صلی الله علیه وسلم - الله تعالی میفرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ } { إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ } { إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ } (2)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را از صدای پیغمبر بلندتر نکنید، و همچنان که با یکدیگر سخن می‌گوئید، با او به آواز بلند سخن مگوئید، تا نادانسته اعمالتان بی‌اجر و ضایع نشود - آنان که صدای خود را نزد پیغمبر خدا پائین نموده و آهسته برمی‌آورند، کسانی که خداوند دل‌هایشان را برای پرهیزگاری پاکیزه و ناب داشته است. ایشان آمرزش سترگ و پاداش بزرگی دارند - بی‌گمان کسانی که تو را از بیرون اطاقها فریاد می‌زنند، اغلب ایشان نمی‌فهمند - که تو چه مقام والایی در پیش خدا داری و باید با تو محترمانه رفتار کنند -.

1- سورة البقره آیت (104)

2 { سورة الحجرات آیت 5-1.

وبه آواز بلند صحبت نمی کردند از ترس بر باد شدن اعمال و ادب در حیاتش چنین بود که پا بین می کردن آواز های خود را از جهت هیبت و اجلال که در مجلس علم ، حلم ، وقار سکینه بود و با همراهش سخن می زد ن بسیار به ادب و به نرمش . قسمیکه الله تعالی رفع صوت را حرام گردانیده است با لای صوت پیغمبری خود به همین قسم در نزد قبرش بلند کردن آواز حرام می باشد این هم در حکم بلند کردن آواز است در حیاتش زیرا که احترام رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بعد از وفاتش مثل احترامش است در حیاتش و یا مثلا در بسا از موارد به مردم طریقه سنت را پیش می کنیم اعراض و روی گردانی دیده می شود چه در خوشی و یا غم این درحقیقت نوع بلند کردن آواز است بر- رسول الله صلی الله علیه وسلم - .

وسخت قهر شده بود حضرت عمر - رضی الله عنه - بر دوشخص که آواز های خویش را بلند کرده بودن در مسجد نبوی - صلی الله علیه وسلم - امام بخاری از سایب بن یزید حدیث را نقل می کند:

عن السائب بن یزید قال - كنت قائما في المسجد فحصبني رجل ، فنظرت فإذا عمر بن الخطاب فقال : اذهب فانتني بهذين ، فجئته بهما . قال : من أنتما- أو من أين أنتما ؟ قالا : من أهل الطائف. قال: لو كنتم من أهل البلد لأوجعتكما . ترفعان أصواتكما في مسجد رسول الله صلی الله علیه وسلم!- (1)

ترجمه : از سائب بن یزید روایت است فرمود استاد بودم در مسجد پس مرا تکان داد سپس نظر کردم دیدم حضرت عمر - رضی الله عنه- است ، فرمود برو حاضر کن آن دو شخص را پس آوردم آن دورا به خدمت آن فرمود شما کی استید و از کجا استید هر دو گفتند از اهل طائف استیم حضرت عمر فرمود اگر از اهل مدینه می شدید ضرور عذاب میدادم شمارا بلند می کنید آواز خود را در مسجد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - پس زمان که چنین بوده است دانسته می شود که کسانی که در نزدی قبر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بسیار به آواز بلند سخن می زنند و گد و د شدن و کار کردن این همه از حرکات نا درست و حرام می باشند چون در اینها تکلیف و ایذای نبی - صلی الله علیه وسلم - صورت می گیرد و هتکی حرمت مسجد نبوی می شود-.

ادب دوم: در مقابل سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ا قوال دیگران را دور کردن و به سخنان رسول الله - صلی الله علیه وسلم - گوش دادن اگر قرآن باشد یا حدیث : الله تعالی میفرماید {وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا} (2)

ترجمه: - هنگامی که قرآن خوانده می شود ، گوش فرا دهید و خاموش باشید تا مشمول رحمت خدا شوید- .

¹بخاری. کتاب الصلاة باب رفع الصوت في المساجد ج 1/ ص 179. شماره حدیث 458. ذکر شده است .
²سوره اعراف آیت 204) .

حتی در وقت خواندن قرآن کریم هم نباید آواز بلند کنند چون این خلاف ادب و بی حرمتی در حق معجزه عظمای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است.

در حدیث نبی- صلی الله علیه وسلم- برای ادب کننده قول رسول الله - صلی الله علیه وسلم - دعای نیک شده است:

وعن ابن مسعود - رضي الله عنه - قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ : « نَضَرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مِنْ شَيْئًا ، فَبَلَغَهُ كَمَا سَمِعَهُ ، فَرُبَّ مُبَلِّغٍ أَوْعَى مِنْ سَامِعٍ »(1).

ترجمه: از عبد الله ابن مسعود - رضی الله عنهما - روایت است که شنیدم از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند : تروتازه بگرداند الله تعالی شخص را که می شنود از ما چیزی را می رساند آن را قسم که شنیده است و بسیا راز رسانده شده است که بهتر یاد می گیرد از شنونده .

دیگر ادب با همراه نبی - صلی الله علیه وسلم - این است : چون صدا و آواز کردن - رسول الله - صلی الله علیه وسلم - با دیگران تفاوت دارد الله تعالی در زمینه می فرماید { لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ } (2).

ترجمه : - ای مؤمنان ! - دعوت پیغمبر را در میان خویش - برای اجتماع و شرکت در کارهای مهم - همسان دعوت برخی از برخی از خود بشمار نیاورید - چرا که فرمانش فرمان خدا و دعوتش دعوت پروردگار است - . خداوند آگاه از کسانی است که در میان شما خویشان را می دزدند و پشت سر دیگران خود را پنهان می دارند (تا پیغمبر آنان را نبیند و از انصراف و گریز ایشان نپرسد و کاری بدانان حواله نکند - . آنان که با فرمان او مخالفت می کنند ، باید از این بترسند که بلائی - در برابر عصیان که می ورزند - گریبانگیرشان گردد ، یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود اعم از قحطی و زلزله و دیگر مصائب دنیوی ، و دوزخ و دیگر شکنجه های اخروی) .

درین آیت دو قول است اول: صدا نه کنید رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را مانند صدا کردن یک دیگر یعنی به لفظ - یا محمد- صدانه زنید و یا اینکه در هنگام که خواسته می شوید آمدن خود را به تاخر نه اندازید .

دوم: مراد از دعا خواستن و دعا کردن است که از خداوند می خواهد یعنی دعا کردن پیغمبر به عام مردم فرق میکند این را مانند دعا های خود نه پندارید بلکه دعای آن مستجاب است³.

¹- ترمذی :مؤلف محمد بن عیسی ابو عیسی ترمذی سلمی ناشر: دار احیاء التراث عربی - بیروت جلد 5 / ص 34 شماره [2657]

امام ترمذی و ابن حبان حدیث را صحیح شمرده است .

²- سوره نور(63)

³- این کثیر ج (3) ص 306-307

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ⁽¹⁾.

ترجمه : مؤمنان هنگامی که به سوی خدا و پیغمبرش فرا خوانده شوند تا میان آنان داوری کند ، سخنشان تنها این است که می‌گویند : شنیدیم و اطاعت کردیم ! و رستگاران واقعی ایشانند .
زمان که به خاطر فیصله خواسته شوند از جهت سمع و طاعت قبول می‌کنند ازین جهت خداون به فلاح وصف نموده است² .

مطلب چهارم : درود بر پیغمبر (صلی الله علیه وسلم)

درود و ثنا گفتن به نبی صلی الله علیه وسلم قسم که لایق است به شان آنها و به خود بیان نموده اند و الله تعالی برایش ثنا گفته است بدون کمی و زیادت لازم است درود گفتن :
درود فرستادن در جاها معین و در وقتی ذکر شدن نامش به زبان و در وقتی نوشته خط بدست درود گفتن لازم است .

صلاة متضمن ثنا و رفعت شان است از طرف الله تعالی و زیادت می یارد در تعظیم و تشریف و مراد طلب پاکی و زیادت ثنا است و هر چه سلام است سلامتی از هر گونه عیب و آفت است .

الله جل جلاله و ملائکه ها درود سلام می فرستند به نبی - صلی الله علیه وسلم - باید مومنها هم درود بفرستند. الله تعالی می فرماید: { إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا }⁽³⁾

ترجمه : (خداوند و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند ، ای مؤمنان ! شما هم بر او درود بفرستید و چنان که باید سلام بگوئید) .

ابن کثیر در تفسیر این آیت فرموده است مقصود در آیت اینست : الله تعالی انسان ها را خبر داده است در ارتباط به رسول خود در ملای اعلی به اینکه الله تعالی در نزد ملائکه ها ی مقرب خود درود می فرستد و ملائکه ها هم درود می فرستند و الله تعالی اهل عالم سفلی را نیز امر میکند که شا هم درود و سلام بفرستید تا که ثنی عالم علیا و سفلی یک جای شوند⁽⁴⁾ .

درود فرستادن را ترغیب و تشویق نموده است در احادیث زیادی:

¹- سوره نور(51)

²- ابن کثیر ج 6 ص 75 .

³- سوره احزاب آیه 56.

⁴- تفسیر ابن کثیر، ج 3 / ص 507

عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال : « من صلى علي واحدة ، صلى الله عليه عشرا » (1)

(ترجمه: از ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است یقیناً رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودن کسیکه درود بفرستد بر من الله تعالی بر آن ده رحمت می فرستد .)

عن أوس بن أوس - رضي الله عنه - قال : قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : « إن من أفضل أيامكم يوم الجمعة فيه خلق آدم وفيه قبض وفيه النفخة وفيه الصعقة ، فأكثرُوا علي من الصلاة فيه فإن صلاتكم معروضة علي قالوا يا رسول الله : وكيف تعرض صلاتنا عليك وقد أرمت ؟ ! يقولون : بليت قال : إن الله عز وجل حرم على الأرض أن تأكل أجساد الأنبياء » (3)

ترجمه : (از اوس بن اوس رضی الله عنه روایت است فرمود رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودن یقیناً بهترین روز شما روز جمعه است در آن آفریده شده آدم علیه السلام، در آن قبض روح شده، در آن روح دمانیده شده و در آن بی هوش شده است زیاد کنید درود را بر من در آن روز یقیناً درود شما پیش می شود بر من فرمودن صحابه کرام - رضی الله عنهم - چگونه پیش میشود درود ما بر تو به تحقیق تو ورم کردای وپوسیده ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود بیشک خداوند حرام گردانیده است بر خاک خوردن اجساد انبیارا) .

یعنی اجساد انبیاء را خاک نمی خورد و این دلالت می کند بر شرافت پیام بران و مقام والای شان .
عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : « رغم أنف رجل ذكرت عنده فلم يصل علي » (2)

ترجمه : از ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است گفتن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود خاک آلوده گردد بینی کسی که در نزدش یاد شوم و بر من درود نه فرستد .
ازین حدیث برداشت چنین است که زمان که نام پیام بری اسلام گرفته می شود باید درود فرستاده شود تا ازین وعید نجات پیداکنیم چون یکی از راه های محبت درود گفتن به رسو اکرم صلی الله علیه وسلم است .

¹ - سنن أبي داود. كتاب صلاة باب فضيلت الجمعة وشب الجمعة، آمده است ج 1 / ص 653. حدیث راصح دانسته امام حاکم در مستدرک ج 1 / ص 278. موافقه نموده است ذهبی. وصحیح گفته امام نووی در کتاب اذکار، خود طبع 4، مصطفی حلی، مصر ص 106.

² - مسلم کتاب صلاة در باب درود بر نبی صلی الله علیه وسلم بعد از تشهد ج، 1 / ص 306 .

عن علي بن أبي طالب قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : « البخيل من ذكرت عنده فلم يصل علي » (1)

ترجمه : (از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه- روایت است فرمود فرمودن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بخیل کسی است که یاد شوم در نزدش و درود نفرستد بر من). کسی که در وقت یاد شدن نام مبارک رسول اکرن - صلی الله علیه وسلم - درود نمی فرستد آنرا بخیل معرفی نموده است و اگر با محمد صلی الله علیه وسلم محبت داشته باشی حتمی درود می گفتی.

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : « لا تجعلوا بيوتكم قبورا ولا تجعلوا قبري عبدا وصلوا علي فإن صلاتكم تبلغني حيث كنتم » (2)

ترجمه : (از ابی هریره- رضی الله - روایت است فرمود فرمودن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نگر دانید خانه های خود را مقبره و نگردانید قبری من را جای عبادت و درود بفرستید بر من یقینا درود شما می رسد بر من کجا که باشید شما).

درین حدث هم اشاره شده که درود گفتن سبب است از برای محبت زیرا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از دو چیز ممانعت کرد یکی از خانه ها قبر جور کردن و دوم از قبر ها بت ساختن و به درود گفتن امر نمود زیرا سبب محبت می شود با رسول الله - صلی الله علیه وسلم .

طریقه درود فرستادن را به امت فهما نده است که به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چگونه درود بگویند در نماز و در غیر نماز:

عن عبد الرحمن بن أبي ليلى قال : (لقيني كعب بن عجرة فقال : ألا أهدي لك هدية ، إن النبي صلى الله عليه وسلم خرج علينا ، فقال يا رسول الله قد علمنا كيف نسلم عليك فكيف نصلي عليك فقال : قولوا اللهم صل على محمد ، وعلى آل محمد كما صليت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد ، اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد) (3)

ترجمه: (از عبد الرحمن بن ابی لیلی - رضی الله عنه - روایت است فرمود روبرو شد با من کعب بن حجره و فرمود آیا تحفه ندهم برایت تحفه ی : یقینا نبی - صلی الله علیه وسلم - بیرون آمد به نزد ما سپس فرمود کعب ابن حجره ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یقینا دانستیم سلام را بر تو

1 - سنن ترمذی کتاب دعوات در باب فضیلت توبه و استغفار و آنچه از رحمت خدا نکر شده برای بنده هایش جلد 5 / ص 210 ، امام حاکم حدیث را صحیح گفته است و با آن ذهبی موافق است ج 1 / ص 549

2 - سنن ابی داود کتاب منا سک باب زیارة القبور جلد 2 / ص 534) امام احمد در مسند خود آورده است ج 2 / ص 367.

3 - بخاری در کتاب دعوات و در باب درود فرستادن بر (نبی صلی الله علیه وسلم) 8 / 95.

وچی گونه درود بفرستیم برایت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودن بگوید ای بار خدایا رحمت کن بر محمد - صلی الله علیه وسلم - و بر آل محمد - صلی الله علیه وسلم - مثلیکه رحمت فرستادی بر ابراهیم علیه سلام یقینا تو ستوده شده و بزرگ استی ای بار خدایا برکت با نداز بر محمد - صلی الله علیه وسلم - و بر آل محمد - صلی الله علیه وسلم - قسمیکه رحمت فرستادی بر ابراهیم علیه سلام یقینا تو ستوده شده و بزرگ استی.)

عن أبي حميد الساعدي أنهم قالوا : « يا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - كيف نصلي عليك ؟ قال : قولوا : (اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما ، صليت على آل إبراهيم ، وبارك على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد » (1).

ترجمه : (از ابی حمید الساعدی - رضی الله عنه - روایت است یقینا فرمودند ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چگونه درود بفرستیم برایت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودن بگوید ای بار خدایا رحمت بفرست بر محمد - صلی الله علیه وسلم - ، بر زن های ایشان و بر اولادهای ایشان به قسمی که رحمت فرستاد به ابراهیم علیه سلام ، برکت بفرست بر محمد - صلی الله علیه وسلم - ، بر ازواج محمد - صلی الله علیه وسلم - و اولادهای محمد - صلی الله علیه وسلم - مثلیکه برکت انداخته ای ابراهیم علیه سلام یقینا تو ستوده شده و بزرگ است).

بدون ازین صیغه ها دیگر صیغه ها را وانمود و راهنمای کرده تعلیم داده است رسول الله - صلی الله علیه وسلم - کدام کیفیت که به امت خود گفته بهترین کیفیت از برای درود فرستادن است، زیرا که اینها صادر شده اند از زبان و سینه محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و بیرون نمی کشد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برای امت خود مگر آنچه که اشرف، افضل، و اکمل باشد از اعمال و کیفیت. پس زمانیکه معلوم شد دانستیم بدعائی که زیاد از مشایخ صوفیه اجاد کرده اند از صیغه های درود بر نبی - صلی الله علیه وسلم - به گمان این که فضیلت و ثواب زیاد دارند این ها در ثواب رسیده نمی تواند به مرتبه صیغه های که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به امت تعلیم داده اند چون الفاظ از نظر شریعت مشروع گردیده است بدون از اودیگر الفاظ درست نیست .

ازحافظ ابن حجر- رحمه الله - سوال شد از کیفیت درود به نبی - صلی الله علیه وسلم - در نماز و در بیرون از نماز در باره وجوب و استحباب آن آیا شرط است که کیفیتش از صاحب شریعت به الفاظ مخصوص نقل باشد یاخیر به طور میثال: اللهم صل على سيدنا محمد أو على سيد الخلق ، وعلى سيد ولد آدم ؟ یا اختصار کند بر این قول : اللهم صل على محمد ؟ کدام یکی ازین دو بهتر است پس جواب داد : (بلی به الفظ ماثوره راجیح است نبی - صلی الله علیه وسلم - بعض الفظ را ترک

¹ - بخاری، ج، 8 / 95-96.

نموده است از جهت شکسته نفسی اگر نقل می بود خا مخا نقل می شد این که نقل نیست معلوم می شود که درست نبوده است⁽¹⁾.

مثلاً: از برای درود فرستادن به نبی - صلی الله علیه وسلم - جا های معین و مشخص است با ید در آن جاها درود گفته شود به وجوب و استحباب آن تا کد شده است :

- در آخر نماز در تشهد قعه آخر.
- در وقت داخل شدن در مسجد و بیرون شدن از آن.
- قبل از دعا کردن درود باید فرستاده شود.
- در وقت یاد شدن نام نبی - صلی الله علیه وسلم -.
- در وقت نوشته کردن نامش.
- در وقت خطبه.
- در وقت روایت حدیث.
- در وقت تعلیم و تعلم علم به مردم⁽²⁾.

مطلب پنجم: دفاع از پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - واز سنت ایشان.

در هر دور دشمنان اسلام با پیغمبر وقت مشکل خود را داشته اند و اعتراضات گوناگون را ارائه نموده اند به طور تعنت و سرکشی لکن الله جل جلاله این اعتراضات را در هر جای قرآن کریم جای بجای جواب نموده است تا دشمنان خاموش و ذلیل شوند و پیغمبر وقت تسلی و عزت پیدا کند .

مثلاً : می گفتن که ما ایمان نمی آوریم تا که از زمین آب را جاری نسازی ، یا باغ داشته باشی از خرما ، انگور و نهره در آن روان باشند ، یا قطعه آسمان پایین بی افتد بر ما ، یا خدا و ملائکه ها بیایند روبرو، آیا خداوند بشر را رسول فرستاده است چگونه پیغمبر است که در بازار ها می گردد و غذا می خورد ؟! یا می گفتند که آیا بشر رسول شده می تواند این قسم اعتراضات را عام کفار و مشرکین پیش کرده رسالت محمد رسول الله -صلی الله علیه وسلم - را قبول نداشتند.

ولی ازین اعتراضها خداوند جواب داده است به حقانیت رسالت رسول - صلی الله علیه وسلم - ثابت کرده به کفار جواب دندان شکن می دهد

جواب اول: {قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا}(3)

ترجمه : (بگو : کافي است که خدا میان من و شما گواه باشد . بي گمان او از - حال - بندگانش بسیار آگاه ، - و نسبت به کارشان - بس بينا است - و لذا مي داند که من فرمان او را به شما رسانده ام و این

¹ - الباني نقل نموده از حافظ محمد فرزند محمد غرابيلي شاگرد حافظ ابن حجر. در صفة صلاة النبي صلی الله علیه وسلم، تألیف محمد نصر الدين الباني طبع 11 مکتبه اسلاميه 1403 هـ، در ص 153 - 155.

² - بخاري کتاب دعوات در باب درود بر (نبی صلی الله علیه وسلم) 8 / 95 . و مسلم کتاب صلاة در باب درود نبی صلی الله علیه وسلم بعد از تشهد ج 1 / ص 305

³ - سوره بنی اسرائیل آیت (96)

شما هستید که از پذیرش حق لجوجانه سر باز می‌زنید - .)

توضیح : « شَهِيداً » : گواه . یعنی گواه است بر صدق رسالت من و عناد شما با حق .

جواب دوم: از اعتراض بشر بودن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یعنی اگر در زمین ملائک می بود ملائکه روان می کرد به صفت رسول:

الله تعالی در زمینه می فرماید { قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا }⁽¹⁾

ترجمه : بگو اگر در زمین - به جایی انسانها - فرشتگانی مستقر و در آن راه می رفتند، ما از آسمان - از جنس خودشان - فرشته ای را به عنوان پیغمبر به سویشان می فرستادیم - چرا که رهبر باید از جنس پیروان خود باشد.

از این که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بشر است و بشریت با رسالت منافات ندارد.

الله تعالی میفرماید: { لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ }⁽²⁾.

ترجمه : بیگمان پیغمبری - محمد نام - ، از خود شما - انسانها - به سویتان آمده است . هرگونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد ، بر او سخت و گران می آید . به شما عشق می ورزد و اصرار به هدایت شما دارد ، و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است .

« مِنْ أَنْفُسِكُمْ » : از خود شما انسانها . یعنی انسان است و از لحاظ سرشت بشری همچون شما است ای مردم عرب و این آیت مثل آیت سوره جمعه است آیت دوم « هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ »

ترجمه : خدا کسی است که از میان بیسوادان پیغمبری را برانگیخته است و به سویشان گسیل داشته است ، دیگر جاهم بشریت را با تفاوت آمدن وحی بیان نموده است طوری که الله تعالی میفرماید { قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ }⁽³⁾

ترجمه : بگو : من فقط و فقط انسانی مثل شما هستم ، و به من وحی می شود که خداوندگار شما خداوندگار یگانه ای .

یعنی در میان من شما در سرشت بشریت کدام تفاوت وجود ندارد و لکن فرق این است که به من وحی می شود ولی به شما وحی نمی شود⁽⁴⁾

¹- سوره بنی اسرائیل آیت (95)

²- سوره توبه آیت (128)

³- سوره فصلت (6).

⁴- تفسیر مراغی ج 24 ص 107)

در سوره کهف هم الله تعالى می فرماید: { **فَلَنْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ** } (1)
 ترجمه : - ای پیغمبر ! - بگو : من فقط انسانی همچون شما هستم - و امتیاز من این است که من پیغمبر خدایم و آنچه گفت : بگو ؛ می گویم - و به من وحی می شود که معبود شما یکی است و بس .
 ازین آیت ها وانمود می شود منت بزرگ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بر قومش و حجیت کتابش اول در نتیجه دعوت عرب ایمان آوردند بعد عجم قبول کردند و همچنان خداوند بر بنده ها رحمت کرده است که خداوند نبی - صلی الله علیه وسلم - را از مغیبات آگاه نموده است که حتی از هوی و هوس نطق نمی کند چگونه کمراه و غوایت می کند که نطقش از هوی و هوس نیست: { **وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى . إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحى * عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى** } (2)

ترجمه : و از روی هوا و هوس سخن نمی گوید. آن - چیزی که با خود آورده است و با شما در میان نهاده است - جز وحی و پیامی نیست که - از سوی خدا بدو - وحی و پیام می گردد . - جبرئیل ، فرشته - بس نیرومند آن را بدو آموخته است .

خداوند پیامبر خود را تسلی داده می فرماید: { **كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ** } (3)

ترجمه : همین گونه - که اینان شما را تکذیب می دارند - هیچ پیغمبری به سوی مردمان پیش از ایشان نرفته است ، مگر این که گفته اند : او جادوگر یا دیوانه است .

از برای انبیاء الله تعالى همسر و اولاد هم داده است ولی این با رسالت مشکل پیدانکرده است الله تعالى میفرماید: { **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ** } (4)

ترجمه : - برخیها داشتن زنان و فرزندان را بر تو عیب می گیرند - و ما پیش از تو پیغمبرانی را روانه کرده ایم و زنان و فرزندان بدیشان داده ایم . - پیغمبران جملگی انسان بوده اند و بنا به سرشت انسانی خورده اند و خفته اند و با مردم رفت و آمد داشته و معامله کرده و ازدواج نموده اند - و هیچ پیغمبری را نرسیده است که معجزه ای جز با اجازه خدا بیاورد - و به مردم ارائه دهد . - هر زمانی دارای نوعی معجزه است - که شایسته آن و حکمت و مصلحت در آن است - .

باوجود همه مشکلات ها که مشرکین محمد رسول الله را تکذیب می کردن خداوند برایش تسلی داده حالات انبیاء قبلی را برایش یاد می کند:

1- سوره کهف آیت 110

2- سوره نجم آیت 4 5 6

3- سوره ذاریات: 52

4- سوره رعد: 38

الله پاک می فرماید { لَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولًا مِّن قَبْلِكَ فَصَبِرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَنَّهُمْ نَصَرْنَا وَلَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِيِّ الْمُرْسَلِينَ } (1)

ترجمه : پیغمبران فراوانی پیش از تو تکذیب شده‌اند- و مورد اذیت و آزار قرار گرفته‌اند - و در برابر تکذیبها - و اذیت و آزارها - شکیبایی کرده‌اند - و بر عقیده خود ماندگار مانده‌اند و سنگر را خالی نکرده‌اند - و اذیت و آزار شده‌اند - و گرفتاریها و شکنجه‌ها را تحمل کرده‌اند - تا یاری ما ایشان را دریافته است - و در مبارزه حق و باطل پیروز شده‌اند . تو نیز چنین باش . این سخن خداوند است و مبتنی بر وعده پیروزی است - و هیچ چیز نمی‌تواند سخنان خدا را دگرگون سازد . به تو اخبار و سرگذشت پیغمبران رسیده است - و می‌دانی که رسالت با شادان همراه است و سرانجام سختیها پیروزی در دنیا و آن گاه جَنَّةُ الْمَأْوِي است - .

پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - صادق المصدق است و می گوید از زبانم به جز از حق چیزی دیگری بیرون نمی شود:

عن عبد الله بن عمرو قال: «كنت أكتب كل شيء أسمع من رسول الله صلى الله عليه وسلم أريد حفظه، فنهتني قریش فقالوا: إنك تكتب كل شيء تسمعه من رسول الله صلى الله عليه وسلم، ورسول الله بشر يتكلم في الغضب، فأمسكت عن الكتاب، فذكرت ذلك لرسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: اكتب فو الذي نفسی بیده ما خرج منی إلا الحق» .

از عبد الله ابن عمرو- رضی الله عنهما- روایت است فرمود بودم که می نوشتم هر چیزی را می شنیدم از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و آن را حفظ می کردم قریش منع کردن من را گفتند تومی نویسی هر چیزی را که می شنوی از رسول الله مبارک و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بشر است در غضب سخن می زند پس منع شدم از کتابت این قسه را با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شریک کردم فرمود از زبانم جز حق چیزی دیگر بیرون نمی شود.²

همچنان خوردن نان و رفتن به بازار ها برای رفع حاجت زیرا بشر ضرورت دارد با رسالت در تضاد نیست در زمینه الله تعالی میفرماید: { وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا } (3)

ترجمه : - محمد را نیز مسخره می‌کنند - و می‌گویند : این چه پیغمبري است ؟ ! او غذا می‌خورد، و در بازارها راه می‌رود، - نه شیوه فرشتگان دارد ، و نه روش شاهان . او امتیازی بر دیگران ندارد ، چرا که همچون افراد عادی نیاز به تغذیه دارد ، و در بازارها برای کسب و تجارت و خرید

¹- سوره (انعام) : 34

²- مسند امام احمد فرزند حنبل باب 2 جزء 12 ص 133) مستدرک بر صحیحین از حاکم حدیث را صحیح قرار داده است کتاب العلم جزء اول ص 147)

³- سوره فرقان آیت 7 الا 10)

نیازمندیهای خود رفت و آمد می‌کند - چرا لااقل فرشته ای به سوی او فرستاده نشده است تا - به عنوان گواه صدق دعوتش - همراه او مردم را بیم بدهد - و در امر تبلیغ رسالت در روز آخرت پشیمان کردن به درد بخور نیست و افسوس می‌کشد ولی افسوس بی فایده است.

الله تعالی میفرماید { وَيَوْمَ يَعْزُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا }⁽¹⁾

ترجمه : - و در آن روز ستمکار - کفرپیشه - هر دو دست خویش را - از شدت حسرت و ندامت - به دندان می‌گزد و می‌گوید : ای کاش ! با رسول خدا راه - بهشت را - برمی‌گزیدم - و با قافله انبیاء به سوی خوشبختی جاویدان و رضای یزدان سبحان حرکت می‌کردم . ای وای ! من ، بر خود چه کردم ؟ - .

الله تعالی خبر میدهد از پشیمانی ظالم که جدا شده از راه پیغمبر خدا و از آنچه که آورده است از طرف خداوند از حق که هیچ شک در آن نیست و رفتار کرده است به راه دیگری بدون راه رسول در روز قیامت پشیمان ولی این بدرد بخور نیست و از جهت حسرت و افسوس دست های خود را چک می زند سبب نزول آیت در باره عقبه بن ابی معیط و غیره از اشقیاء و لکن عام است در حق هر ظالم.

رفتار و حرکت در راه که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به آن رفتار نموده است باعث سعادت و کامیابی است چون خصوصیات که در ایشان وجود دارد در غیر وجود ندارد دلالت می کند بر این حدیث را که امام بخاری به روایت جابر بن عبد الله - رضی الله عنهما - نقل کرده است .

عن ابن مسعود - رضي الله عنهما - لا أحد أغير من الله ولذلك حرم الفواحش ما ظهر منها وما بطن ولا أحد أحب إليه المدح من الله ولذلك مدح نفسه ولا أحد أحب إليه العذر من الله من أجل ذلك أنزل الكتاب وأرسل الرسل⁽²⁾

از عبد الله ابن مسعود - رضي الله عنهما - روایت است که نیست هیچ کس که نسبت به الله تعالی غیرت مند تر باشد ازین جهت حرام گردانیده است فحشا را آنچه که ظاهر و باطن است در نزد هیچ کس محبوب تر نبود مدح نسبت به الله تعالی ازین جهت مدح کرده است نفس خود را نیست هیچ کس عذرپذیر باشد نسبت به الله تعالی ازین جهت الله تعالی کتاب را نازل کرده است و رسل را فرستاده است.

مطلب ششم : تصدیق پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - در آنچه که خبر داده است.

واجب گردانیده الله تعالی بر ثقلین یعنی - انس و جن - کسانی که رسالت را درک می کنند با ید ایمان بیا ورنه به نبی - صلی الله علیه وسلم - و به آنچه که آورده است قسمی که نصوص قرآن بر آن گواه

¹ - سورة فرقان آیت (27)

² - بخاری (ج 4 / شماره حدیث 4358-1696)

است الله تعالى ایمان داشتن را به نبی - صلی الله علیه وسلم - پیوست تاكد نموده است درجا های زیاد.

باید ایمان داشته با شیم به آنچه که به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - وبه کتاب که برایش نازل شده است این انصاف است.

اول: الله تعالى بر صداقت من گواهی می دهد: { قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَنتُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ }⁽¹⁾

ترجمه: - ای پیغمبر! به کسانی که بر رسالت تو گواهی می‌خواهند - بگو: بالاترین گواهی، گواهی کیست - تا او بر صدق نبوت من گواهی دهد؟ - بگو: خدا میان من و شما گواه است! - بهترین دلیل آن این است که - این قرآن به من وحی شده است تا شما و تمام کسانی را که این قرآن بدانها می‌رسد بدان بیم دهم. - قرآنی که هیچ کس و هیچ گروهی نمی‌تواند سوره‌ای همانند آن را بسازد و ارائه دهد. - آیا به راستی شما گواهی می‌دهید که خدایان دیگری با خدایند؟! بگو: من گواهی نمی‌دهم - و هرگز کسی و چیزی را انباز خدا نمی‌دانم و نمی‌کنم. - بگو: او خدای یگانه یکتا است، و من از بتان - جاندار و بی‌جانی که - انباز خدا می‌کنید بیزارم.

معنی آیت چنین است الله تعالی پیامبر خود را امر می‌کند بگو به مشرکین چه چیز بزرگ‌تر است از لحاظ گواهی که من صادق استم در دعوت شما را به سوی ایمان اگر جواب دادن خوب است والا بگو تو برای شان الله گواه است به راستی آنچه که دعوت میدهم به آن کافی است مرا الله از روی گواهی.

« قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً » مسأله چنین بود که مشرکین گفته بودند که به صداقت و حقانیت تو و اینکه تو رسول خدا است چه دلیل است آیت نازل شد از حسن نقل است که لفظ « أَيُّ شَيْءٍ » در این جا در خود وقائم نمودن دلایل به توحید خویش پس گواه است در میان من و در میان شما بر اینکه یقیناً رسانیدم دین را به شما و راست گفته‌ام در چیزی که شما را به آن دعوت داده‌ام به رسالت خود « وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ » یعنی قرآن هم شاهد است به نبوت من.

الله تعالی میفرماید: { أَلَمْ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ }⁽²⁾.

ترجمه: جز خدا، خدائی نیست و او زنده (به خود - و متصرف - در کار و بار جهان - است - همان کسی که - کتاب - قرآن - را بر تو نازل کرده است که مشتمل بر حق است - و متضمن

¹ - سوره انعام 19.

² - سوره آل عمران آیت/ 1-4

اصول رسالت‌های آسمانی پیشین ، و- تصدیق‌کننده کتاب‌هایی است که قبل از آن - برای پیغمبران فرستاده شده‌اند و - بوده‌اند . و خداوند پیش از آن ، تورات را - برای موسی - و انجیل را - برای عیسی - نازل کرده است .

پیش از - قرآن، تورات و انجیل را نازل کرده است - جهت رهنمود مردمان، و - چون منحرف گشتند ، قرآن یعنی - جدا سازنده - حق از باطل - را فرو فرستاده است . بیگمان کسانی که نسبت به آیات خدا کفر ورزند ، عذاب سختی دارند ، و خداوند توانا و انتقام گیرنده است .

« مُصَدِّقًا » : تصدیق‌کننده است. تقدیر چنین خواهد بود: {نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ - مُحَقِّقًا - مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ . « مَا بَيْنَ يَدَيْهِ »: مراد کتاب‌های آسمانی پیشین است « وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ » - کافران می‌گویند: ما هرگز به این قرآن و دیگر کتاب‌های پیش از آن ایمان نخواهیم آورد - این مضمون برسوره « سبأ آیت 31 » ذکر شده است .

« وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ » : این جمله بیانگر بعضی از - مَا بَيْنَ يَدَيْهِ - است که از شهرت بیشتری برخوردارند .

درجای دیگر الله تعالی میفرماید : { وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ } (1).

ترجمه : این - قرآن - کتابی است که ما آن را فرو فرستاده‌ایم - همان گونه که تورات را قبلاً فرو فرستاده‌ایم - . پرخیر و برکت است - و تا به قیامت ماندگار می‌ماند - . تصدیق‌کننده همه کتاب‌های آسمانی از قبیل تورات و انجیل - است که پیش از آن نازل شده‌اند - . آن را فرو فرستاده‌ایم - تا با آن - اهل - مگه و کسان دور و بر آن - یعنی همه مردمان جهان - را - از خشم خدا - بترسانی . کسانی که به آخرت ایمان دارند بدان ایمان می‌آورند - چرا که امید به ثواب و هراس از عقاب ایشان را بدین امر وا می‌دارد . و هم بدان سبب - آنان بر- ادای به موقع و به گونه شایسته - نماز خود ، محافظت می‌ورزند .

قرآن عظیم شان کتاب است که کتاب دروغ نیست و تصدیق کننده کتاب ها پیشین خود است. الله تعالی میفرماید: { وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ } (2).

ترجمه : این قرآن از سوی غیر خدا ، - چه محمد و چه احبار و کُهان و چه دیگر مردمان - ساخته و پرداخته نشده است و بلکه - وحی خدا است و - تصدیق کننده کتاب‌های آسمانی پیشین - همچون تورات و انجیل - است ، و بیانگر - شرائع و عقائد و احکام - کتاب‌های گذشته می‌باشد . شكّ و

1- سوره:انعام آیت 92.

2- سوره:یونس 37.

تردیدی در آن نیست ، و از سوی پروردگار جهانیان فرستاده شده است .

« تَصْدِيقٌ » : به معنی مُصَدِّق ، یعنی تصدیق‌کننده است .

خبر - كَانْ - محذوف است و تقدیر چنین است :- وَ لَكِنْ كَانَ هُوَ تَصْدِيقٌ . می‌تواند مفعول له فعل مقدری هم باشد . یعنی نازل شده است برای تصدیق . « الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ » : مراد همه سخنانی است که بر زبان انبیاء رفته است و همه کتابهایی است که توسط ایشان آمده است « وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ »¹ « الْكِتَابِ » : مراد جنس کتاب است و شامل همه کتابهایی آسمانی می‌گردد زیرا که قبل از این چه قدر کتاب های که آمده است همه از طرف الله تعالی آمده اند و این قرآن تصدیق کننده آنها است: درین ارتباط الله تعالی میفرماید: { نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ }

ترجمه : (نازل کرده است بر تو کتاب را به راست تصدیق کننده است کتاب های را که پیش ازین نازل شده اند) .

بیان کتاب های است که به انبیاء قبلی نازل شده است و تصدیق آن هارا از راهای مختلف یعنی دلیل وحی است برای دعوی توحید مقصد این است که نبی - صلی الله علیه وسلم - کتاب یعنی - قرآن) را از طرف خود جور نکرده است بلکه از طرف الله تعالی نازل شده است .

اول: الله پاک بسیار انبیا را فرستاده است پیش از محمد - صلی الله علیه وسلم - و به ایشان وحی نموده بود و به آن آیه مبارکه دلالت می کند: { اِنَّا اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ كَمَا اَوْحَيْنَا اِلَى نُوْحٍ وَالنَّبِيِّنَّ مِنْ بَعْدِهِ }⁽²⁾
دوم: محمد - صلی الله علیه وسلم - هم چنان انبیاء قبلی را تصدیق می کند و صفات آخر رسول را نیز بیان نموده است که از طرف الله متعال کتاب می آورد لحاظا قرآن کریم هم کتب سابقه را تایید می کند .

ابن کثیر- رحمه الله - می گوید: معنای « مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ » کتاب که متضمن ذکر و مدح است از طرف الله تعالی به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - کتاب نازل می شود برای صاحبان بصارت که منقاد استند به اوامر الله تعالی⁽³⁾

سوم: [قرآن] کریم موافقه کرده با کتاب های قبلی در مقاصد دین الله تعالی و اصول که مختلف نمی شود به اختلاف شرائع و رسالت ازین جهت موافقه قرآن با کتاب های سابقه در اشیای پیش روی می یابد:

1- دعوت به ایمان به الله تعالی و به کتاب ها و رسول ها و روز آخرت و آنچه که از منزه بودن الله تعالی از نقائص، قسمی که دبه شان الله تعالی مناسب است .

¹ - سوره:سوره مائده آیت/48).

² - سورة النساء آیت 163.

³ - ابن کثیر ج/3/119،

2- قرآن کریم به کتب منزله اتفاق کرده است در شرائع مثل نماز ، روزه و زکات اینها در مردم سابق بودند قرآن از آن خبر داده است که مردم قبلی الله تعالی را عبادت می کردند.

مثلا روزه: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ} ¹

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید ! بر شما روزه فرض شده است ، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده اند فرض بوده است ، تا باشد که پرهیزگار شوید .

نماز و زکات: {وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ} ²

ترجمه : و (به یاد آورید) آن زمان را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و نسبت به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید ، و به مردم نیک بگوئید ، و نماز را برپا دارید ، و زکات را بپردازید .

توضحات: نقطه قابل بحث اقامه نماز و اعطای زکات است که در شریعت های قبلی هم وجود داشتند. خلاصه: ادیان قبلی در اصول شرائع مشترک استند اصول عقیده و شریعت یک چیز بود در همه کتب آسمانی یک کتاب به کتاب دیگر تفاوت نداشت ولی در فروع و در تفاسیل آن مختلف بودند به مناسبت احوال مردم در هر زمان به مصلحت های آنها تعلق داشت چنین نیست مثلا نوح علیه سلام بگوید که الله متعال یک است پیغمبر بعدی آمده آن را نفی کرده بگوید که یکی نیست بلکه دوتا است بلکه همه انبیاء - علیهم السلام - خداوند را یک می دانستند چون حقیقت همین است به تغیر زمان مکان و مبلغ حقیقت تغیر نمی کند.

مثلا قرآن کریم نوح علیه السلام را در دعوت قومش را به سوی عبادت الله تعالی فرستاده است الله تعالی می فرماید: {لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ} ⁽³⁾

به وجود الله تعالی دعوت داده است، به وجود خداوند فطرت هم اقرار می کند الله تعالی می فرماید :

{وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ} ⁽⁴⁾

اصول عقیده و شریعت یک است در همه ادیان الله تعالی میفرماید: {شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ} ⁽⁵⁾

و هرچه در تفصیلات عملی شرایع کتاب های سماوی مختلف اند که تعلق دارند به زمانه و به مصالح اتباعش گاه در یک زمان مصلحت دیده می شود که در زمان دیگر دیده نمی شود آن مصلحت گاه

¹ - سوره بقره 83.

² - سوره مائده 48.

³ - سوره بقره 83.

⁴ - لقمان آیت 25

⁵ - سوره: شوری 13.

طبعت یک مردم موافقه می کند که طبعت مردم دیگر موافقه نمی کند مصداق آن قول تعالی است:

{لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا} (1)

3- قرآن در دعوت به فضائل و ترغیب با کتاب های منزله موافق است در عدل، احسان، صدق، صبر، امانت داری و فاداری و رحمت فضائل و مکارم اخلاق.

نهی از ظلم، خیانت، کذب، غدر، قسوه قلب و همه رزائل هایکه انسان را در هلاکت می اندازد الله تعالی میفرماید: {وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ} 2

ترجمه: و (به یاد آورید) آن زمان را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و نسبت به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید، و به مردم نیک بگوئید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید. سپس شما جز عده کمی روی برتافتید و سرپیچی کردید (و از وفای به پیمانی که با خدا بسته بودید) روی گردان شدید.

هم چنان در ادای زکات هم با کتاب های قبلی موافق است الله تعالی میفرماید: {وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ} (3)

(ترجمه: و رحمت من فراخ است نسبت به هر چیز پس آن را می نویسم به آنانکه می ترسند و می دهند زکوات را و آنان که آنها به آیات های ما ایمان دارند و آنان اند که تابعداری می کنند رسول و نبی ناخان را آن که موجود یافتنش نوشته شده در تورات و در اینجیل.) در آیت قبلی از بنی اسرائیل پیمان ادای زکات را گرفته بود در این امت هم ادای زکات وجود دارد.

منهج قرآن اهل کتاب را به سوی اسلام فرا می خواند و محبت آنها به محمد - صلی الله علیه وسلم - و شهادت ایشان به خوبی آن: مردم یهود قبل از بعثت بر علیه مشرکین عرب طلب کمک می کردن به رسول الله علیه سلام. {وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ} (4).

(ترجمه: هنگامی که آمد ایشان را کتاب از طرف خداوند در حالیکه تصدیق کننده بود کتاب را که در نزد ایشان بود و بودن پیش از فرستادن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - طلب فتح می کردن بر آنان که کافر بودن پس هنگام که آمد ایشان را آنکه می شناختن آنها پس کفر کردن به آن سپس لعنت خداوند باد بر کافران.)

1- مائده: 48.

2- سوره بقره آیت (59)

3- {سوره اعراف آیت} (156-157).

4- سوره بقره آیت (89).

صفات محمد - صلی الله علیه وسلم - در کتاب های اهل کتاب هم وجود داشت در تورات و انجیل و حتی یهود و نصاری با آن محبت داشتن این همه دلالت به تصدیق نبی - صلی الله علیه وسلم - می کنند.

الله تعالی میفرماید: {الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} (1)

(ترجمه: آنانیکه دادیم ایشان را کتاب می شناسند رسول الله صلی الله علیه وسلم را به مثلی که می شناسند فرزندان خویشتن را و یقیناً یک گروه از ایشان پنهان می کنند حق در حال که می دانند کتمان حق نا درست است).

هم چنان نصاری منتظر بودن به بعثت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و الله تعالی خبر داده است و عیسی علیه سلام مژده داده بود بنی اسرائیل را به بعثت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - {وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُبِّشْرًا بِرَسُولٍ يَأْتِيهِ مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ} (2)

(ترجمه: وقتیکه گفت عیسی فرزند مریم ای بنی اسرائیل یقیناً من رسول خدا استم به سوی شما و باور دارم به چیزی که پیش روی من است از تورات و مژده می دهم به رسول که می آید بعد از من نام آن احمد است پس هنگام که آمد ایشان را گفتن این جادو آشکاراست).

این همه آیات ها دلالت می کنند به باور داشتن به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و شریعتش با ید محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم را تصدیق نموده با آن محبت کنیم.

این موضوع در احادیث هم تذکر بافته است :

«عن جبیر بن مطعم عن أبيه قال: سمعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - يقول: "إِنَّ لِي أَسْمَاءَ، أَنَا مُحَمَّدٌ، وَأَنَا أَحْمَدُ، وَأَنَا الْمَاحِي الَّذِي يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْكُفْرَ، وَأَنَا الْحَاشِرُ الَّذِي يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَيَّ قَدَمِي، وَأَنَا الْعَاقِبُ» (3)

(ترجمه: از جبیر بن مطعم روایت است و از پدر خود روایت می کند فرمودن شنی دم از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرمودن یقیناً برایم نام های است من احمد استم ، و من ماحی استم ، آنکه محو می کند الله تعالی به آن کفر را من حاشر استم آنکه حشر می کند مردم را بر پا هایم و من - آخری پیامبر استم-.

و در حدیث ورقه ابن نوفل تذکر شده است که ورقه ابن نوفل با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - اظهار محبت کرده بود ای کاش من زنده باشم که ترا کمک کنم به روایت حضرت عائشه - رضی

¹ - سوره بقره آیت (146)

² - سوره الصف الآية: 6.

³ - مسلم: ج4/شماره حدیث 1828 در کتاب الفضائل، باب في أسمائه صلی الله علیه وسلم.

الله عنها - در باب بدء الوحي آمده است اول ما بدئ به رسول الله صلى الله عليه وسلم «من الوحي الرؤيا الصادقة في النوم، فكان لا يرى رؤيا إلا جاءت مثل فلق الصبح، ثم حباب إليه الخلاء، وكان يخلو بغار حراء، فيتحنث فيه - وهو التعبد- الليالي ذوات العدد، إلى أن قالت: فأتت به خديجة ورقة بن نوفل، وكان قد تنصر في الجاهلية، وكان يكتب الكتاب العبراني، فيكتب من الإنجيل ما شاء الله أن يكتب، فقالت: اسمع من ابن أخيك، فأخبره رسول الله صلى الله عليه وسلم خبر ما رأى، فقال ورقة: هذا هو الناموس الذين نزل الله على موسى، يا ليتني فيها جذعاً، ليتني أكون حياً إذ يخرجك قومك، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم أومرجي هم؟ قال: نعم، لم يأت رجل قط بمثل ما جئت به إلا عودي، وإن يدركني يومك أنصرك نصراً مؤزراً، ثم (لم ينشب ورقة أن توفي)» (1)

ترجمه: از امام المومنين عائشه - رضي الله عنها - روایت است فرمودن اول آنچه كه آشكار شده بود به رسول الله - صلى الله عليه وسلم- از وحی خاب های صادقانه بود و بودن كه نمی دید هیچ خاب را مگر مثل پاره شدن صبح نتی جه میداد بعد از آن اختیار كرد گوشه گزینی را و بود كه خلوت گزینی می كرد در غار حراء و عبادت می كرد در آن شبها صاحب شمار تاكه می گوید خدیجه پس آوردم آن رابه نزد ورقه ابن نوفل و در جاهلیت نصرانی شده بود و به لفظ عبرانی كتاب هارا می نوشت از انجیل چه انداز كه الله خواسته بود نوشته می كرد پس گفت خدیجه به ورقه بشنو از برادر زاده ات پس خبردا د رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ورقه را از چیزی كه دیده بود پس گفت ورقه این رازی است الله تعالی نازل کرده بود بر موسی علیه سلام ای كاش من در آن وقت قوی باشم ای كاش من در آن وقت زنده باشم تا از تو حمایت كنم وقت كه تورا خارج می كنند قومت پس فرمود رسول الله - صلى الله عليه وسلم - كه آیا مرا قوم خارج می كنند فرمود بلی نیا ورده هیچ كسی مانند آنچه كه تو آورده ای مگر آن را تكلیف داده اند اگر دریا بی من را در روزی كه به پیغمبری مبعوث می شوی كمك می كنم تورا به قوی كمك كردنی بعد از آن درنگ تیر نكرد ورقه كه قبل از بعثت وفات نمود.

سلمان فارس - رضي الله عنه - واقعه خود را به همراه راهب كه وصیت می كند آن را به تابعداری رسول الله - صلى الله عليه وسلم - و خود هم شناخته بود حقانیت آنرا و محبت رسول الله هم در دلش جای گزین شده بود.

سلمان فارس - رضي الله عنه- می گوید: بودم يك مرد فارس از اهل اصبهان از قریه به نام [جی] گفتم راهب نصرانی را كه مرا وصیت كن و چه امر می كنی مرا در رابطه به تابع داری آن كسی كه دعوی نبوت را کرده است پس فرمود ای پسر قسم به خدا من نمی دانم در این وقت كه ما زندگی می كنیم كسی از مردم كه دیگران را امر كند به تابع داری خود مگر پیامبر می باشد كه

¹ - بخاری جلد 1/ ص 3-4 كتاب بدء الوحي، و باب كيف كان بدء الوحي به رسول الله صلى الله عليه وسلم. و مسلم 139/1

مردم را به چنین کار وادار می سازد امر می دهم ترا به تابع داری آن لاکن نزدیک شده زمان مبعوث شدن پیامبر در سر زمین عرب مبعوث می شود و به دین - ابراهیم علیه سلام - می باشد و مهاجر می شود به سر زمین در مابین دو کوه گرم درخت های خرما می باشد هدایا [یعنی تحفه] را می خورد و صدقه را نمی خورد در میان شانه هایش مهر نبوت است اگر تاقیت داری ملحق شوی به این شهر انجام ده این را⁽¹⁾.

شهادت مشرکین عرب و قائل شدن بر حقانیت ، صداقت و امانت داری محمد - صلی الله علیه وسلم - :

رای مردم عرب در حد اجماع به این بود که صادق و امانت دار است این را روایت بخاری تایید می کند به روایت ابن عباس - رضي الله عنه- زمانیکه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»⁽²⁾ - بترسان خیشا و ندان خود را - نازل شد بلند شد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بر بالای تپه صفا و آواز داد ای بنی عدی ای بنی فهر تا که جمع شدن و کسانى که حاضر نبودن کسی دیگر را روان کرد ابولهب هم حاضر شد و قریش هم حضور یافتند پس نبی - صلی الله علیه وسلم - فرمود بگوید اگر خبر دهم شمارا که یک قافله در پشت این تپه بر شما حمله می کند آیا باور و تصدیق می کنید من را مشرکین گفتن بلی چون ما در تو بدون از راستی چیزی دیگری تجربه نکرده ایم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود من بیم دهنده استم شمارا پیش روزی عذاب سخت پس گفت ابولهب [تَبَأْ لَكَ سَائِرِ الْيَوْمِ، أَلْهَذَا جَمَعْتَنَا؟] یعنی هلاکت با د برتو تمام روز برای همین ما را جمع نمودی سورت لهب نازل شد « تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ »⁽³⁾ (هلاک باد هر دو دست ابی لهب و یقیناً هلاک شد ند، دفع نکرد از آن عذاب را نه مالش و نه کسبش) .

مطلب هفتم : پیروی از پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - و اهدا به سیرت ایشان !

پیروی از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - رکن از ارکان ایمان است و در ضمن جزئی دوم کلمه تکمل می شود.

محبت بار رسول الله - صلی الله علیه وسلم - طور است که یکی از دیگر جدا نمی شود چون یکی بر دیگر لازم و ملزوم است این هر دو محبت یعنی محبت با الله تعالی و محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ضروری است و واجب است بر مخلوقات اتباع شریعت و همیشگی کردن به سنت محمد - صلی الله علیه وسلم - و یقین داشتن به این که اطاعت از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - اطاعت

¹ - بخاری: ج 1/ ص 32 کتاب وحی، باب چگونه شروع شد وحی به رسول الله صلی الله علیه وسلم) و مسلم: ج 3/ 1393 کتاب جهاد، باب کتاب نبی صلی الله علیه وسلم به هرقل.

² سورة: شعراء آیت: 124

³ بخاری همراه شرح فتح الباری ج 737/8 کتاب تفسیر، سورة { تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ } . و مسلم شرح النووي 83/3.

الله تعالی است و نافرمانی از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نافرمانی از الله تعالی است زیرا که این واسطه است در میان « الله » تعالی و مخلوقاتش در مسأله بیان احکام شریعت.
و محبت ما با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از جهت این است که ما الله تعالی را دوست می داریم.

اول: معنای لغوی اتباع: تبعه و تبعاعه یعنی آنچه که تو پیروی از آن می کنی مثلاً: و تابع عمله و کلامه اتقنه واحکمه (1).

بنا بر این کلمه اتباع کار برد دارد به معنای « اقتدا و اقتفاء » به عمل کسی دیگر و نزدیک به این [التأسی ، الاسوه] می باشد زمان که گفته می شود (تأسی به) تابع داری کردن از فعل آن (2).
امام راغب³ می گوید [اسوه و اسوه] مانند قدوه و قدوه است و آن حالت است که اینسان در آن اتباع غیر را می کند اگر نیک باشد و یا بد باشد خداوند می فرماید: { لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ } (4).
ترجمه: سرمشق و الگویی زیبایی در - شیوه پندار و گفتار و کردار - پیغمبر خدا برای شما است . برای کسانی که - دارای سه ویژگی باشند : - امید به خدا داشته ، و جویای قیامت باشند ، و خدای را بسیار یاد کنند .

و توصف شده به حسنه چون تابع داری رسول الله علیه سلام در أفعال و اقوال چه در موا فقت باشد یا مخالفت یعنی منع کرده باشد این یک امری حتمی و ضروری است (5).
درین ارتباط از آیات قرآن کریم را استدلال می کنیم .

انبیا روان شده اند تا از ایشان پیروی شود الله تعالی می فرماید: { وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا } (6)

ترجمه : و هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگر بدین منظور که به فرمان خدا از او اطاعت شود (پس اطاعت از او ، اطاعت از خدا ، و سرکشی از دستور او ، سرکشی از دستور خدا بوده است) . و اگر آنان بدان هنگام که - با نفاق و دروغگوئی و زیر پا گذاشتن فرمان خدا - به خود ستم می کردند ، به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می نمودند و پیغمبر هم برای آنان درخواست بخشش می کرد ، بیگمان خدا را بس توبه پذیر و مهربان می یافتند .

باید به فیصله پیغمبر قناعت باشیم الله تعالی میفرماید: { فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ

1- لسان العرب، (تبع) ، 8 / 27 - 32.

2- لسان العرب مادة (أسا) 4/ 34 36.

3- ابو قاسم حسین فرزند محمد معروف به راغب اصفهانی .

4- سورة احزاب، آیت ، 21

5- مفردات، ص 76

6- سورة النساء آیت (64).

بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا } (1).

ترجمه : اما ، نه ! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی‌آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم (قضاوت تو) باشند .

حذیفة - رضي الله - فرمود حدیث بیان رسول الله - صلی الله علیه و سلم - (أن الأمانة نزلت من السماء في جذر قلوب الرجال ونزل القرآن فقرأوا القرآن وعلموا من السنة) (2)

یقیناً امانت نازل شد در بیخ قلب های مردم و قرآن نازل شده پس بخوان قرآن را و بدانید از سنت مرة الهمدانی يقول قال عبد الله إن أحسن الحديث كتاب الله وأحسن الهدى هدى محمد - صلی الله علیه و سلم - وشر الأمور محدثاتها و { إن ما توعدون لآت وما أنتم بمعجزين } (3)

ترجمه: (مره همدانی می گوید که عبد الله ابن سعود فرمودن یقیناً بهترین سخن کتاب الله است و بهترین طریقه طریقه محمد - صلی الله علیه و سلم - است و بدترین امور بدعات است و یقیناً چیزی که به شما وعده داده شده است آینده است شما نیستین عاجز کننده آن یعنی از عذاب نجات یابنده . ابوالحسن البصری⁽⁴⁾ می فرماید : اقتداء به رسول الله - صلی الله علیه و سلم - گاه در انجام فعل می باشد و گاه در ترک انجام فعل می باشد [اقتدا در فعل انجام دادن فعل است به شکل که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آن را انجام داده است زیرا که رسول الله به همان طریقه را انجام داده است از آن مخالفت جرم است و تاسی در ترک یعنی نمی کنیم فعل را قسم که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آن را ترک نموده است .

وما این را شرط گذاشتیم چون که اگر نبی صلی الله علیه و سلم روزه بگیرد و ما نماز بخانیم در حقیقت ما اقتدا نکرده ایم زیرا از لحاظ نوعیت ما مخالفت کرده ایم مثال نبی علیه سلام روزه به طور وجوب گرفته است و ما نفلی بگیریم و یا آن نفلی گرفته است ما فرضی بگیریم در هر دو صورت ما مخالفت کردیم .

هم چنان در کیفیت فعل قسم انجام می دهیم که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - انجام داده بود مثلاً نماز بخوان مثلیکه رسول الله نماز خوانده است مثلیکه دونفر نماز بخواند هر دو به کیفیت رسول الله انجام دهند این هدف نیست از یک دیگر پیروی کردن هدف این است که هر دو از رسول الله تابعداری نموده اند به همین قسم در ترک فعل مثل ترک کردن نماز که رسول الله در وقت طلوع آفتاب آن را ترک کرده ما هم ترکش می کنیم زیرا که در این وقت ادایش نکرده است .

¹ - سوره النساء آیت (65).

² - بخاری ج 1 شماره حدیث (6132) .

³ - بخاری ج 1 شماره حدیث (5747) .

⁴ - أبو حسیین محمد بن علی طیب بصری تصانیف زیاد دارد: غرر الأدلة. شرح الأصول الخمسة. تاریخ بغداد للخطیب البغدادي ج 3/ ص 100

پیروی نبی - صلی الله علیه وسلم - در قول از لحاظ وجوب ، یا استحباب و یا منع نموده است به علت ازول مثل ترک کردن نماز تراویح به جماعت به شکل مداومت .

به قسم که در تاسی شرایط وجود داشت به همین قسم در اتباع هم وجود دارد زیرا که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - اگر روزه بگردد و ما نماز بخوانیم و یا روزه بگردد فرض و ما آنرا به نیت نفل بگیریم در هر دو صورت اتباع نکرده ایم (1).

ازین جهت اتباع در افعال عین تاسی است هر چه اتباع در اقوال امتثال است به وجه که تقاضا دارد آن قول از وجوب ، یا از استحباب و غیره (2)

در موافقه این شرط نیست که فعل دوشخص از جهت فعل آخر بوده باشد چون در اینجا مطلق مشارکت مطلوب است و هر چه در موافقه مقصوده اتباع ملحوظ است .

اما مخالفت گاه در قول است و گاه در فعل و یا در ترک فعل مخالفت در قول ترک امتثال آنچه تقاضا می کند قول از امر ونهی و مخالفت در فعل عدول کردن از عمل و فعل به شکل وجوبش و مخالفت در ترک فعل انجام دادن فعل رابه وجه عبادت و حالا آن که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آنرا ترک کرده است از جهت نه مشروع بودنش.

اتباع و پیروی از لحاظ زمان و مکان:

آمدی (3) می گوید: اگر فعل واقع شود در مکان و زمان مخصوص این ارتباط ندارد به متابعت و به تاسی برابر است که تکرار شده باشد یا نشده باشد مگر اینکه دلیل اختصاص به عبادت موجود باشد مثل اختصاص حج در عرفات یا مثل اختصاص نماز در اوقات معین و روزه در رمضان (1) .

ارتباط زمان و مکان تعلق دارد به صحت فعل از خطای واقع شده در زمان و مکان سنت هم است و بدعت هم است و فاعل آن هم متبع است و هم مبتدع هر گاه شارع این را مطرح دانسته یعنی اهمیت زمان و مکان را به نیت عبادت و ما هم قصد آن را داشته باشیم ما متبع استیم و اگر شارع آن را تخصیص نکرده باشد زمان و مکان را ما میس کنیم ما مبتدع استیم .

ابن تیمیه 4 این را بیشتر وضاحت داده و می فرماید : جای راکه شارع آنرا تخصیص داده است به شکل عبادت به قسمی که آن را انجام داده است رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آن را ما هم تخصیص می دهیم مثل طواف کردن در اطراف کعبه ، و استلام حجر اسود ، نماز خواندن در پشت مقام ابراهیم ، نماز خواندن در پشت ستون های مسجد مدینه و قصد بلند شدن بر صفا و مروه در آنجا

1- معتمد: ابو حسن بصري، تحقیق محمد حمید و آخرون، ناشر المعهد العلمي الفرنسي للدراسات العربية. دمشق، 1384هـ ج 1/ 372 - 374.

2- أبو حسن سيف الدين علي فرزند محمد سالم تغلبي امدی (551-631هـ) . از تصانیف آن الاحكام في أصول الأحكام: طبقات الشافعية از سبكي، ج 5/ 129. ولسان الميزان از ابن حجر، ج 3/ 134.

3- علي فرزند أبي علي فرزند محمد فرزند سالم امدی (متوفی : 631هـ)

4- حمد فرزند عبد الحلیم فرزند تیمیه حرانی متوفی (728هـ) ناشر مکتب اسلامي، عمان، اردن طبع: پنجم، 141هـ/1996م

دعا و ذکر کردن و عرفه و رفتن به مزدلفه مثل نزول و پایان شدن در مکان خاص و عبادت کردن مثلا نماز خواندن در آن مکان به شکل اتفاقی پایان شدن به قصد نماز نبوده اگر ما تخصیص را به نماز فکر کنیم ما متبع نستیم بلکه این از بدعات است منع کرده بود حضرت - عمر رضی الله عنه - از چنین کارها را (1).

از این جا معلوم می گردد که اتباع -نبی صلی الله علیه وسلم - اقتدا کردن است به آن در اقوال و افعال به وجه که آن را انجام داده است از وجوب، مستحب و اباحت به همراه قصد و نیت در تابع داری خود و ما در باب عبادت اتباع به افعال نبی صلی الله علیه وسلم زیرا مدار اعتبار در پیروی از - نبی صلی الله علیه وسلم -

افعال نبی - صلی الله علیه وسلم - به سه دسته تقسیم شده اند در نزد اصولیین :

اول : افعال جبلیه - عادیه - مثل قیام ، قعود ، خوردن ، نوشیدن و غیره این افعال حمل میباشند به اباحت نسبت به نبی - صلی الله علیه وسلم - و امتش در این نوع افعال واجب نیست بر ما اقتداء کردن در نزد جمهور الا اینکه در سنت به آن ایشاره و راه نمای شده باشد بعض هیأت را از افعال عادیه و اینتقال شده حکم آن از اباحت به سوی وجوب و یا استحباب طوریکه در نزد فقهاء وجود دارد میثال آن خوردن، نوشیدن و خاب کردن به دست راست (2).

و بعض علما می گویند در این افعال هم تآسی به نبی - صلی الله علیه وسلم - مستحب است عبد الله ابن عمر - رضی الله عنه - این نوع افعال را هم متابعت می کرد و حرص می کرد در متابعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در هر آنچه که از ایشان صادر می شد اگر چه رسول الله مبارک این کار را اتفاقی انجام داده بود بدون قصد ولی جمهور صحابه خلاف این نظر بودن شیخ الإسلام ابن تیمیه می فرماید که اصل در متابعت این است عملی شود کاری که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - انجام داده است از جهت کردن رسول الله مبارک آن را از اباحت، وجوب و یا مستحب تا زمان که از خصوصیت های خودش نباشد (3).

دوم : افعال که دانسته می شود از خصائص آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - است اصول بین در باب خصائص نبی - صلی الله علیه وسلم - امور از مباحات، واجبات و محرمات را ذکر کرده اند بعض متفق علیه و بعض متنازع فیه از جمله مباحات در حق نبی - صلی الله علیه وسلم - مثل از چهار زن زیادتر، و نکاح بدون مهر و از واجبات وجوب تهجد و قیام الیل ، و از محرمات خوردن صدقه و خوردن اشیاء بوی گین مثل سیر و پیاز این همه از جمله خصوصیات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - استند در اینها هیچ کس شریک شده نمی تواند و اقتدا کردن هم لازم نیست.

¹ -قاعدة جلیلة، ص 105-106.

² - إرشاد فحول، از محمد فرزند مبارکی، ج 1، مطبعة مصطفی حلبی متوفی 1356 (35)

³ - قاعدة جلیلة، ص 105-106.

امام شوکانی - رحمه الله - می فرماید (1) حق این است که اقتدا کرده نمی شود به نبی - صلی الله علیه وسلم - در چیزی های که تصریح شده برای مان که این خاص است به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در هر چیزی ثابت بوده مگر اینکه شریعت به ما خاص کند (2) .

مثلا زمان گفته شود این بر من واجب است به شما مستحب است انجام دادن این فعل به ما از جهت ارشاد است نه از خاطر واجب بودن اتباع و زمان که بگویند این مباح است و یا حلال است برای ما زیاد کرده نمی توانیم که این به ما هم مباح و حلال است اما زمان که گفته شود که این تنها به من حرام است و نه گوید که به شما حلال است باکی نیست از اجتناب کردن آن و اگر گفته شود این بر من حرام است و حلال است بر شما جایز نیست این که تواز او اجتناب کنی و در ترک حلال تقوی نیست (3).

سوم : أفعال است که خالی از تخصیص و غرض تشریح است در این صورت اقتدا لازم است در آن و باید صفتش شرعی باشد و حالاتش مختلف می باشد از لحاظ واجب ، مستحب و مباح بودن به حسب احوال به دیدن قرائن .

اگر جای بیان از برای مجمل باشد ، یا تقید از برای مطلق باشد ، یا تخصیص از برای عام باشد و یا امثال از برای امر باشد در نصوص که بیشتر بیان نمودیم از وجوب ، مستحب و مباح و این معلوم می شود یا به تصریح قول مثل قوله - صلی الله علیه وسلم - : « صلوا کما رأیتُمونی أصلي » (4) : « خذوا عني مناسککم » (5) و یا به قرائن احوال دانسته می شود مثل قیام نبی - صلی الله علیه وسلم - برای انجام دادن کار نیک برای وضاحت در وقت حاجت مثل قطع دست دزد از بند دست زیرا این بیان است برای قول الله تعالی: { وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا } (6) در این حالت بیان تابع مبین است در حکم از حیث وجوب ، مستحب و اباحت.

اگر فعل از برای بیا امر نباشد بل که ابتداء نازل شده باشد یا صفت شرعی است یا نه اگر معلوم باشد وجوب ، استحباب ، اباحت امت هم در قبال هم چنان می باشند و این قول درست است قسمی که امام شوکانی اشاره کرده اند (7) .

و دلیل این قرآن و فعل صحابه رضوان الله علیهم اجمعین است:

الله تعالی میفرماید { وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا } (1)

1- هو محمد بن علي بن محمد الشوكاني (1173-1255 هـ) محدث أصولي فقيه، مجتهد، كان من كبار علماء اليمن في عصره، الأعلام، 6 / 298.

2- امام شوکانی به این کلام خود رد می کند کسی که خصائص نبی صلی الله علیه وسلم را در واجبات مستحبات و محرمات می داند نه در مباحات.

3- ارشاد الفحول، ص 35 - 36.

4- بخاري كتاب الأذان. باب الأذان للمسافر إذا كانوا جماعة والإقامة 1 / 162 - 163.

5- مسلم في كتاب حج. باب استحباب رمي جمره عقبه يوم نحر راکبا 2 / 493.

6- {سورة المائدة، آیت (38)}

7- ارشاد الفحول، ص 26.

چیزهایی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید ، و از چیزهایی که شما را از آن بازداشته است ، دست بکشید .

قوله تعالى: { فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ } (2)

آنان که با فرمان او مخالفت می‌کنند ، باید از این بترسند که بلائی - در برابر عصیانی که می‌ورزند - گریبانگیرشان گردد ،

قوله تعالى: { لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ } (3)

سرمشق و الگویی زیبایی در - شیوه پندار و گفتار و کردار - پیغمبر خدا برای شما است .
وصحابه کرام به أفعال نبی - صلی الله علیه وسلم - احتجاج واقتداء می کردن در مواضع زیادی مثل فعل عمر بن الخطاب - رضي الله عنه - در بوسه گرفتن حجر اسود .

« لولا أني رأيت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - يقبلك ما قبلتك » (4)

ترجمه: اگر نمی دیدم من رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را که بوسید تورا من هم نمی بوسیدم تورا .

اگر در صورت صفت فعل شرعی مجهول باشد دیده می شود که قصد قربت در آن وجود دارد یاخیر اگر موجود باشد قصد قربت به اینکه خود را به خدا نزدیک می کند مثل دورکعت نماز بدون مواظبت ، دلالت می کند به مستحب بودن زیرا درزندگی به طرف خداوند تورا نزدیک می سازد اگرچی بعض دیگر آن را واجب دانسته اند (5) .

واگر در آن قصد قرب هم نباشد بل که خالی باشد باز هم لابدی است که در آن قرب وجود داشته باشد واندک چیزی که تورا به خدا نزدیک می سازد مستحب است و بعض می گویند که دلالت می کند به مستحب بو دن ولی قول فیصل این است که توقف می کنیم تا زمان که دلیل بروجوب ویا استحباب قائم شود (6) .

تابع داری رسول الله - صلی الله علیه وسلم - امر حتمی است چون الله تعالی به صدق ، عصمت و به امانت داری اش گواهی می دهد و به تابعداری خود هدایت می دهد .

¹ - {سوره حشر: آیت 7}

² - سوره نور آیت (63)

³ - {احزاب: 21}

⁴ - بخاری، کتاب حج، در باب ذکر حجر اسود، ج 2 / 183. ومسلم کتاب حج درباب مستحب بودن بوسه گرفتن از حجر اسود در طواف ج 2 / 295.

⁵ - إرشاد الفحول، ص 38.

⁶ - همان نفس، ص 38.

از برای هر مومن لازم است که از الله تعالی و از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - اطاعت کند در این مورد آیات زیاد وارد شده است. الله تعالی میفرماید: **{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ }** (1)

(ترجمه: ای مؤمنان! از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کنید، و از پیغمبر روگردان نشوید، در حالی که شما (آیات قرآن را - می شنوید - و می بینید که آشکارا امر به وجوب اطاعت از او می کنند

{ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ } (2)

(ترجمه: کسی که اطاعت الله و رسول را کند داخل می شود جنت را جاری می شود از تحت آن نهرها همیشه می باشد در آن این است کامیابی بزرگ. بر مومن ها واجب است که فیصله خویش را به کتاب الله و به سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - پیش کنند در وقت کشمکش های خود و این را الله متعال از مقتضیات ایمان و لوازمات آن گردانیده است و این در عاقبت و آینده برای شان بهتر است.

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ } (3)

ترجمه: - ای آنان که ایمان آورده اید اطاعت کنید از الله و از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - . این کثیر می گوید. « أَطِيعُوا اللَّهَ » أي « اتبعوا كتابه، » یعنی اطاعت کتاب الله تعالی را کنید. **{ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ }** أي « خذوا بسنته، » یعنی به سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - عمل کنید.

و در این مورد احادیث زیاد موجود است:

اول: عن أبي هريرة أن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قال: (كل أمي يدخلون الجنة إلا من

أبي) . قالوا يا رسول الله ومن يأبي؟ قال (من أطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد أباي) (4)

ترجمه: از ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است یقینا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودن هر امتی من و ارید جنت می شود مگر کسی که از جنت رفتن اینکار کند فرمودن صحابه کرام فرمودند کی اینکار میکند از جنت رفتن؟ ای رسول الله فرمودن کسی که اطاعت من را کند داخل جنت می شود و کسی که نافرمانی کند از جنت رفتن اینکار کرده است).

دوم: عن جابر بن عبد الله يقول: جاءت ملائكة إلى النبي صلى الله عليه وسلم وهو نائم فقال بعضهم إنه نائم وقال بعضهم إن العين نائمة والقلب يقظان فقالوا إن لصاحبكم هذا مثلا فاضربوا له

1- {سورة انفال، آیت (20)}

2- {سورة نساء، آیت (13)} .

3- {سورة نساء، آیه (59)} .

4- بخاری / 94 / رقم 7276

مثلا فقال بعضهم إنه نائم وقال بعضهم إن العين نائمة والقلب يقظان فقالوا مثله كمثل رجل بنى دارا وجعل فيها مائدة وبعث داعيا فمن أجاب الداعي دخل الدار وأكل من المائدة ومن لم يجب الداعي لم يدخل الدار ولم يأكل من المائدة فقالوا أولوها له يفقهها فقال بعضهم إنه نائم وقال بعضهم إن العين نائمة والقلب يقظان فقالوا فالدار الجنة والداعي محمد صلى الله عليه وسلم فمن أطاع محمدا صلى الله عليه وسلم فقد أطاع الله ومن عصى محمدا - صلى الله عليه وسلم - فقد عصى الله ومحمد صلى الله عليه وسلم فرق بين الناس (1) .

ترجمه : از جابر بن عبد الله - رضي الله عنه - روایت است می فرماید آمدن ملائکه ها به حضور - نبی صلی الله علیه وسلم - در حال که خاب بود پس یک از آنها فرمود پیغبر - صلی الله علیه وسلم - خواب است و فرمود دیگر آن که چشم هایش خاب و قلبش بیدار است پس گفتن برای صاحب شما یک مثال است میثال را بیان کنید برایش بعض گفتن این خاب است و بعض دیگر گفتن چشم هایش خاب ا و قلبش بیدار است پس گفتن میثال آن مانند مثال شخص است که جور می کند خانه ای را و آماده کند در آن طعام را و روان کند دعوت گر را (تا نان بخورد) پس کسی که اجابت کرد داعی را داخل خانه می شود و از نا مستفید شده می خورد و اگر اجابت نکند داخل خانه نمی شود و از نان بی بهره می ماند پس گفتن این را تفسیر کنید برایش تا که بداند آن را یعنی (مثال را) پس گفتن این خاب است و بعض دیگر گفتن چشم هایش خاب است ولی دلش بیدار است پس فرمودن خانه جنت است و داعی محمد - صلی الله علیه وسلم - است پس کسی که محمد - صلی الله علیه وسلم - را اطاعت کند به تحقیق اطاعت الله تعالی را کرده است و کسی که نافرمانی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را کند یقینا نافرمانی الله تعالی را کرده است و محمد - صلی الله علیه وسلم - جدای آرنده است در میان مطیع و عاصی از مردم.

یعنی در اطاعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چنین یک چیز وجود دارد اطاعت از رسول الله صلی الله علیه وسلم سبب است از برای دخول جنت و نافرمانی از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - باعث دخول جهنم می شود.

اطاعت فرمان روای از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به قدری طاقت ضروری است رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرماید:

سوم: عن أبي هريرة : عن النبي صلى الله عليه وسلم قال (دعوني ما تركتكم إنما أهلك من كان قبلكم سؤالهم واختلافهم على أنبيائهم فإذا نهيتكم عن شيء فاجتنبوه وإذا أمرتكم بأمر فأتوا منه ما استطعتم) (2)

¹ -بخاری ج 1 / ص 92 / شماره 7280

² بخاری کتاب اعتصام باب اقتداء به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم جلد 6 / ص 2654 / رقم 6854 .

ترجمه: (از ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است که فرمود رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بگذارید به آنچه که شمارا هدایت می دهم یقینا هلاک شدن کسانی که پیش از شما بودن به سوالات بی ضرورت شان و اختلاف بر انبیاء شان پس وقت که نهی کردم شمارا از چیزی از او اجتناب کنید و وقت که امر می کنم شما را به چیزی پس آن را عملی کنید چه انداز که طاقت دارید .

امام مسلم این حدیث را در باب فضائل آورده است در ارتباط به تعظیم و توقیر نبی - صلی الله علیه وسلم - و منع نموده از سوالات بی مورد (ما استطعتم) به قدر استطاعت این معنی بعد از حد عمل واجب که لابدی است زیات تر عمل کردن امام نووی می فرماید که از قواعد اسلام است وجوامع الکلم به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - داده شده است و در این داخل می شود احکام زیاد که به شمار نمی آید.

چهارم: عن أبي موسى رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: (إنما مثلي ومثل ما بعثني الله به كمثل رجل أتى قوما، فقال: يا قوم إني رأيت الجيش بعيني، وإني أنا النذير العريان، فالنجاء، فأطاعه طائفة من قومه، فأدلجوا، فانطلقوا على مهلهم، فنجوا، وكذبت طائفة منم فأصبحوا مكانهم فصبحهم الجيش، فأهلكهم واجتاحهم، فذلك مثل من أطاعني فاتبع ما جئت به، ومثل من عصاني وكذب بما جئت به من الحق)⁽¹⁾

ترجمه : (از ابی موسی - رضی الله عنه- روایت است از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نقل نموده است فرمود یقینا مثال من و مثال آنچه که الله من را فرستاده است میثال شخص است که بیاید به قوم و بگوید ای قوم من یقینا من دیده ام لشکری را به چشم خود و یقینا من ترساننده آشکارا استم پس نجات دهید خود را، اطاعت کند یک طایفه از قوم در تاریکی شب حرکت کند از محل خود و نجات یابند و تکذب کند طایفه دیگری از ایشان ماند گار شوند و صبح کنند در جای خود و در وقت صبح حمله کند دشمن پس هلاک کند ایشان را و بیخ کن کند آنها را پس این است میثال کسی که اطاعت من را می کند پس تابع داری کنند شریعت را که من آورده ام و میثال کسی که نافرمانی می کند از من و تکذب می کند چیزی را که آورده ام از حق - .

مراد از ابا دراین جا امتناع از التزام سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است و نافرمانی هم از امرش اگر موصوف به ابا کافر با شد هرگز داخل جنت شده نمیتواند اگر مسلمان باشد به دخول اولی داخل جنت نمی شود مگر این که الله بخواهد⁽²⁾

¹ - بخاری، کتاب اعتصام در باب اقتداء سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم) ج 9 / 115، و مسلم، کتاب فضائل، در باب شفقت محمد صلی الله علیه وسلم بر امتش ج 14 / شماره حدیث 788-1789
² - فتح الباری، ج 13 / 254.

پنجم: عن العرياض بن سارية قال: (صلى بنا رسول الله صلى الله عليه وسلم الصبح ذات يوم ثم أقبل علينا فوعظنا موعظة بليغة ذرفت منها العيون ووجلت منها القلوب فقال قائل يا رسول الله كأن هذه موعظة مودع فماذا تعهد إلينا، فقال: أوصيكم بتقوى الله، والسمع والطاعة وإن كان عبدا حبشيا، فإنه من يعش منكم بعدي فسيرى اختلافا كثيرا فعليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين فتمسكوا بها وعضوا عليها بالنواجذ، وإياكم ومحدثات الأمور فإن كل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة) (1)

ترجمه : (ازعرباز بن ساريه (رضى الله عنهما) روایت است فرمود نماز خواند به ما رسول الله صلى الله عليه وسلم نماز صبح را یک روز از روزها بعد از آن روی به روی شد به ما پس وعظ کرد مارا به وعظ کردن بلیغ ، کافی و شافی که از آن آب های دیده جاری شدند و قلب ها تر سیدن پس گفت گوینده ای رسول الله گویا این وعظ و نصحت آخری است پس چه تعهد می گیری از ما رسول الله صلى فرمود وصیت می کنم شمارا که بترسید از خدا به شنیدن و به اطاعت کردن اگر چه غلام حبشی باشد پس یقینا کسی که زنده بماند از شما بعد از من می بیند اختلاف زیاده را پس لازم بگیرد به خود سنت مرا و سنت خلفای راشدین را که هدایت یافته اند پس تمسک کنید به آن و محکم بگیرد به دندان ها خود داری کنید از محدثات امور یعنی از بدعات ، خرافات و از تابعداری هوی و هوس رسم و رواج گمراه کننده پس یقینا هر چیزی نو پیدا که در دین جای ندارد بدعت است و هر بدعت گمراه است.)

ابن رجب می گوید: این اخبار است از طرف نبی صلی الله علیه وسلم به آنچه که واقع می شود بعد از آن در امتش از کثرت اختلاف در اصول، فروع، اعمال، اقوال و اعتقادات دین این موافق است به آن روایت که امت به هفتاد دو گروه تقسیم می شود همه در آتش اند مگر یک گروه نجات یافته است و او آنان اند که من و صحابه کرام بر آن روان استند (2)

ازین جهت در این حدیث امر کرده است به تمسک کردن به سنت خود و به سنت خلفای راشدین بعد از سر خود در وقت اختلاف و افتراق ، و سنت راه رفتار شده را گویند و شامل است راه روش نبی صلی الله را و از خلفای راشدین را از اعتقادات، اعمال و اقوال این پوره طریقه است .

¹ - مسند احمد ج 4 / ص 127، و ابو داود. در السنة، باب لزوم السنة ج 5 / 13 - 15 و ترمذی در اللحم، باب ما جاء في اخبال سنة واجتناب بدعه، 4 / 149 - 155، آورده است حدیث را حاکم در مستدرک علی صحیحین ج 1 ص 174 صحیح قرار داده است و در سند حدیث عبد الرحمن بن سلمی است آن از جمله روایت بخاری است .

² - اشاره می کند به حدیث افتراق امت که لفظ چنین است " ألا إن من قبلكم من أهل الكتاب افترقوا على ثنتين وسبعين ملة، وإن هذه الملة ستفترق على ثلاث وسبعين ثنتان وسبعون في النار وواحدة في الجنة، وهي الجماعة،) أبو داود در کتاب سنت باب شرح سنت ج 5 / ص 65 و امام احمد در مسند ج 4 / 105، و حاکم نقل کرده و صحیح قرار داده است آن را ذهبی 1 / 128 ..

ششم: عن المقدم بن معدي كرب عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أنه قال: «ألا إني أوتيت الكتاب ومثله معه، ألا يوشك رجل شعبان على أريكته يقول: عليكم بهذا القرآن فما وجدتم فيه من حلال فأحلوه وما وجدتم فيه من حرام فحرموه، ألا لا يحل لكم لحم الحمار الأهلي، ولا كل ذي ناب من السبع، ولا لقطه معاهد إلا أن يستغني عنها صاحبها، ومن نزل بقوم فعليهم أن يقروه، فإن لم يقروه، فله أن يعقبهم بمثل قراه»⁽¹⁾

ترجمه: (از مقدم بن معد يکرب روایت است از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نقل می کند یقیناً فرمود آگاه باشید یقیناً من را داده شده است کتاب ومانند آن را با آن با خبر نزدیک شخص سیر بر چهار پای خود می گوید لازم بگیری به خودقرآن را چیزی را از حلال آن را حلال بدانید و چیزی را موجود می یابید از حرام آن را حرام بدانید با خبرحلال نیست به رای شما گوشت خر اهلی و نه هر صاحب ناخن از درنده و نه گم کرده معاهد مگر این که صاحبش از آن بی پروا باشد و کسی که به مهمان می شود پس بر آنها لازم است که مهمان نوازی کنند آنرا پس اگر مهمان نوازی نکردن برایش جایز است تعقب کند و بگیرد از آنها به مثل مهمانی خود.)

امام خطابی رحمه الله: می فرماید این حدیث احتمال دومطلب را دارد اول این که داده شده آن را وحی باطن غیرمتلو مثل داده شدن ظاهر متلو. دوم: داده شده آن را کتاب وحی تلاوت می شود و اجازه داده شده به آن از بیان چیزی که در کتاب است عام است و یا خاص و زیاد کند بر آن چیزی را که در آن نیست و این دروجوب حکم است و لازم العمل است مانند ظاهر متلو ازقرآن⁽²⁾

و در این حدیث تحذیر شدید ذکر شده برای کسی که مخالفت سنت را می کند و اکتفا می کند به قرآن .
هفتم: عن سعيد بن جبیر أنه حدث عن رسول الله صلى الله عليه وسلم حديثاً فقال رجل: (إن الله قال في كتابه كذا وكذا، فقال: لا أراك تعارض حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم بكتاب الله عز وجل، رسول الله أعلم بكتاب الله عز وجل سبحانه وتعالى)⁽³⁾

ترجمه: (از سعید بن جبیر- رضی الله عنه - روایت است یقیناً حدیث بیان نموده از رسول الله - صلی الله علیه وسلم- حدیث را فرمود شخص: یقیناً الله تعالی در کتاب خود فرموده است چنین وچنان پس فرمود سعیدبن جبیر - رضی الله عنه - من نمی بینم در قرآن تعارض حدیث رسول الله را به کتاب الله تعالی و رسول الله - صلی الله علیه وسلم- به کتاب الله عزوجل بهتر می داند.

¹ - سنن أبي داود. در کتاب سنت، و باب لزوم به سنت، ج 5 / ص 12. و حدیث را امام احمد بن حنبل صحیح گفته است و رجالش ثقة استند و صحیح اند غیر از عبد رحمن بن عروف الجروفي از جمله رجال ابوداود و نسای است و ثقة است.

² - معالم السنن از خطا بی بهامش سنن أبي داود، ج 5 / ص 10.

³ - مسلم. کتاب الإمارة. در باب قوله صلى الله عليه وسلم: لا تزال طائفة من أمتي ظاهرين ج 3 / ص 1523.

هشتم: وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ فِي أُمَّةٍ قَبْلِي إِلَّا كَانَ لَهُ مِنْ أُمَّتِهِ حَوَارِيُّونَ وَأَصْحَابٌ يَأْخُذُونَ بِسُنَّتِهِ وَيَقْتَدُونَ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِنَّهَا تَخْلَفُ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلُوفٌ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ فَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِيَدِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِلِسَانِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِقَلْبِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ حَبَّةٌ خَرْدَلٍ» (1).

(ترجمه: از عبد الله بن مسعود - رضي الله عنهما- روایت است یقیناً رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودن نیست هیچ پیغمبری گماشته شده در امت خود قبل از من مگر اینکه مدد گار داشته است از امتی هایش واصحاب که عمل می کنند به سنتش واقندا می کنند به امرش بعد از آن مرد مان است که جا نشینی می کنند بعد از ایشان میگو یند چیزس را که خود نمی کنند ومی کنند چیزی را که امر نه شده اند پس کسی که جهاد کند با آنها به دست خود آن مومن است کسی که جهاد کند با آنها به زبان خود آن مومن است وکسی که جهاد کند به قلب خود آن مومن است نمی باشد علاوه از آن ایمان به انداز دانه سپند.

مطلب هشتم : تحاکم به سنت و شریعت محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - .

چون رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بیان کننده امورسالت ، و توضیح دهنده آن است چیزیرا که از جانب خداوند مبعوث گردیده است ازین جهت باید محاکمه و فیصله به سنت و شریعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - صورت گیرد. وسراج منیر ازبرایش گفته است ازجهت وضاحت امروبیان نبوت خویش درقلب مومن ها (2)

الله تعالی میفرماید { فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ } (3)

ترجمه : - ما ، نه ! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند.

دراین جا نفی ایمان شده است به فیصله نه کردن و راضی نه بودن به فیصله نبی - صلی الله علیه وسلم - واین غایه فرض است بر مومنین « لَا يُؤْمِنُونَ » در لا یؤمنون قاسمی می گوید که مراد ازین ایمان کامل است « حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ » امام رازی (4) می گوید: به این قسم اشاره است که برای صفت ایمان سه شرط است اول : در هر اختلاف و معامله توسط رسول الله - صلی الله علیه وسلم - باید فیصله صورت بگیرد یعنی [به قرآن و سنت] این عمل است و علامه است از برای

¹ - مُسْلِم ج 1/ص 34 شماره 157)

² - الشفا من حقوق المصطفى/ ص 160.

³ - سورة النساء آیت 65)

⁴ - أبو عبد الله محمد فرزند عمر فرزند حسن فرزند حسین تیمی رازی ملقب به فخر الدین رازی خطیب ری (متوفی: 606هـ).

ایمان قلبی « شَجَرَ » این ماده دلالت می کند به اختلاط و اختلاف به مثل که شاخ در میان یک دیگر داخل شده است هم چنین کلام مردم در وقت اختلاف در میان یک دگر داخل می شود. و این هر قسم اختلاف را شامل است اگر از علما باشد و یا از عوام باشد در مسائل دینی باشد و یا دنیای باشد.

دوم شرط { ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ } مراد از این حصول یقین است در دل به صحیح و حق بودن فیصله رسول الله علیه سلام یعنی این عمل و فیصله به ایمان قلبی پی وست است تنها به تحکیم رسول الله ایمان حاصل نمی شود به تصدیق قلبی « أَنْفُسِهِمْ » مراد از این قلب است « حَرَجًا » حرج به معنای خفگی یعنی در فیصله رسول الله - صلی الله علیه وسلم - خفه و غمگین نباشید. یا به معنای شک است یعنی در فیصله رسول الله شک و شبه نداشته باشید. « مِمَّا قَضَيْتَ » و یا این لفظ شامل است هر صحیح حدیث را ظاهر و باطنا باید قبول شود و از برای رد آن حيله و تاویلی تلاش نه کنند از برای تعصب مذهبی قیسم که این حالت متعصبین است که به حدیث و اهل حدیث دشمن استند آن « وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا » . یعنی هر شخص که در دل به یک حکم یقین بیاید باز هم از جهت ضد و عناد از آن خلاف می کند به این الفاظ ثابت کرد که باید ظاهر خود را به باطن خود موافق بسازد¹.

چون قرآن کریم نزولش بخاطر تبیین و تبیین است برای مردم: الله تعالی میفرماید: { وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ } (2)

ترجمه: و نازل کرده ایمبر تو ذکر را (یعنی قرآن را) تا که بیان کنی آن را برای مردم آنچه را که نازل کرده شده به سوی ایشان تا که ایشان فکر بکنند.

الله تعالی میفرماید: { إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا } (3)

ترجمه: - ما کتاب (قرآن را که مشتمل بر حق و بیانگر هر آن چیزی که حق است - به حق بر تو نازل کرده ایم تا - مشعل راه هدایت باشد و بدان - میان مردمان طبق آنچه خدا به تو نشان داده است داوری کنی ، و مدافع خائنان مباش).

دوم: از برای بنده اختیار وجود ندارد که هر گیز به نفس خویش فیصله کند بلکه حکم نبی - صلی الله علیه وسلم - است و این از قبیل فیصله بادر بر غلام خود و یا پدر بر بچه خود است و برای نفس کدام تصرف و اختیار وجود ندارد و تصرف را به فیصله رسول الله - صلی الله علیه وسلم - دارد که به نفس ایشان اولی تر است. واضح شد ازین که بر هر مومن واجب است در فیصله هر چیز حکم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را مقدم بدانند به هوا و هوس خود (2).

¹ - تفسیر رازی ج 10 ص 128

² - سوره نحل : 44

³ - سوره نساء آیت 105

مطلب نهم : رضایت به شریعت محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - .

به شریعت خدا و رسول انسان با ید راضی و خویش باشد و از شریعت خدا سر پیچی نکند چون رسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبوب و راه نمای و شفاعت کننده است در آخرت از برای متبیین خود.

از اینکه دین اسلام دین کامل است و الله تعالی آن را برایمان اختیار نموده است باید راضی باشیم الله تعالی میفرماید: {الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا} (1)

امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و - با عزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گمهایتان - نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خدایسند برای شما برگزیدم .

شریعت و دین که کامل و شامل است همانا دین اسلام است و خداون این دین را برای مان اینتخاب نموده است و به انتخاب الله جل جلاله باید راضی باشیم. زیرا بدون اسلام رضایت نشان دادن درست نیست این جا خداوند میگوید که بریتان اسلام رابه صفت دین انتخاب نمودیم .

عَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى عُمَرَ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ آيَةٌ فِي كِتَابِكُمْ تَفْرَعُ وَنَهَا لَوْ عَلَيْنَا أَنْ نَزَلَتْ مَعْشَرَ الْيَهُودِ لَاتَّخَذْنَا ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدًا، قَالَ: وَأَيُّ آيَةٍ؟ قَالَ: " الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا " فَقَالَ عُمَرُ: إِنِّي لِأَعْلَمُ الْيَوْمَ الَّذِي أَنْزَلْتُ فِيهِ [وَالْمَكَانَ الَّذِي أَنْزَلْتُ فِيهِ (1)

، نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِعَرَفَةَ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ. از طارق ابن شهاب نقل است آمد مرد از یهود به حضور حضرت عمر - رضي الله عنه- وگفت ای امیرالمومنین در کتاب شما آیت است که آن را قرأنت می کنید اگر به ما نازل شود آن روز را عید می گیریم حضرت عمر - رضي الله عنه - فرمود کدتم آیت است یهودی فرمود { الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا } حضرت عمر فرمود من می دانم روز نزول آن را و مکان نزول آن را به نبی - صلی الله علیه وسلم - نازل شده در عرفات در روز جمعه .

باید که انسان بدون از دین اسلام که به آن راضی باشد دین دیگر را طلب نکند زیرا قابل قبول الله تعالی نیست: الله تعالی میفرماید: {وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ} (2)

ترجمه : و کسی که غیر از (آئین و شریعت) اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی شود ، و او در آخرت از زمره زیانکاران خواهد بود.

1-سوره مائده آیت 3.

2-سوره آل عمران 85.

بدون از دین اسلام ادیان دیگر همه ادیان گمراهی اند و خداوند آنها را قبول نمی کند. الله تعالی میفرماید: {أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبُغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ} (1) ترجمه: آیا جز دین خدا را می جویند (که اسلام است)؟ ولی آنان که در آسمانها و زمینها از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر او تسلیمند و به سوی او بازگردانده می شوند

دین اسلام دین است که همه مخلوقات آن را پذیرفته اند به خوشی و به نا راحتی: الله تعالی میفرماید این کثیر میگوید که هدف این است که فیصله را توسط تو می کنند در باطن اطاعت دارند و به طور کلی تسلیم استند بدون ممانعت و منازعه و علامه آلوسی فرموده است آیت به زمانه تنبی - صلی الله علیه وسلم - خاص نیست بلکه فیصله آن مرا همه شریعت است جعفر صادق می گوید که یک قوم عبادت خدا را می کنند نماز روزه حج و زکوات ادا می کنند لکن یک کار را که نبی - صلی الله علیه وسلم - انجام داده باشد و آن قوم یا شخص به او کار اعتراض کنند و از آن خلاف کنند و یا بر آن کار خفه و غمگین باشد این مردم کافر و مشرک اند. ولی سوال این جا است ازین مذهب خوارج ثابت می شود که کسی شرعی فیصله نکند کافر است؟ جواب: این جا از برای نفی ایمان سه شرط ذکر شده بود که در آن دوم شرط تصدیق قلبی بود و به نفی تصدیق قلبی کفر لازیم می شود (2).

{ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا} (3).

ترجمه: - یعنی با ید به فیصله الله و رسول صلی الله علیه وسلم با ید راضی باشیم و سر تسلیمی بدهیم -

«حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ» یعنی - باید خفه و ناراحت نباشیم بلکه رضایت نشان دهیم از فیصله الله تعالی و رسول الله - صلی الله علیه وسلم -.

به چیزیکه نبی - صلی الله علیه وسلم - ابلاغ می کند از امر و نهی باید به آن را ضی باشیم الله تعالی میفرماید: {وَمَا آتَاكُم الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا} (4)

ترجمه: آنچه را نبی صلی الله علیه وسلم می دهد به شما آن را بگیریید و به آن عمل کنید و از منع می کند شمارا از آن منع شوید.

عبد الله بن عباس فرمود که من گواهی می دهم به این که یقیناً رسول الله صلی الله علیه وسلم منع کرده است (عن الحنتم، والدباء، والنقير والمزفت) یعنی از کوزه سبز که شراب جور میشود، کوزه از کدو، کوزه از چوب و کوزه از قیر، سعید ابن جبیر رضی الله عنهما از ابن عمر و ابن عباس رضی الله عنهما نقل می کند هر دو گواهی می دهند که رسول الله صلی الله علیه وسلم نهی کرده است

1- {سوره آل عمران (83)}

2- احسن الکلام جلد (3) ص (373 - 374).

3- سوره نساء آیت (65)

4- {سورت حشر آیت، 7}

از نوشدن در این ظروف و بعد از آن تلاوت نمود آیت را «وَمَا آتَاكُم الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُم عَنْهُ فَانْتَهُوا»

عَنْ عَلْقَمَةَ - رحمه الله - عَنْهُ قَالَ: قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ: لعن الله الْوَأَشِيمَاتِ وَالْمُسْتَوْشِمَاتِ وَالْمُنْتَمِصَاتِ وَالْمُتَفَلِّجَاتِ لِلْحَسَنِ الْمُغِيرَاتِ لَخَلْقِ اللَّهِ قَبْلَ ذَلِكَ امْرَأَةً مِنْ بَنِي أَسَدٍ يُقَالُ لَهَا أُمُّ يَعْقُوبَ فَجَاءَتْ إِلَيْهِ فَقَالَتْ: إِنَّهُ بَلَّغَنِي أَنَّكَ لعنت كَيْتَ وَكَيْتَ قَالَ: وَمَالِي لَا ألعن من لعن رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَالَتْ: لقد قرأت ما بين الدفتين فما وجدت فيه شيئا من هذا قال: لئن كنت قرأته لقد وجدته أما قرأت {وَمَا آتَاكُم الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُم عَنْهُ فَانْتَهُوا} قَالَتْ: بلى قَالَ: فَإِنَّهُ قد نهى عنه وَالله أعلم (1).

(از علقمه - رحمه الله - روایت است فرمود عبد الله ابن مسعود - رضی الله عنهما - فرمودند لعنت کرده است الله تعالی خال کوبنده وخال کوبیده شده را ، ابرو بارک کننده را و دندان ماین کننده را برای حسن و تاغیر دهنده خلقت خدارا این سخن به زن ازبنی اسد به نام ام یعقوب رسید و آمد نزد عبد الله ابن مسعود رضی الله عنهما وگفت شنیدم چنین چنان گفته ای عبد الله ابن مسعود - رضی الله عنهما- فرمود چگونه لعنت نکنم کسی را که رسول الله -صلی الله علیه وسلم - آن را لعنت کرده است و در کتاب خدا موجود است زن گفت من قرائت کردم قرآن را این مسأله را نیافته ام عبد الله ابن مسعود رضی الله عنهما فرمود اگر به حقیقت تلاوت میکردی آن را موجود می یافتی آیا قرائت نکردی {وَمَا آتَاكُم الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُم عَنْهُ فَانْتَهُوا} زن گفت بلی تلاوت کردم عبد الله ابن مسعود رضی الله عنهما فرمود خداون در همین جا منع نموده است.

مبحث دوم : دلایل آثار محبت از سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم -.

مطلب اول : شوق دیدار رسول الله - صلی الله علیه وسلم -

شوق دیدار رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از جمله دیگر قسم محبت است و آن حاصل می شود به زیاد یاد دهانی و تمنا کردن و شوق کردن ملاقاتش زیرا- من أحب شیئا أكثر ذكره -، یعنی کسی چیزی را دوست دارد از آن زیا یاد بود می کند.

{ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا } (2)

ترجمه : و کسی که از خدا و پیغمبر (با تسلیم در برابر فرمان آنان و رضا به حکم ایشان) اطاعت کند ، او - در روز رستاخیز به بهشت رود و همراه و - همنشین کسانی خواهد بود که - مقربان

¹ - سنن دارمی. کتاب استئذان. در باب فی نهی عن أن يقول ما شاء الله و شاء الله و شاء فلان 2 / 295. و این ماجه کتاب کفارات. باب نهی عن أن يقال ما شاء الله و شئت 1 / 684. امام البانی حدیث را صحیح گفته است به شواهد در سلسله ا حدیث صحیحة 1 ج/ ص 54-56. و بخاری شماره حدیث 5937 و مسلم 2124 (

² - سوره النساء آیت 69

درگاهند و - خداوند بدیشان نعمت - هدایت - داده است - و مشمول الطاف خود نموده است و بزرگواری خویش را بر آنان تمام کرده است . آن مقربانی که او همدمشان خواهد بود ، عبارتند - از پیغمبران و راستروان - و راستگویانی که پیغمبران را تصدیق کردند و بر راه آنان رفتند - و شهیدان - یعنی آنان که خود را در راه خدا فدا کردند - و شایستگان - یعنی سایر بندگان که درون و بیرونشان به زیور طاعت و عبادت آراسته شد) ، و آنان چه اندازه دوستان خوبی هستند !

یعنی کسی عمل کند به آنچه که الله و رسولش - صلی الله علیه وسلم - امر نموده است و ترک کند آنچه را که الله و رسولش - صلی الله علیه وسلم - ترک نموده اند الله جل جلا له آن را مسکن گزین می سازد درخانه عزت مند خویش و همراه می سازد آن را با انبیاء ، صدقین ، شهداء بعد از آن عام مومنها از صالحین که سرائر آشکارای شان اصلاح شده است .

بعد از آن الله تعالی ثنی گفته است « وَحَسَنٌ أَوْلِيكَ رَفِيقًا » یعنی بهترین همراه استند .

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "مَا مِنْ نَبِيٍّ يَمْرُضُ إِلَّا خَيْرَ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ" وَكَانَ فِي شَكْوَاهِ النَّبِيِّ قُبُضَ فِيهِ، فَأَخَذَتْهُ بُحَّةٌ شَدِيدَةٌ فَسَمِعَتْهُ يَقُولُ: {مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ} فَعَلِمْتُ أَنَّ خَيْرًا (1).

از عائشه ام المومنین - رضی الله عنها- روایت است شنیدم از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نیست هیچ پیامبری که مریض شود مگر اختیار داده می شود در میان دنیا و آخرت و در وقت مرض که در آن قبض روح شد گرفت ایشان را تب شدید پس شنیدم از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرمود « مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ »

-همراه و همنشین کسانی خواهد بود که - مقربان درگاهند و- خداوند بدیشان نعمت - هدایت - داده است و مشمول الطاف خود نموده است و بزرگواری خویش را بر آنان تمام کرده است . آن مقربانی که او همدمشان خواهد بود ، عبارتند - از پیغمبران و راستروان - و راستگویانی که پیغمبران را تصدیق کردند و بر راه آنان رفتند - و شهیدان - یعنی آنان که خود را در راه خدا فدا کردند - و شایستگان (یعنی سایر بندگان که درون و بیرونشان به زیور طاعت و عبادت آراسته شد - ، و آنان چه اندازه دوستان خوبی هستند !

و این معنی در حدیث بخاری موجود است : **اللَّهُمَّ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى " ثَلَاثًا ثُمَّ قَضَى، عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ (2) .**

یعنی خدایا با رفقای اعلی پیوست شدن می خواهم سه با ای کلمات را تکرار کرده جان را به جانان آفرین تسلیم نمود .

¹- بخاری ج 2 رقم 5960

²- بخاری: شماره (4436) من حدیث عائشه رضي الله عنها.

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ: إِنَّكَ لَأَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي وَأَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَهْلِي، وَأَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ وَلَدِي، وَإِنِّي لَأَكُونُ فِي الْبَيْتِ فَأَذْكُرُكَ فَمَا أَصْبِرُ حَتَّى آتِيكَ فَأَنْظُرَ إِلَيْكَ، وَإِذَا ذَكَرْتُ مَوْتِي وَمَوْتَكَ عَرَفْتُ أَنَّكَ إِذَا دَخَلْتَ الْجَنَّةَ رُفِعَتْ مَعَ النَّبِيِّينَ، وَإِنْ دَخَلْتَ الْجَنَّةَ خَشِيتُ أَلَّا أَرَكَ.⁽¹⁾

ترجمه: از عائشه - رضي الله عنها - روایت است شخص به حضور (نبي صلى الله عليه وسلم) آمد وگفت یا رسول الله شما در نزد من از نفس، محبوب استی از اهل و فاملم، محبوب استی از فرزندم و من در خانه می باشم یاد می کنم شما را صبر نمی کنم تا به حضور شما حاضر شده نبینم شما را زمان که موت شما وموت خود را یاد می کنم می دانم که شما در جنت با همراه نبیین استید و من می ترسم که شما را نبینم پس آیه مبارکه آمد گفت با همراه دیدار مومن با رسول الله می باشد.

واین در صورت حاصل می شود که قلب مشغول و مصروف به محبت محبوبه و حاضر کردن اسباب بر محبت رسول الله علیه سلام و شناخت نعمت های که توسط آن الله تعالی به مردم کرده است در میان شان پیامبر را فرستاد: { كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ }⁽²⁾.

ترجمه: - طور که روان کردیم در میان شما رسول را از جنس خود تان تلاوت کند بر شما آیات های ما را پاک می کند شمارا، به شما تعلیم می دهد کتاب و سنت را و تعلیم می دهد ایشان را آنچه را که از اول نمی دانستند.

این تمنا ی رویت و شوق ملاقات را و سوال کردن از الله تعالی که در میان من و حبیبم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یک جاشدن را نصیب بگردان .

عن أبي هريرة أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: « من أشد أمتي لي حبا، ناس يكونون بعدي يود أحدهم لو رأني، بأهله وماله »⁽³⁾.

(ترجمه: سخت ترین امت نسبت به من از لحاظ محبت مردمان می باشند بعد از من دوست می دارد یکی از ایشان که کاش ببینند من را به اهل و مال خود .)
در این شوق داخل است ملاقات محمد - صلی الله علیه وسلم - چون هر حبیب دوست می دارد لقای حبیب خود را.

امام احمد⁽¹⁾ - رحمه الله - می فرماید: وحينما قدم الأشعريون المدينة كانوا يرتجزون (غدا نلقى الأحبة، محمدا وصحبه)⁽²⁾.

¹- بخاری ج 1 / شماره (3308) "

²- سورة البقرة، آية (151-152) .

³- مسلم. كتاب جنت وصفة نعمت ها وأهل. آن باب فيمن يود رؤية النبي صلى الله عليه وسلم بأهله وماله ج 4 / ص 2178. ذكر نموده است

ترجمه : زمان اشعریون به مدینه آمدن خوشی می کردند که صباح محبوب خود محمد - صلی الله علیه وسلم - وأصحاب آن را ملاقات می کنیم.

ولما احتضر بلال نادت امرأته، واویلاه. وهو يقول وأفرحاه (غدا نلقى الأحبة. محمدا وحزبه) (3).

ترجمه : زمان که به بلال - رضي الله عنه - مرگ حاضر شد خانیمش داد و فریاد زد واه بلال و حضرت بلال فرمود واه خوش حالی صباح محمد - صلی الله علیه وسلم - وصحابه را ملاقات می کنیم .

مراره از جهت مزه شوق دیدار محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - وصحابه کرام که پیش گذشته اند آواز کرد . همچنان خالد بن معدان کلاعی

از جمله دانش مند ترین تابعین بود و قتی که به بستر خاب می رفت یاد شوق دیدار رسول الله - صلی الله علیه وسلم - واز صحابه را می کرد از مهاجرین و انصار و می گفت آنها اصل استند و به طرف آنها می گردد و قلب انسان شوق دیدار را دارد و می گوید پروردگارا به سوی خود من را قبض کن حتی که خواب می شد به همین اذکار استراحت می کرد (4)

این است از شأن حبیب به محبوب خود همیشه اشتیاق دیدار را دارد .

ولی امروز باعرض تاسف مسلمان ها چنین مفکوره را ندارند و در پشت مال دنیا افتادن و تذکر رسول الله صلی الله علیه وسلم کم می شود خداوند مسلمان هارا بیدار بسازد از این خواب گران.

عن ابن عمر أن أبا بكر الصديق قال: ارقبوا محمدا - صلی الله علیه وسلم - في أهل بيته (5)

ترجمه: از ابن عمر - رضي الله عنهما - نقل است یقینا ابابکر - رضي الله عنه - فرمود این انتظار بکشید محمد - صلی الله علیه وسلم - را در اهل بیتش. (6)

هرچه محبت مسلمان با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبت است که آن را تر جیح می دهد بر همه محبوب ها برایش درود می فرستد و زیاد یاد بود می کند از جهت شوق دیدار و آرزوی یک جا شدن را دارد در جنت و وارید شدن در حوض و از آب آن نوشیدن (7) .

¹ - احمد ابن عبد الرحمن ابن سلمان صویان احمد ابن حنبل تولد (164) وفات (241)

² - امام أحمد در مسند خود ج 4/ص 105، 155، 183 ذکر کرده است

³ - این حکایت را ابن عساکر در ترجمه بلال بن رباح رضي الله عنه ذکر کرده ناشر الشيخ عبد القادر بدران، ط 2، دار المسيرة بیروت، سال 1399، ج 3 / ص 317.

⁴ - این داستان را قاضي عیاض در الشفاج 1 / ص 21 تذکر داده است .

⁵ - بخاري. کتاب الأدب، باب علامة حب الله عز وجل، 8 / 49.

⁶ - محبت رسول بین اتباع وابتداع صفحه 86 - 98).

⁷ - محبت رسول بین اتباع وابتداع صفحه 93)

عن أنس رضي الله عنه: « أن رجلا سأل النبي صلى الله عليه وسلم متى الساعة يا رسول الله؟ قال: وماذا أعددت لها؟ قال ما أعددت لها من كثير صلاة ولا صوم ولا صدقة، ولكني أحب الله ورسوله، قال أنت مع من أحببت»⁽¹⁾.

ترجمه: از حضرت انس - رضي الله عنه- روایت است به تحقیق کسی سوال کرد چه وقت قایم می شود دردیگر روایت می یابد که نبی علیه سلام فرمود که چه تیاری دارید برای آن فرمود چیزی نیست از کثرت نماز، روزه و نه صدقه مگر محبت الله ورسول را دارم نبی صلى الله عليه وسلم فرمود تو با همراه کسی می باشی آن را دوست داری.

حضرت انس - رضي الله - فرمود طور خوش شد که چنین خوش حالی را هیچ وقت ندیده بود ورسول الله - صلى الله عليه وسلم -، حضرت ابابکر و حضرت عمر- رضي الله عنهما - را دوست دارم و امید وارم با آنها یک جای باشم اگرچه مثل آنها عمل ندارم.

وفي رواية: (قال: وماذا أعددت لها كما قال: لا شيء إلا أني أحب الله ورسوله - صلى الله عليه وسلم - فقال: أنت مع من أحببت ». قال أنس فما فرحنا بشيء فرحنا بقول النبي - صلى الله عليه وسلم -: أنت مع من أحببت. قال أنس: فأنا أحب النبي - صلى الله عليه وسلم - وأبا بكر وعمر وأرجو أن أكون معهم بحبي إياهم، وإن لم أعمل بمثل أعمالهم)⁽²⁾.

عن عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه- قال: جاء رجل إلى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فقال يا رسول الله كيف تقول في رجل أحب قوما ولم يلحق بهم؟ فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم- المرء مع من أحب »⁽³⁾.

ترجمه: (از عبد الله ابن مسعود- رضي الله - عنهما روایت است فرمود آمد کسی به حضور نبی - صلى الله عليه وسلم - و سوال کرد که چه می گوی درباره کسی که قوم را دوست می دارد و به آنها پیوست نمی شوند رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود شخص با همراه کسی است آنها را دوست می دارد).

مطلب دوم: محبت با قرآن کریم که به پیامبر - صلى الله عليه وسلم - نازل شده است.

محبت با قرآن کریم یک امر حتمی و ضروری است زیرا اسباب وجود دارد که باید با قرآن محبت شود اول: هرگذا صاحب قرآن را دوست داشتیم باید با کتابش هم محبت داشته باشیم چون به محمد رسول الله - صلى الله عليه وسلم - نازل شده است و مرتبه منزلت ما را بیان نموده است.

هرآن چیزی که از مرتبه و منزلت انسان بحث کند باید انسان با آن محبت کند الله تعالی می فرماید:

¹ - بخاري. كتاب الأدب، باب علامة محبت الله عز وجل، 8 / 49.

² - بخاري. كتاب فضائل صحابه. باب مناقب عمر بن خطاب 5 / 14 - 15. و مسلم في بروصلة. باب المرء مع من أحب، 4 / 2032.

³ بخاري. كتاب الأدب، باب علامة حب الله عز وجل 8 / 48 - 49.

{يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ} (1)

ترجمه : اگر چنین کنید خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و بهره از علم دارند ، درجات بزرگی می‌بخشد .

{ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ } (2)

ترجمه : هیچ کسی - از پیغمبران - را نسزد که خدا بدو کتاب و حکمت و نبوت بخشد ، آن گاه او به مردمان بگوید : به جایی خدا ، بندگان - و پرستش‌کنندگان - من باشید . بلکه - به مردمان این چنین می‌گوید که : با کتابی که آموخته‌اید و یاد داده‌اید و درسی که خوانده‌اید ، مردمانی خدائی باشید - و جز او را بندگی نکنید و نپرستید - .

درین آیه مبارکه خداوند از جایگاه و مکانات انسان بحث می‌کند توسط کتاب که - قرآن - کریم است صاحب قرآن را که محبت داشتی با قرآن هم باید دوستی صورت گیرد

وعن عائشة - رضي الله عنها - قالت: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : الماهر بالقرآن مع السفارة الكرام البررة، والذي يقرأ القرآن ويتتعتع فيه وهو عليه شاق له أجران³ از عائشه- رضي الله عنها- روایت است رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود مهارت به قرآن همراه ملائکه است و کسی که قرآن را می‌خواند و برآن سختی می‌کند برایش دو اجر است .

عن عثمان - رضي الله عنه - أن رسول الله- صلى الله عليه وسلم - قال:خيركم من تعلم القرآن وعلمه (4)

از عثمان ابن عفان - رضي الله عنهما - روایت است که رسول - صلى الله عليه وسلم - فرمودند بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران یاد بدهد . باید قرآن را بفهمیم و آشنای پیدا کنیم درین ارتباط خداوند مذمت بیان کرده است برای کسان که آماده به فهم قرآن نیستند :

الله تعالى میفرماید : { وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا }

ترجمه : برخی از آنان - به هنگام تلاوت قرآن - به تو گوش فرا می‌دهند ولی - نه برای فهمیدن آن و هدایت بدان ، بلکه برای طعنه‌زدن و ریشخند کردن آن . بدین سبب ایشان را از فایده عقل و گوش محروم کرده‌ایم و گوئی که - ما بر دل‌هایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشان کری قرار داده‌ایم - تا ندای آسمانی قرآن را نشنوند -

1- سورة مجادلة آیت: 11

2- سورة آل عمران آیه: 79.

3- مسلم ج 1/ ص 798.

4- بخاري ج 1/ شماره (4937)

انسان باید از صفات حیوانات خود را جلو گیری کند الله تعالی میفرماید: { إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ }

ترجمه : بیگمان بدترین انسانها در پیشگاه یزدان ، افراد کر و لالی هستند که نمی فهمند .
نباید انسان از قرآن اعراض داشته باشد الله تعالی میفرماید: { وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً }

ترجمه : و هر که از یاد من روی بگرداند - و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزیند - ، زندگی تنگ (و سخت و گرفته ای) خواهد داشت ؛ - چون نه به قسمت و نصیب خدادادی قانع خواهد شد ، و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت - و روز رستاخیز او را نابینا - به عرصه قیامت گسیل و با دیگران در آنجا - گرد می آوریم .

انسان باید در فهم قرآن کوشش کند به آرمان ها کفایت نمی کند الله تعالی میفرماید: { وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيً } (1)

ترجمه : و پاره ای از آنان افراد بیسوادی هستند که از کتاب - خدا تورات - جز - يك مشت خرافات و دروغهایی که احبارشان به هم بافته اند و با - آرزوهای - آنان سازگار است - نمی دانند ، و تنها به پندار هایشان دل بسته اند .

خداوند کسان را که به قرآن خود را نمی فهما نند و عمل نمی کنند به خرتشبه داده است الله تعالی میفرماید: { مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً } (2)

ترجمه : کسانی که تورات بدیشان واگذار گردید ، ولی بدان عمل نکردند و حق آن را ادا ننمودند ، به درازگوشی می مانند که کتابهایی را برمی دارد - ولی از محتوای آنها خبر ندارد - . مردمانی که آیات خدا را تکذیب می دارند، بدترین مثل را دارند . خداوند مردمان ستمکار را هدایت نمی دهد - و به سعادت هر دو سرا نائل نمی گرداند - .

هد ف در تشبه این است از قرآن فهم و درک نکرد و به آن عمل نکرد علتش نه داشتن محبت بود ازین خاطر به خر تشبه شده است .

باید هدایت خود را در قرآن بدانیم و از غیر قرآن هدایت طلب نکنند: الله عز وجل می فرماید: { وَمَنْ يَعِشْ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُفِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا }

ترجمه : هر کس از یاد خدا غافل و روگردان شود ، اهریمنی را مأمور او می سازیم ، و چنین اهریمنی همواره همدم وی می گردد - و گمراه و سرگشته اش می سازد - .

برای وضاحت هر مسأله خداوند قرآن را نازل کرده است الله تعالی میفرماید: { وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

¹-سورها نعام آیت 25سوره انفال آیت 22.سورطه آیت 124.سوره البقره آیت 78)
²- سورة جمعة آیت 5.

تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ {1}

ترجمه: و ما این کتاب - آسمانی - را بر تو نازل کرده‌ایم که بیانگر همه چیز - امور دین مورد نیاز مردم - و وسیله هدایت و مایه رحمت و مژده رسان مسلمانان - به نعمت جاویدان یزدان - است .

بهترین کتاب را نازل کرده است الله تعالی میفرماید: { اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا } ترجمه: (خداوند بهترین سخن را - به نام قرآن - فرو فرستاده است . کتابی را که - از لحاظ کاربرد و گیرایی الفاظ ، و والائی و هم آوایی معانی ، در اعجاز - همگون و - مطالبی چون مواظ و براهین و قصص ، و مسائل مقابل و مختلفی همانند) -

باید انسان دل خود را به قرآن نرم کند و قرآن کتاب است که دل را نرم می کند الله تعالی میفرماید:

{ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ } 2

ترجمه: آیا وقت آن برای مؤمنان فرا نرسیده است که دل‌هایشان به هنگام یاد خدا ، و در برابر حق و حقیقتی که خدا فرو فرستاده است ، بلرزد و کرنش برد ؟

کفار به کتاب که از جانب خداوند آمده است کفرکردن و مستحق لعنت خدا شدند الله تعالی میفرماید:

{وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِن قَبْلٍ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ } (3)

ترجمه: و هنگامی که از طرف خداوند کتابی - به نام قرآن توسط پیغمبر اسلام - به آنان رسید که تصدیق‌کننده چیزهایی - همچون توحید، اصول دین و مقاصد آن - از تورات - داشتند ، و - از روی تورات - آن را شناختند و - به صدق محتوایش - پی بردند ، ولی - به سبب حسادت و عناد - بدان کفر ورزیدند - زیرا ، پیغمبری آن را آورده بود که از بنی اسرائیل نبود اگرچه - قبلاً - هنگامی که با مشرکان به جنگ و یا نزاع لفظی برمی‌خاستند ، می گفتند که خدا ایشان را به فرستادن آخرین پیامبری - صلی الله علیه وسلم - که کتابشان بدان است ، یاری خواهیم - امید فتح و پیروزی بر کافران را داشتند پس لعنت خداوند بر کافران - چون ایشان باد .

کتاب به تونازل کردیم بخاطریند و یاداش برای مومن ها الله پاک میفرماید: { كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ } (4)

ترجمه: این قرآن - کتابی است که از سوی یزدان - جهان - بر تو نازل شده است و نباید از ناحیه آن هیچ گونه نگرانی و ناراحتی به خود راه دهی - نه نگرانی از ناحیه بار سنگین رسالتی که بر دوش داری و نه از جانب عکس‌العمل‌هایی که دشمنان سرسخت در برابر آن نشان می‌دهند ، و نه

1- سوره زخرف آیت 36 سوره نحل آیت 89.

2- سوره زمر آیت 23 سوره حدید آیت 16.

3- سوره البقره آیت (89)

4- اعراف آیت (2)

از سوی نتیجه و برداشتی که از تبلیغ این رسالت انتظار می‌رود. چرا که هدف از نزول این قرآن این است که بدان - کافران را از عواقب شوم افکار و اعمالشان - بترساند، و مؤمنان را پند و اندرز دهد.

یعنی از طرف الله تعالی است و در «الیک» اشاره است به شرافت و عزت محمد - صلی الله علیه وسلم -

حتی جنیبات از جهت محبت و علاقه که با قرآن پیدا کرده بودند قوم خود را دعوت داده اند الله تعالی می‌فرماید: { قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ } (1)

ترجمه: (اینان گفتند: ای قوم ما! ما به کتابی گوش فرا دادیم که بعد از موسی فرستاده شده است و کتابهای پیش از خود را تصدیق می‌کند - و هماهنگ با کتابهای آسمانی پیشین است - ، و به سوی حق رهنمود می‌کند و به راه راست راه می‌نماید .)

هدف در نزول قرآن فقط به خاطر کشیدن مردم از تاریکیها به سوی روشنی است الله تعالی می‌فرماید: { الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ } (2)
ترجمه: الف - لام - را - این قرآن - کتابی است که آن را برای توفرو فرستاده ایم تا این که مردمان را - در پرتو تعلیمات آن - با توفیق و تفضل پروردگارشان ، از تاریکیها - و گمراهیهای کفر و نادانی - به سوی نور - و روشنایی ایمان و دانائی - بیرون بیاوری - یعنی که - به راه خدای چیره ستوده - درآوری - .

الله تعالی در جای دیگر از اهمیت بلند والای قرآن توصف میکند می‌فرماید: { وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ } (3)

ترجمه: (این کتاب را نازل کرده ایم که با برکت است پس تابعداری کنید از آن و بپرهیزید باشد که با شما رحم کرده شود) .

الله تعالی در دیگر جای اهمیت و صداقت قرآن را بیان میکند و می‌فرماید: { وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ } (4).

ترجمه: نیست این - قرآن - که ساخته شده باشد از طرف ماسوای الله لکن تصدیق کننده همه کتابهای - آسمانی از قبیل تورات و انجیل - است که پیش از آن نازل شده‌اند - و برا تفصیل احکامات فرض شده و در این شک نیست که از جانب رب العالمین است .

¹ سوره احقاف آیت (30)

² - سوره ابراهیم آیت 1.

³ - سوره انعام آیت 92.

⁴ - سوره بونس آیت 37.

الله تعالی میفرماید: { وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ } (1)

ترجمه: این راه - که من آن را برایتان ترسیم و بیان کردم - راه مستقیم من است - و منتهی به سعادت هر دو جهان می گردد پس - از آن پیروی کنید و از راههای - باطلی که شما را از آن نهی کرده ام - پیروی نکنید که شما را از راه خدا - منحرف و - پراکنده می سازد اینها چیزهایی است که خداوند شما را بدان توصیه می کند تا پرهیزگار شوید - و از مخالفت با آنها پرهیزید .

درواقع قرآن کریم صراط مستقیم یعنی (راه راست) است باید از این تابعداری شود و به آن محبت صورت گیرد این مسأله تاکد شده است .

قرآن سبب است از برای اطمینان قلبی لحاظا باید با قرآن محبت شود الله تعالی می فرماید: { الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ } (2)

ترجمه: آن کسانی که ایمان می آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می کند هان ! دلها با یاد خدا آرام می گیرند - و از تذکر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و کسب رضای یزدان اطمینان پیدا می کنند .

قرآن کریم کتاب است که وعظ ، نصحت ، شفا ، هدایت و رحمت است الله تعالی می فرماید :

{ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ }³

ترجمه: (ای مردمان ! از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی - جهت رهنمود زندگی - و درمانی برای چیزهایی که در سینه‌ها است - همچون کفر و نفاق و کینه و ستم و دشمنی با حق و حقیقت - آمده است - که قرآن نام دارد - و هدایت و رحمت برای مؤمنان است).

قرآن کتابی است که سبب خویش حالی است: { قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ } (4)

ترجمه: بگو: به فضل و رحمت خدا - به همین - نه چیز دیگری - باید مردمان شادمان شوند . این بهتر از چیزهایی است که - از حطام دنیا - گرد می آورند - و روی همدیگر می گذارند . به راستی که قرآن کتاب شفا و رحمت است و باید انسان به آن اسرار خوشی کند .

الله تعالی میفرماید: { وَنُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا } (5)

(5)

1- سوره انعام آیت 153.

2- سوره رعد آیت 28.

3- سوره یونس آیت (57)

4- سوره یونس آیت (58)

5- سوره بنی اسرائیل آیت (82)

(ترجمه :- حق چگونه نیرومند و پیروز نمی‌گردد ؟ وقتی که - ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه بهبودی - دلها از بیماریهای نادانی و گمراهی ، و پاک‌سازی درونها از کثافات هوی و هوس و تنگ‌چشمی و آزمندی و تباهی - و رحمت مؤمنان - به سبب در برداشتن ایمان و رهنمودهای پرخیر و برکت یزدان - است ، ولی بر ستمگران - کافر ، به سبب ستیز با نور حق و داشتن روح طغیان - جز زیان نمی‌افزاید-.

این همه آیات دلالت می‌کنند بر اینکه باید با قرآن محبت کرده شود تا از کمال همه جانبه آن برخوردار شویم چون کتاب است که به حق راه نمای میکند ، از تاریکی ها به روشنی سوق میدهد و پراز برکات و رحمت است و درضمن خالی از شک شکوک همچنان کتاب وعظ ، نصحت ، شفا برای امراض قلبی و با آن قلب اطمینان پیدا می‌کند.

مطلب سوم: معیت و همراهی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در آخرت

این مطلب و هدف در دل هر مسلمان وجود دارد که معیت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را داشته باشد چن در دنیا عاشق دیدارش بود و عاشق معیت معشوقه خود را می‌داشته باشد حلا در آخرت هم میخواهد که با همرا هش باشد قیسم که شخص آمد و در ارتباط به قیامت جویا شد و رسول - صلی الله علیه وسلم- فرمود برای قیامت چی تیاری داری از نماز و روزه و صدقه شخص گفت چیزی ندارم ولی الله و رسول را زیاد دوست می‌دارم نبی صلی الله علیه مسلم فرمود تو با آن استی و شخصی که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - دوست دارد در جنت با همراهش می‌باشد. اگرچی بدون ازین یعنی معیت دیگر چیزی بریش میسر نمی‌شود همین دیدارش کفایت می‌کند .

{وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا} (1)

(ترجمه : و کسی که از خدا و پیغمبر - با تسلیم در برابر فرمان آنان و رضا به حکم ایشان - اطاعت کند، او - در روز رستاخیز به بهشت رود و همراه و - همنشین کسانی خواهد بود که - مقربان درگاهند و - خداوند بدیشان نعمت - هدایت - داده است - و مشمول الطاف خود نموده است و بزرگواری خویش را بر آنان تمام کرده است . آن مقربانی که او همدمشان خواهد بود ، عبارتند - از پیغمبران و راستروان - و راستگویانی که پیغمبران را تصدیق کردند و بر راه آنان رفتند - و شهیدان - یعنی آنان که خود را در راه خدا فدا کردند - و شایستگان - یعنی سایر بندگان که درون و بیرونشان به زیور طاعت و عبادت آراسته شد - ، و آنان چه اندازه دوستان خوبی هستند !-

¹ - سوره النساء 69}

اول : عن أنس رضي الله عنه: « أن رجلا سأل النبي صلى الله عليه وسلم متى الساعة يا رسول الله؟ قال: وماذا أعددت لها؟ قال ما أعددت لها من كثير صلاة ولا صوم ولا صدقة، ولكنني أحب الله ورسوله، قال أنت مع من أحببت » (1)

ترجمه : از انس - رضي الله عنه - روایت است یقینا کسی از نبی - صلی الله علیه وسلم - پرسان کرد درباره آخرت چی وقت قائم می شود ورسول الله مبارک فرمودن که چی تیاری دارید از نماز روزه و صدقه شخص فرمود که چیزی تیاری ندارم مگر الله ورسول را دوست می دارم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود که تو با آن کسی استی که دوست میداری آن را.

حضرت انس فرمود هیچ وقت ما چنین خوش نشده بودیم قیسم که اکنون خوش شدیم ومن محمد رسول الله ابا بکر، عمر را دوست می دارم و آرمان دارم با آن ها باشم به سببی محبت که با آن ها دارم اگر چی اعمال آن هارا انجام داده نمی توانم محبت با الله ورسول سبب و باعث می شود که شخص را با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یکجا بسازد. (2)

دوم : عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال « جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال يا رسول الله كيف تقول في رجل أحب قوما ولم يلحق بهم؟ فقال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : المرء مع من أحب » (3)

ترجمه : از عبد الله ابن مسعود - رضي الله عنهما - روایت است فرمود آمد شخص به حضور نبی صلی الله علیه وسلم وگفت ای رسول خدا چه می گوید درباره کسی که دوست می دارد قومی را ولی با آنها پی وست نشده است فرمودن آن با کسی است که آن هارا دوست می دارد.

این دو حدیث واضح ساختن این را که محبت به اعمال صالح سبب است از برای معیت درجنت دراصل عمل از انجام واجبات و ترک منکرات و به این دلالت می کند قول سائل می گوید من نه کثرت نماز دارم ، نه کثرت روزه دارم و نه کثرت صدقه ودر این مطلب این است که باوجود این که نماز روزه و صدقه زیادت تقاضا می کنند باز هم آن را کم می پندارد محبت الله ورسول و اکابرین صحابه را ترجیح می دهد (4).

1- بخاری. در کتاب ادب، و باب علامت محبت الله عز وجل ذکر شده است، ج 8/ ص 49.
2- بخاری: در کتاب فضائل صحابه. و باب مناقب عمر ابن خطاب ج 5/ ص 14- 15. و مسلم بربر و صلة. باب المرء مع من أحب، ج 4 / 2032.
3- بخاری: در کتاب فضائل صحابه باب مناقب عمر فرزند خطاب ج 5/ ص 14- 15. و مسلم در البر و صلة. باب المرء مع من أحب، ج 4 / 2032.
4- مسلم: ج 4/ ص 2032.

سوم : عن أبي هريرة أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «من أشد أمتي لي حبا، ناس يكونون بعدي يود أحدهم لو رأني، بأهله وماله» (1)

ترجمه : از ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است یقینا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودن محکم ترین امت من بر من از لحاظ محبت کسی است که می باشد بعد از من دوست می یکی از ایشان کاش من را میدید به اهل و مال خود.

در این شوق داخل است لقای محمد - صلی الله علیه وسلم - زیرا هر محیب دوست دارد لقای محبوب خویش را و زمان که اشعریین به مدینه آمدن اظهار خوشی می کردن که فردا به محبوب خود محمد رسول الله واصحابش را ملاقات می کنیم (2).

چهارم : وعن أبي هريرة قال : قال رسول الله - صلى الله عليه و سلم - إن حوضي أبعد من أيلة من عدن لهو أشد بياضا من الثلج وأحلى من العسل باللبن وآنيته أكثر من عدد النجوم وإني لأصد الناس عنه كما يصد الرجل إبل الناس عن حوضه. قالوا : يا رسول الله أتعرفنا يومئذ ؟ قال : نعم لكم سيماء ليست لأحد من الأمم تردون علي غرا من أثر الوضوء (2).

ترجمه: از ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است فرمود فرمودن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یقینا حوض من مصافه دارد مثل مصافه ایله الاعدن آن نهایت سفید است از برف و شترین تراست از عسل که همراه شیر باشد و گلاس های آن زید تر استند از عدد ستارها و من مردم را منع می کنم مثل که مردم شتر های دیگران را دور می کنند از حوض گفتند صحابه کرام یا رسول الله شما ما را می شنا سید در آن روز فرمودن بلی می شنا سم شما را باشما نشا نه است که کسی دیگر آن را ندارد. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - امتی های خویش را می شناسد و آب می نوشاند و این در نتیجه محبت است.

پنجم: وعن سهل بن سعد قال: قال رسول الله - صلى الله عليه و سلم - إني فرطكم على الحوض من مر علي شرب ومن شرب لم يظماً أبدا ليردن علي أقوام أعرفهم ويعرفونني ثم يحال بيني وبينهم فأقول إنهم مني فيقال إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك ؟ فأقول سحقا سحقا لمن غير بعدي (3)

ترجمه: از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت است فرمود فرمودن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یقینا من قبل از شما و ارید می شوم بر حوض کسی بگذرد بر من می نوشد از آن و کسی که

¹ - مسلم: در کتاب جنت و صفت نعمتهای که برای اهلس دارد و در باب کسی که دیدار نبی صلی الله علیه وسلم به اهل و مالش دوست دارد ج 4 / ص 2178.

² - صحیح مسلم ج 2 / شماره 4499).

³ - صحیح بخاری ج 4 ص 1574 . شماره 4076

بنوشد از آن هرگز تشنه نمی شود ضرور و ارید می شود بر من امتهایم و می شناسند من را بعد از آن پرده واقع می شود در میان من و در میان آن پس می گویم به تحقیق امتی های من استند سپس گفته می شود یقیناً تو نمی دانی ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - که این ها بعد از تو در دین تو چه بدعات را اجاد کرده اید پس من می گویم که دور کنید دور کنید اینها را هلاکت باد برای کسی که تا غیر می دهد دین من را بعد از من. این هر دو حدیث دلالت می کنند به دیدار رسول الله - صلی الله علیه وسلم - زیرا در حدیث لفظ و کلمه معرفت ذکر شده است (اعرفهم و یعرفوننی) یعنی من اینها را میشناسم و اینها من را می شناسند.

مطلب چهارم: نشر و پخش سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم -.

درین جا مطلب این است که نشر و پخش دین و خصوصاً احیا سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چن تهداب و اساس دین این امت مبتن است به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و بدن نشر و پخش و یاد گرفتن به آن عمل کردن ممکن نیست ازین جهت خداوند به صیغه امر رسول خود - صلی الله علیه وسلم - را حکم می کند.

الله تعالی می فرماید: {يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ} (1)

ترجمه: - ای فرستاده - خدا، محمد مصطفی! - هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است - به تمام و کمال و بدون هیچ گونه خوف و هراسی، به مردم - برسان - و آنان را بدان دعوت کن -، و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را - به مردم - نرسانده‌ای - و ایشان را بدان فرا نخوانده‌ای. چرا که تبلیغ جمیع اوامر و احکام بر عهده تو است، و کتمان جزء از جانب تو، کتمان کل بشمار است - و خداوند تو را از - خطرات احتمالی کافران و اذیت و آزار - مردمان محفوظ می‌دارد - زیرا سنت خدا بر این جاری است که باطل برحق پیروز نمی‌شود. و - خداوند گروه کافران - و مشرکانی را که در صد اذیت و آزار تو بر می‌آیند و می‌خواهند برابر خواست آنان دین خدا را تبلیغ کنی، موفق نمی‌گرداند و به راه راست ایشان) را هدایت نمی‌نماید.

امام بخاری- رحمه الله - در تفسیر این آیت از عائشه - رضي الله عنها- حدیث نقل می کند که کسی بگوید که محمد - صلی الله علیه وسلم - چیزی را پنهان نموده است یقیناً به الله نسبت دروغ را کرده است.

2- سوره مائده آیت 67.

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: مَنْ حَدَّثَكَ أَنَّ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كَتَمَ شَيْئًا مِمَّا أَنْزَلَ عَلَيْهِ فَقَدْ كَذَبَ، اللَّهُ يَقُولُ: { يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ } (1).

یعنی ای پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - برسان چیزی را که به تو نازل شده است. «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» این امان است از طرف الله تعالی برای نبی - صلی الله علیه وسلم - تا خوف و حذر نکند در بیان مسائل دین.

رسول الله - صلی الله علیه و سلم - را صد نفر حراست می کرد از مردم مهاجر و انصار از ترس مردم یهود زمان که آیت نازل شد همه آن هارا رخصت کرد «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» و دانست که الله حفاظتش می کند بعد از آن به تنهای در شب بیرون می برفت و از طرف صبح در دره های مدینه می رفت از همه دشمنان الله حفظش می کرد.

{الَّذِينَ يَبُلُّغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا} (2)

ترجمه : - پیغمبران پیشین ، یعنی آن - کسانی که - برنامه ها و - رسالت های خدا را - به مردم - می رساندند ، و از او می ترسیدند و از کسی جز خدا نمی ترسیدند ، و همین بس که خدا حسابگر - زحمات و پاداش دهنده اعمال آنان - باشد .

خداوند متعال درین آیت مقام و منزلت انبیای قبلی را ذکر کرده است در بیان تبلیغ احکام شریعت که از جمله در رساندن احکامات شریعت الله متعال نبی - صلی الله علیه وسلم - هم می باشد در رساندن فریضه و رسالت در هر میدان به اهل مشرق و مغرب از برای همه انواع و اقسام بنی آدم و خداوند دین خود را بر همه ادیان دیگر پیروز ساخت و قبل ازین هر پیامبر به سوی قوم فرستاده می شد و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به سوی عرب و عجم مبعوث گردیده است.

الله تعالی می فرماید: قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا (3)

ترجمه : ای پیغمبر ! - به مردم - بگو: من فرستاده خدا به سوی جملگی شما - اعم از عرب و عجم و سیاه و سفید و زرد و سرخ - هستم .

حتی به شکل گرفتن عهد و پیمان که خداوند از اهل کتاب و عده گرفته بود به بیان کتاب و نه پنهان نکردن دین الله تعالی میفرماید:

{وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ} (4)

(ترجمه : و - به یاد بیاور ای پیغمبر ! - آن گاه را که خداوند پیمان مؤکد - بر زبان انبیاء - از اهل

1- صحیح بخاری ج 4 / شماره (1686) و مسلم ج 1 / شماره (177)

2- احزاب آیت 39.

3- سوره اعراف آیت 158.

4- سوره آل عمران ، 187.

کتاب گرفت که باید کتاب - خود - را برای مردمان آشکار سازید و توضیح دهید و آن را کتمان و پنهان نسازید . اما آنان آن را پشت سر افکندند و به بهای اندکی آن را فروختند ! چه بد چیزی را خریدند !- آنان باقی را با فانی معاوضه کردند ! - .

الله از اهل کتاب عهد پیمان گرفت برای بیان کتاب به مردم از زبان انبیای شان به غیر از تویل و تحریف از مکان شان و ذکر کنید مقاصد آن را تا در فهم اضطراب واقع نشود و اگر این کار را نکردید یا به شکل مناسب بیان نشود در حقیقت کتمان است. اگر چه آیت در حق یهود و نصارا ذکر شده است ولی حکم آیت در مسلمان ها هم تطبیق می شود.

باید در هر زمان دعوتگر وجود داشته باشد که امر به معروف و نهی از منکر کند الله تعالی میفرماید: **{وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ}** (1) ترجمه : باید از میان شما گروهی باشند که - تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را - دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند ، و آنان خود رستگارانند و در آیت دیگر وضاحت مسائل دین تذکر یافته است الله تعالی می فرماید: **{ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ }** (2)

ترجمه : (باید از میان شما گروهی باشند که - تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند - و مردمان را - دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند ، و آنان خود رستگارانند)-.

¹ - سوره آل عمران آیت (104)
² - سوره نحل آیت (44)

وعن أبي سعيد الخدري قال : قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : إن الناس لكم تبع وإن رجالا يأتونكم من أقطار الأرض يتفقهون في الدين فإذا أتوكم فاستوصوا بهم خيرا (1)

(ترجمه : از ابی سعید خدری (رضی الله عنه) روایت است رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند یقینا می آید به نزد شما افرادی از اطراف زمین برای یاد گرفتن دین پس وقتی که می آیند وصیت کنید آنها را به خیر).

مطلب این است مردم به حضور شما می آیند ای صحابه کرام تا از اخلاق و افعال شما بیاموزند زیرا شما اخلاق را از من آموخته اید چون شریعت عبارت است از اقوال و افعال که من آن را انجام داده ام به خاطر یاد گرفتن دین شما آنها را به یاد کردن دین توصیه کنید و به علم دین تشفیق کنید قسم که در حدیث قدسی خداوند داود علیه سلام را می گوید که وقتی که طالب من را می بینی برایش خدمت گار جور شود.

مطلب پنجم: محبت با همسران و فرزندان محمد - صلی الله علیه وسلم -.

درواقع الله جل جلاله به بنده گان خود خطاب نموده میفرماید که همسران پیامبر برای شما حیثیت مادر را دارند باید که عزت و عظمت شوند به قیسم که مادر را قدر عزت می کنی هم چنان باید امهات المومنین هم احترام شوند خدوند.

الله تعالی در زمینه می فرماید: {الْأُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَانِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا} (2)

ترجمه : پیغمبر از خود مؤمنان نسبت بدانان اولویّت بیشتری دارد - و اراده و خواست او در مسائل فردی و اجتماعی مؤمنان ، مقدم بر اراده و خواست ایشان است - و همسران پیغمبر ، مادران مؤمنان محسوبند (و باید احترام مادری آنان را از نظر به دور نداشت ، و یکایک ایشان را بزرگ و ارجمند شمرد) ، و خویشاوندان نسبت به همدیگر (از نظر ارث بردن بعضی از بعضی) از مؤمنان و مهاجران ، در کتاب یزدان (قرآن) از اولویّت بیشتری برخوردارند ، (و پیمان مؤاخات و برادری موجب ارث نمی باشد) ، مگر این که بخواهید در حق دوستان خود کار نیکی انجام دهید (و از طریق وصیّت ، مقداری برای آنان به ارث بگذارید و بدیشان خوبی کنید ، که این عمل مانعی ندارد) . این (حکم توارث خویشاوندان) در کتاب (قرآن) مکتوب و مقرر است (و تغییر و تبدیلی نمی شناسد)

{ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ } (1)

¹ - مشکاة المصابیح از علامه الشیخ ولی الدین ابی عبد الله محمد ابن عبد الله خطیب عمری تبریز همراه شرح مرعاة مفاتیح از شیخ ابی الحسن عیبدالله ابن علامه محمد عبدالسلام مبارکفوری حفظه عددالأجزاء / 9] .
² - سوره احزاب آیت ، 6 { .

این تشبیه به مادرها فقط در واجب بودن احترام است و حرام بودن نکاح برای همیشه.

خداون مقام و منزلته همسران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را متفاوت میدانند و میفرماید :

{ يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ لَسْتَنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا } (2).

ترجمه : ای همسران پیغمبر ! شما - در فضل و شرف - مثل هیچ يك از زنان (عادي مردم) نیستید . اگر می‌خواهید پرهیزگار باشید - به گونه هوس‌انگیز - صدا را نرم و نازک نکنید - و با اداء و اطواری بیان ننمائید - که بیمار دلان چشم طمع به شما بدوزند. و بلکه به صورت شایسته و برازنده سخن بگوئید - بدان گونه که مورد رضای خدا و پیغمبر او است - .

در آیه دیگر صفات اهل بیت را اشاره نموده است که این هارا الله تعالی پاک نگاه داشته است.

خداوند در موردی می فرماید: { وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا } (3)

(ترجمه : و در خانه‌های خود بمانید - و جز برای کارهایی که خدا بیرون رفتن برای انجام آنها را اجازه داده است ، از خانه‌ها بیرون نروید - و همچون جاهلیت پیشین در میان مردم ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید - و اندام و وسائل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید - و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید . خداوند قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت - پیغمبر - دور کند و شما را کاملاً پاک سازد- .

الله تعالی همسران رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و عظمی کند که الله و رسول و روز آخرت را اختیار کرده بودن و بر حال ماندن در تحت نکاح رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برایشان بگو حکم و تخصیص شان چنین است از عام زن های دیگر تفاوت دارند کدام یکی از ایشان اگر فحشا را مرتکب می شوند عذاب دوچند می بینند . ابن عباس - رضي الله عنهما - می گوید مراد نافرمانی و بد اخلاقی است عذابش دوچند می باشد این یک شرط نا ممکن الوقوع است مثل: { وَلَوْ أَشْرَكُوا

لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ } (4)

ترجمه : این (توفیق بزرگی که چنین شایستگان و برگزیدگانی بدان نائل آمدند) توفیق خدائی است و خداوند هر کس از بندگان را بخواهد بدان نائل می‌سازد . اگر - این چنین شایستگانی - چه رسد به دیگران - شرك می‌ورزیدند ، هر آنچه می‌کردند هدر می‌رفت - و اعمال خیرشان ضائع می‌شد و خرمن طاعتشان به آتش شرك می سوخت - هم چنان در جای دیگر می فرماید :

1- احسن الکلام جلد 7 / ص 79 .

2-سوره احزاب آیه 32 .

3-سوره احزاب آیه 33 .

4-سوره انعام، 88)

{ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ } (1)

ترجمه: به تو و به یكايك پیغمبران پیش از تو وحی شده است که اگر شرک ورزی کردارت باطل و بی‌پاداش می‌گردد) هیچ و نابود می‌شود، و از زیانکاران خواهی بود. (به همین طور دردگر جای الله تعالی می‌فرماید: {يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا} (2)

ترجمه: (ای همسران پیغمبر! هر کدام از شما مرتکب گناه آشکاری شود - از آنجا که مفسد گناهان شما در محیط تأثیر سوئی دارد و به شخص پیغمبر هم لطمه می‌زند - کیفر او دو برابر - دیگران - خواهد بود، و این برای خدا آسان است.)
مالک از زید بن اسلم نقل می‌کند که این عذاب ضعیفین در دنیا و آخرت است. این آداب زن‌های این امت را هم شامل است (3).

مطلب ششم: تعلق و ارتباط با الله متعال و محبت با آن.

تعلق و ارتباط مومن‌ها با الله تعالی چنین است از هر چیز محبت شان مستحکم‌تر است چون لایق محبت همان است زیرا باز گشت و راه حل همه مشکلات به سوی آن است الله جل جلاله می‌فرماید: { وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ } (4) و همه کارها به سوی خدا برگشت داده می‌شود. { وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ } (5)

ترجمه: اگر خداوند زبانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خیري به تو برساند، هیچ کس نمی‌تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند. خداوند فضل و لطف خود را شامل هر کس از بندگانش که بخواهد می‌کند - و کسی نمی‌تواند مانع آن گردد - و او دارای مغفرت و مهر فراوان است.

{ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ } (6)

هان! همه کارها به خدا بازمی‌گردد - و هر کاری تحت نظارت دقیق او و با اطلاع و اجازه او انجام می‌پذیرد، و هر چیزی بدو مربوط است -.

مومنها با الله تعالی محبت می‌کنند قسم که می‌فرماید: { وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ } (7)

و کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را سخت دوست می‌دارند - و بالاتر از هر چیز بدو عشق می‌ورزند -.

1-سوره زمر، 65

2-سوره احزاب آیت (30)

3-ابن کثیر (جلد 6 / ص 408).

4-سوره بقره آیت، 210

5-سوره یونس، 107

6-سوره شوری آیت، 53.

7-سورة البقره (165).

عن عائشة رضي الله عنها: «أن النبي صلى الله عليه وسلم بعث رجلا على سرية وكان يقرأ لأصحابه في صلاته فيختم قل هو الله أحد فلما رجعوا ذكروا ذلك للنبي صلى الله عليه وسلم فقال: سلوه لأي شيء يصنع ذلك؟ فسألوه فقال: لأنها صفة الرحمن، وأنا أحب أن أقرأ بها. فقال النبي صلى الله عليه وسلم: أخبروه أن الله يحبه»⁽¹⁾

ترجمه: - (از عائشه - رضي الله عنها- روایت است یقینا نبی - صلی الله علیه وسلم - فرستاد شخص را در سربیه بود که همیشه تلاوت می کرد در نماز و نماز را به سوره اخلاص خاتیمه می بخشید هنگامی که بر گشتن از سربیه یاد کردن این مسئله را که چرا این کار را می کنی گفت زیرا درین صفت رحمن ذات است و دوست می دارم که این را قرائت کنم نبی - صلی الله علیه وسلم - فرمود آن را خبر دهید که الله آن را دوست می دارد)-.

{فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ} (2)

ترجمه: (و در آینده خداوند جمعیتی را - به جاي ایشان بر روي زمین - خواهد آورد که خداوند دوستشان می دارد و آنان هم خدا را دوست می دارند)-.

{قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ} (3)

ترجمه: بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.

جمهور سلف به این نظر استند که محبت الله به مخلوق محبت حقیقی است مثل صفاتش که به ذات خودش تعلق دارد بلا کیف کدام تاویل و مشارکت ندارد مخلوق در آن.

وقتی که بنده الله را دوست بدارد الله تعالی در زبان آن حق را جاری می کند از زبانش بدون حق چیزی دیگر بیرون نمی شود. حضرت عمر به این مرتبه رسیده بود. ازین جهت می گوید که من با پروردگارم درسه مقام ویا در چهار مقام موافقت کردیم اول: در تحریم شراب. دوم: در نزول آیت حجاب سوم در ارتباط به اسارا ای بدر در هر سه جا آیت نازل شد اینها دوست های خدا بودن که الله حق را از زبان ایشان جاری کرد.

نفس محبت داشتن به الله کفایت نمی کند که محبت با خدا می کنی باید: مطیع آن باشی، طمع جنت را داشته باشی و ترس از جهنم داشته باشی محبت مجرد خاص تعظیم خالی حیثیت مرده را دارد که در آن عمل وجود نداشته باشد سلف می گویند کسی خدا را عبادت کند تنها به محبت آن زندق است، اگر

¹ - صحیح مسلم کتاب صلاة مسافریین باب فضیلت قراءت " قل هو الله أحد ج 1 / ص 557).

² -سوره مائده: آیت 54.

³ -سوره العمران آیت 31.

عبادت کند به رجا آن مرجئ است، اگر عبادت کند به خوف حروری است یعنی تا زمان که در عمل محبت پیاده نشود کافی نیست.

درحالت جنگ هم باید باخدا ارتباط داشته باشیم الله تعالی میفرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ }
ترجمه: (ای مؤمنان! هنگامی که با گروهی - از دشمنان در میدان کارزار) روبرو شدید، پایداری

نمائید - و فرار نکنید - و بسیار خدا را یاد کنید - و قدرت و عظمت و وفای به عهد او را پیش چشم دارید و به تضرع و زاریش بخوانید) تا - در دنیا - پیروز و - در آخرت - رستگار شوید.

چون درحالت جنگ خدارایاد کردن از علامه و نشانه محبت است، زیرا که در آن وقت از جهت ترس همه چیزها از یاد انسان می روند و در فکر عقب نشینی و یا نجات نفس خود استند از هلاکت و یا در فکر از بین رفتن است در این وقت الله را یاد می کند معلوم می شود که با الله محبت دارد.

هم چنان رضایت داشتن به قضا و فیصله الله تعالی وقتی که به فیصله الله را ضی بودی معلوم می شود که قلبت مطمئن است و محبت دارد به الله تعالی.

از جمله اموری که دلالت می کند به محبت خداوند انس کردن به خلوت گذاری به الله به شکل عبادت می باشد در حقه سوم شب و معنای خلوت این است که گاه گاه از مردم دور شده در ذکر اذکار خدا مشغول شدن ولی نه به شکل دائم. طبق ضرورت و مصلحت شرعی چون درین وقت درمیا الله و این شخص نفر دوم وجود ندارد الله تعالی میفرماید: { أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةً رَبِّهِ } (1)

ترجمه: - آیا چنین شخص مشرکی که بیان کردیم، بهتر است - یا کسی که در اوقات شب سجدهکنان و ایستاده به طاعت و عبادت مشغول می شود و - خویشتن را - از - عذاب - آخرت به دور می دارد، و رحمت پروردگار خود را خواستار می گردد؟ -

چه وقت که انسان این کارها را کند محبوب خدا می گردد و راهی محبت برایش آسان می شوند. و از الله تعالی حاجات خود را می خواهد و به آن تکلم می کند و هم چنان هم و غم خود را پیش می کند و کسی که بخواهد که به پروردگار خود تکلم کند قرآن را تلاوت کند و شکایت حزن خود را به الله می کند مثل یعقوب علیه سلام « إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ » (2)

(ترجمه: یقیناً شکایت پیش می کنم به الله غم خود را.)

دیگرمورید که به محبت دلالت میکند نظر کردن به موضع سجده گاه خود بدون التفات از جهت ممانعت که از طرف صاحب شریعت ممنوع قرار گرفته است!؟

¹-سوره زمرآیت، 9
²-سوره (یوسف آیت، 88)

ورسول الله - صلى الله عليه وسلم - هنگام که به معراج در نهایت ادب کرده بود الله می فرماید « مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى »

ترجمه: (کج نشده بود چشم ها و نه از حد گذشته بود)⁽¹⁾

دیگر موری که دلالت به محبت الله می کند محبت دار محبوب است در دنیا دیده می شود که کسی کسی دیگر را دوست دارد به زیارتش زیاد می رود و در مجلسش زیاد می شیند ولو چه انداز دور باشد به همین خاطر نفس های محبین به بیت الله شریف وابسته می باشند و الله تعالی نسبتش را به خود داده است می فرماید پاک کنید خانه من را.

{ وَطَهِّرْ بَيْتِي }⁽²⁾ یعنی پاک کنید خانه من را.

مطلب هشتم: شناخت احوال پیامبر اکرم (صلى الله عليه وسلم) و ارتباط کامل به سیرت ایشان .

فضائل رسول الله صلى الله عليه وسلم و تفصیل آن بی حد و بی انداز است و امکان نیست شما رش آن ولی به شکل اجمال اشاره می کنیم از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلى الله عليه وسلم: الله تعالی میفرماید { رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ }⁽³⁾

(ترجمه: ای پروردگار ما! در میان آنان - که از دودمان ما و منقاد فرمان تویند - پیغمبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر ایشان فرو خواند و کتاب - قرآن - و حکمت - اسرار شریعت و مقاصد آن - را بدیشان بیاموزد و آنان را (از شرک و اخلاق ناپسند - پاکیزه نماید ، بی گمان تو عزیز و حکیمی - و بر هر چیزی توانا و پیروزی ، و هر کاری را که می کنی بنابر مصلحتی و برابر حکمتی است - .

مراد از رسول محمد - صلى الله عليه وسلم- است در قرائت ابی بن کعب آمده است { وَابْعَثْ فِي آخِرِهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ } یعنی بگمار در آخر مردم عرب پیامبری از جنس خود شان، و از خالد بن معدان نقل است که یک عده از اصحاب رسول - صلى الله عليه وسلم - آمدن و گفتن که ای رسول خدا در باره نفس خود ما را خبر بده فرمود من دعوت پدری خود ابراهیم استم و مرثده عیسی علیه سلام می باشم)⁽⁴⁾

¹-سوره هج آیت،(17)

²-سوره حج آیت،(26)

³-سوره بقره (129)

⁴- قرطبی جلد2 ص 130

خداوند بر مومن ها منت و احسان کرده است که در ایشان پیامبر فرستاد الله تعالی میفرماید: { لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ }⁽¹⁾

ترجمه : یقیناً خداوند بر مؤمنان - صدر اسلام - منت نهاد و تفضل کرد بدان گاه که در میانشان پیغمبری از جنس خودشان برانگیخت. - پیغمبری که - بر آنان آیات - کتاب خواندنی قرآن و کتاب دیدنی جهان - او را میخواند ، و ایشان را - از عقائد نادرست و اخلاق زشت - پاکیزه می‌داشت و بدیشان کتاب - قرآن و به تبع آن خواندن و نوشتن - و فرزاندگی - یعنی اسرار سنت و احکام شریعت - می‌آموخت ، و آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری - غوطهور - بودند .-

منت عظیم خود را خداوند درین آیت بیان نموده است به بعثت محمد صلی الله علیه وسلم معنای منت اینست که « مِنْ أَنْفُسِهِمْ » (یعنی بشر است مانند شما) دوم معنا « مِنْ أَنْفُسِهِمْ » تا بشناسید حال و احوال آن را و پوشیده نباشد به شما راه و روش آن.⁽²⁾

از جمله نعمتهای خداوند این است که در امیین پیامبر فرستاد الله تعالی میفرماید:

{ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ }⁽³⁾

ترجمه: الله آن ذات است که فرستاده است در امیین پیامبر را از جنس خود تان تلاوت می کند برای شان آیات های خدارا و پاک می کند ایشان را و تعلیم می دهد آنها را کتاب و سنت اگر چی پیش ازین بودن در گمراه آشکارا .

و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - طور است که مشکلات امت بر آن سخت تمام می شود و به ایمان امت حرص ناک است قسم که الله پاک می فرماید: { لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ }

ترجمه : بیگمان پیغمبری - محمّد نام - ، از خود شما - انسانها - به سویتان آمده است . هرگونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد ، بر او سخت و گران می‌آید . به شما عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد ، و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است .

¹ - آل عمران (164)

² - قرطبی مؤلف: ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح أنصاري خزرجي شمس الدين القرطبي (متوفی 671هـ) جلد 4 / ص 263)

³ - {سوره جمعه آیت (2)}

عَنْ وَائِلَةَ بْنِ الْأَسْقَعِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى كِنَانَةَ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَاصْطَفَى قُرَيْشًا مِنْ كِنَانَةَ وَاصْطَفَى مِنْ قُرَيْشِ بْنِ هَاشِمٍ وَاصْطَفَانِي مِنْ بَنِي هَاشِمٍ).

ترجمه : (از وائله بن اسقع - رضي الله عنهما - روایت است فرمود شنیدم از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرمود یقینا الله تعالی برگزیده است کنانه را از بنی اسماعیل و برگزیده است قریش را از بنی کنانه و برگزیده است بنی هاشم را از قریش و برگزیده است من را از بنی هاشم. یعنی از نکاح تولد شده است نه از زنی) (1).

عن ابن عباس قال: إن الله تعالى فضل محمدا - صلى الله عليه و سلم - على الأنبياء وعلى أهل السماء فقالوا يا أبا عباس بم فضله الله على أهل السماء؟ قال: إن الله تعالى قال لأهل السماء { ومن يقل منهم إني إله من دونه فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمين } (2)

ترجمه: از ابن عباس - رضي الله عنهما- روایت است که یقینا الله تعالی فضیلت داده است محمد صلی الله علیه را بر همه انبیاء و بر همه اهل آسمان پس گفتند ای ابا العباس چرا فضیلت داده الله تعالی بر اهل آسمان؟ زیرا الله پاک فرموده است به اهل آسمان کسی که بگوید من الهه استم ما سوا از الله جزایش است جهنم هم چنان جزا می دهیم ظالمین را.

دیگر از احوال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - این می باشد ولادتش و چهل سال قبل از بعثت آن :

ولادت : حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در سپیدهدم روز دوشنبه نهم ماه ربیع الأول سال دوم عام الفیل در شعب بنی هاشم به دنیا آمدند پس از آنکه چهل سال از حکومت انوش روان گذشته بود که این روز همزمان است با بستم یا بست دوم ماه اپریل (571 م). این محاسبه حسب تحقیقات دانش مند بزرگ محمد سلیمان منصور پوری ودانشمند ستاره شناس محمود پاشا می باشد . این سعد روایت می کند که ما در رسول الله - صلی الله علیه وسلم - گفت - هنگام که او را زادم از وجود نوری برآمد که قصرهای شام در برابر آن روشن شد - در روایات آمده است در هنگام ولادت شان حوادثی رخداد که دال بر پیدایش تحولی بزرگ بود.

چون مادرشان، ایشان را ولادت نمود کسی را نزدی جدشان عبد المطلب فرستاد تا او را مژده دهد و عبد المطلب بسیار شادمانی نموده و او را به دور کعبه برد و نامش را محمد - ستوده شده - گذارید، این نام در میان عرب ها آشنا نبود و بر روال مردم عرب ایشان را روز هفتم ولادتش ختنه نمود .

¹-قرطبی جلد 8 / ص 301
²-سوره انبیاء آیت (29).

نخستین زن شیر دهی که پس از مادرش ، به ایشان شیر داد ثویبه کنیز ابولهب بود و آن هم شیر پیسری که بنام مسروح داشت ، که پیش از آن حمزه - رضي الله عنه - نیز شیر داده بود. در میان قبیله ء بنی سعد : عرب های آن زمان عادت داشتند، برای سلامتی فرزندان شان از بیماری های موجود در شهرها و برای نیرو مندی تن و روان و نیکو آموختن زبان عربی در گهواره اش ، برای نوباوگان شان شیر دهی جستجوی کنند.

عبد المطلب نیز مطابق این سنت برای آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - شیر دهی را جستجوی نمود و از زنی بنام حلیمه بنت ابو ذویب از قبیله بنی سعد بن ابی بکر که شوهرش حارث بن عبد العزی ابوکبشه نیز از همان تیره بود خواست تا شیر دهی ایشان را به عهده گیرد.

حلیمه از برکات آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - کارهای را دید که شگفتی و دهشتش از میان رفت بیگزاریم که این داستان را خودش به تفصیل باز گو کند.

ابن إسحاق می گوید: حلیمه می گفت: همراه شوهرش و فرزند کوچکی که او را شیر می داد همراه با تعدادی از زنان بنی سعد بن بکر در جستجوی شیر خوار برآمدند.

حلیمه می گفت این کار در سال صورت گرفت که خشکسالی و قحطی چیزی برای مانگذاشته بود من بر ماده الاغی که از آن ما بود سوار شدم و همراه ما ناقه ای بود که قطره شیر نمی داد و تمام شب را به دلیل گرستن بچه مان که از گرسنگی گریه می نمود، نمی خوابیدیم زیرا پستانم شیر نداشت و ناقه ، نیز قطره شیر نمی داد ولی به امیدباران و گشایش بودیم.

من بر همان الاغ ماده ام برآدم ام و بگونه ای آهسته می رفتم که همرا هانم را خسته کردم، تا اینکه به مکه رسیدیم و به سراغ بچه های شیر خوار رفتیم. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به تمام زنان شیر خوار داده اند ولی بعد از این که می گفتن یتیم است از پذیرش ایشان خود داری می کردند چه ما از پدر کودک خواهان نیکی و احسان بودیم و با خود گفتیم: این طفل یتیم است! و مادر وجدش به ما چه کمکی کرده می توانند ازین روایشان را نمی پذیرفتیم. زنانی که همراه آمده بودند همه کودکان شیر خواری یافتید و من شیرخواری نیافتم، و چون تصمیم به بازگشت گرفیم برای دوستم گفتم: من زشت می دارم که همراه دوستانم دست خالی بر گردم درحالی که شیرخوار نگرفته ام به خدا سوگند نزد آن یتیم خواهم رفت و او را با خود خواهم گرفت همسرم گفتم: چرا این کار را نکنی؟ شاید خداوند با موجودیت او برکتی بر ما ارزانی کند.

او می افزاید : ایشان را به کوچم آوردم و چون د راغوش گرفتم سینه ام از پر از شیر شد ، چنان که ایشان نوشیدهسیر شدند و برادرشان نیز از آن مکیده سیرشد و هر دو خوابیدند درحالی که پیش از آن نمی خوابیدیم.

شوهرم نیز به سوی ناقه کهنسال رفت و دید که پستان ها یش پر است از شیر و از آن دوشید و هر دوی ما از آن نوشیدیم و سیر شدیم و بهترین شب را سپری کردیم و چون صبح کردیم همسرم به من گفت: حلیمه به خدا سوگند که نوزادی مبارکی گرفته ای! و من گفتم به خدا من نیز امید وار آنم.

حلیمه گفت همینگونه پیوسته از سوی خداوند بزرگ افزایش خیر رادرمی یا فتمیم تا آن که عمر مبارک شان از دو سال گذشت و من ایشان را از شیربازداشتم. رشد و نموی ایشان بگونه بود که به کودکان دیگر ، شباهتی نداشت و دو سال شان به پایان نرسیده بو، درحالی که ایشان کودکی چست چالاک بودند.

وگفت: پس از آن ریا، اورا نزد مادرش برگردانیم درحالی که آرزو داشتم درپیش ما باشد ، زیرا پیوسته برکات وجود مبارکش را لمس می نمودیم ، ازپرو، من با مادرش درین مورید صحبت نموده گفتم : چه می شود که فرزندم را نزدم بگذاری تا بزرگشود، زیرا من ازویای مکه برای او می هر اسم گفتم: با وی درین مورید صحبت ها کردیم تا سرانجام موافقت نمود که کودک را برگردانیم . همینگونه رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - دربنی سعد ماند تا اینکه سال چهارم ویا پنجم از عمر شان بود که حادثه، شگافتن سینه شان رخ داد.

امام بمسلم - رحمة الله علیه - از انس - رضی الله عنه - روایت نموده ، جبرئیل - علیه سلام - پیش آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - آمد درحالی که با کودکان مشغول بازی بودند. او ایشان را بر زمین خوابانیده سینه مبارک شان را شگافت و قلب شان را بیرون آورد و پس از آن خون بسته را از آن برآورد : وگفت این بهره شیطان در وجودتواست و سپس آن را درطشتی زرین با آب زمزم شست و به جایش برگرداند.

کودکان دویده پیش مادر رضاعی اش آمده وگفتند : هان! محمد کشته شد و با ایشان درحال روبرو شدیم که رنگ شان پریده بود(1).

مطلب نهم : محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بدون افراط و تفریط یعنی - کمی و زیادت-.
محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - باید درحدی باشد که الله جل جلاله درحقیقش بیان نموده است بدون ازین که ازحد اندازش تجاوز شود چون خداوند هم ازین منع نموده است طور که بعدا دردلایل ذکر می شود.

چون امت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - امت وسط و درمیانه استند از افراط و تفریط پاک استند و به عدل انصاف امر شده اند در همه احوال وگفتار خود این راه مستقیم است .

¹-سیرت النبی - صلی الله علیه وسلم - مولف: صیف الرحمن عبد الله بن محمد اکبر بن محمد علی بن عبد المومن بن فقیر الله مبارک پوری اعظمی صفه (78-79 - 80 - 81 - 82 - 83 .

باید در بیان مسئله با انصاف باشد انسان چون غلو و تغول کاری مردمان نا اهل است و الله جل جلاله ازین منع نموده است و هر شخص را در مقامش شناخته شود حتی از انبیاء کرام شروع تا آخر - نه مثل آنان که از بشریت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - منکر استند و در قرآن تحریف می کنند و یا از رسالت آن منکر استند .

ولی ما امت محمد - صلی الله علیه وسلم - مامور به عدل و انصاف شدیم و الله تعالی ما را امت در میانه با انصاف تعریف نموده است. الله تعالی میفرماید: { وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا }⁽¹⁾
ترجمه: - هم چنان ما شما جور کردیم بهترین امت انصاف کننده - .

الله تعالی ما را به عدل انصاف احسان و از فحشا و منکرات منع مان ساخته است الله تعالی میفرماید: { إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ }⁽²⁾

ترجمه (بیشک الله امر می کند به عدل، احسان و به صلح رحمی کردن و منع کرده از فحشاء و منکرو از سرکشی و عظمی کند شما را تا پند پذیر شوید.

از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است یقینا عثمان بن مظعون الجمحی فرمود اول اسلام نیاورده بودم مگر از جهت حیاء از محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - داشته و تقرر پیدا نکرده بود اسلام در قلبم تا حاضر شدم یکروز از روز هابه حضور رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در حال که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - سخن رانی می کرد و چشم های خود را بلند کرده دوباره بیان کرد به طرف راست من سوال کردم رسول - صلی الله علیه وسلم - فرمود من سخن می گفتم جبرئیل آمد و گفت ای محمد یقینا الله امر نموده است به عدل و انصاف عدل عبارت است از امر متوسط بدون افراط و تفریط چه در اعتقادات و در معاملات⁽²⁾.

امر به عدل صراط مستقیم است الله تعالی میفرماید: { وَمَنْ يَأْمُرْ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ }⁽³⁾
ترجمه: (کسی که امر کند به عدل آن بر راه راست است). حتی در وقت گفتار هم باید انصاف کنیم
طور که خداوند می فرماید: { وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ }⁽⁴⁾
ترجمه: وقتی که می گوید عدل کنید اگر چه صاحب قرابت هم باشد.

باید انسان در گفتار خود در بیان حقایق خصوصاً در بیان حقوق محمد رسوا الله از حیث رسالت و از چگونگی اطاعت از عدل انصاف برخوردار بوده حقیقت را آشکار کند زمان که مسائل دین بیان می

¹-سورة البقره آیت 143.

²-مفاتیح الغیب جلد 20 ص 58-60.

³-سورة نحل آیت 76.

⁴-سورة انعام آیت 152.

شود آن را به شخص و یا به مذهب منسوب نسا زد در بیان مسئله یعنی این حدیث در مذهب ما نیست و یا به مذهب ما در تزااد است.

خداوند منمن هارادروقت شهادت هم به انصاف امر میکند: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ** { (1)

ترجمه: (ای آنان که ایمان آورده اید باشید محکم به انصاف گواهی دهید برای الله اگرچه به ضررنفس تان هم باشد).

الله تعالی امر می کند به عدل برای هر شخص در هر وقت در فعل و در قول (2)

مسئله دوم: غلو و افراط کردن در حق محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - حالا آنکه از حد گذشتن در بیان حقوق محمد - صلی الله علیه وسلم - باشد به نیت محبت کردن این قسم غلو کردن نا جایز است حالا آنکه از طرف دین و شریعت ممنوع است الله تعالی می فرماید **{ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي يَدَيْكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ** { (3)

ترجمه: ای اهل کتاب غلو نکنید در دین و نگویید بر الله مگر حق یقینا مسیح عیسی فرزند مریم رسول الله است و کلمه است که انداخته شده است از طرف الله بسوی مریم و روح از جانب الله.

زیاده روی در ذات رسول - صلی الله علیه وسلم - در نزد شیعه عقاید ثابت و درست که نصوص شریعت و اجماع امت آن را تاکد کرده است به این نظر استند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از جنس بشر است قسمی که سنت الله به همین جاری است در حق رسولان.

دیگر جای خداوند می فرماید: **{ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ** (4)

ترجمه: بگو: ای اهل کتاب! به ناحق در دین خود راه افراط و تفریط مپوئید و از اهواء و امیال گروهی که پیش از این گمراه شده اند و بسیاری را گمراه کرده اند و از راه راست منحرف گشته اند، پیروی منمائید.

مفهوم غلو: اصل غلو در لغت اطلاق می شود از حد تجاوز را برا بر است که حد شرعی باشد یا عرفی.

ماده غلو ونهی از غلو در قرآن دوبار ذکر گردیده است:

1- سوره مائده آیت 8،

2- ابن کثیر (جلد 3/ ص 363.

3- سوره نساء، آیت 171.

4- سوره مائده آیت 77.

باوجود واضح بودن این امر برای عام مسلمان ها باز هم بعض گروه‌های که خود را به اسلام نسبت می دهند رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را از حد بشریت بیرون کرده اند.

باید انسان حق خدا که به آن خاص است و حق رسول - صلی الله علیه وسلم - را بشناسند

{ وَتَعَزُّوهُ وَتُقِرُّوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً } (1)

ترجمه: (تعزیر و توقیر حق رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است که باید قدر و عزت کرده شود و از همه بلند و بالا تر دانسته شده محبت صورت گیرد).

باید دانسته شود که مجرد تصدیق را ایمان گفته نمی شود بلکه ایمان اقرار زبان، اعتقاد قلبی و عمل به جواح را گویند به طاعت زیاد و به معصیت کم می شود. ازین جهت واجب است بر کسی که ایمان به الله و رسول دارد باید اطاعت الله و رسول و اتباع ما انزل الله که شریعت است کند به این ایمان حاصل می شود.

تابع داری ازوی ایمان است به اندازه ی تابع داری ایمان می باشد زمان که تابع داری قوی باشد ایمان هم قوی می باشد و اگر نباشد ایمان ضعیف می شود.

از جمله نمونه آن که خداوند مذمت بیان کرده است کسان را که در حق پیامبر گستاخی و بی ادبی کرده و حش را ادا نکرده اند خداوند متعال میفرماید: {إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ} (2)

(ترجمه:) آنان که صدای خود را نزد پیغمبر خدا پائین نموده و آهسته برمی آورند ، کسانی که خداوند دل‌هایشان را برای پرهیزگاری پاکیزه و ناب داشته است . ایشان آمرزش سترگ و پاداش بزرگی دارند).

در همین سوره کسانی که شناختند حق محمد - صلی الله علیه وسلم - را صفت خوب برای شان بیان شده است الله تعالی میفرماید: {إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ} (3)

ترجمه : (آنان که صدای خود را نزد پیغمبر خدا پائین نموده و آهسته برمی آورند ، کسانی که خداوند دل‌هایشان را برای پرهیزگاری پاکیزه و ناب داشته است . ایشان آمرزش سترگ و پاداش بزرگی دارند).

ترجمه : (بگو : آیا کسانی که - وظیفه خود را در قبال خدا - می‌دانند ، با کسانی که - چنین چیزی را - نمی‌دانند ، برابر و یکسانند ؟ ! - هرگز - . تنها خردمندان (فرق اینان را با آنان تشخیص می‌دهند ، و از آن) پند و اندرز می‌گیرند).

1-سوره فتح آیت 9.

2-سوره حجرات، 2.

3-سوره حجرات آیت 3.

و با ید بدانند مردم که ایمان و محبت متحقق نمی شود مگر به اتباع و اقتدا به سنت و رفتن به طریقه ی محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - قسم که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به خاطر اینکه سه شخص افراط کرده بودند بر آنها رد کرده بود و روایت حضرت انس - رضي الله عنه - این را واضح کرده است.

عن أنس بن مالك - رضي الله عنه - يقول : جاء ثلاثة رهط إلى بيوت أزواج النبي - صلی الله علیه وسلم - يسألون عن عبادة النبي - صلی الله علیه وسلم - ، فلما أخبروا كأنهم تقالوها فقالوا : وأين نحن من رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ؟ قد غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر فقال أحدهم : أما أنا ، فأنا أصلي الليل أبدا ، وقال آخر : أصوم الدهر ولا أفطر . وقال آخر : أنا أعتزل النساء فلا أتزوج أبدا ! فجاء رسول الله - صلی الله علیه وسلم - إليهم ، فقال : أنتم الذين قلتم كذا وكذا ؟ أما والله إنني لأخشاكم لله ، وأتقاكم له ، ولكني أصوم وأفطر ، وأصلي وأرقد ، وأتزوج النساء ، فمن رغب عن سنتي فليس مني (1)

ترجمه: از انس - رضي الله عنه - روایت است میفرماید آمد سه شخص به خانه نبی - صلی الله علیه وسلم - و سوال کردند از عبادت نبی - صلی الله علیه وسلم - پس زمان دریافت کردند گویا این را کم احساس کردند و گفتند کجا ما و کجا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - الله پاک همه گنا هان قبلی و بعدی آن را معاف نموده است سپس گفت یکی از آنها من شب همیشه نماز می خانم ، شخص دوم گفت من همیشه روزه می گیرم و هیچ وقت افتار نمی کنم و شخص سوم فرمود من جدا می شوم به طور همیشه از ن ها و ازدواج نمی کنم ! رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمد به حضور سه نفر و گفت آنان که چنین و چنان گفته اید شما استید اما قسم به الله است من از الله بیشتر می ترسم نسبت به شما و با تقوی ترین شماستم و لکن روزه می گیرم و افطار می کنم ، نماز می خانم و خواب می کنم و با خانیم ها ازدواج میکنم کسی که از سنتی من اعراض کند از جمله امت من نیست.

این سه اشخاص افراط کرده بودند ولی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آنها را از این اقدام ناسب شان باز داشت چون دین اسلام دین اعتدال و میانه است ازین جهت منع نمود.

¹ - بخاری: ج 3 / شماره 411.

نتیجه گیری

از آنچه که در مورد محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - در روشنی قرآن و سنت طی سه فصل نوشته شده چنین نتیجه گیری می شود.

- 1- معنای لغوی محبت: محبت یک قوت، تحرک و اراده است که در قلب جای گزین می شود و در نتیجه آن در بیرون جنبه عملی پیدا می کند با محبوب خود ازین جهت مایل شدن انسان به چیزی که موافق دل آن است آن را محبت گویند و در وقت تعارض محبت آن محبوب ترجیح پیدا می کند و محبت با رسول - صلی الله علیه وسلم - با ید هم چون یک محبت باشد که بر همه مردم ترجیح داشته باشد و این از بزرگترین واجبات ایمان است و لازم است که باید به آن ایمان داشته باشیم به آن ایمان تکمیل شده و به خیر انسان تمام میشود و سببی هدایتش می گردد.
- 2- محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - باعث و سبب است از برای محبت با الله تعالی به این خاطر یکی از اهداف نزول قرآن کریم شناخت و تصدیق رسول - صلی الله علیه وسلم - است باید که شناخته شده و با آن اظهار محبت کنیم زیرا نبی - صلی الله علیه وسلم - از نفس میان به ما بهتر است و با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - محبت می کنیم تا که در آینده به مرتبه های بلند بالا نائل گردیم و با شهدا و صالحین حشر شویم.
- 3- محبت طبعی به طبیعت انسان تعلق دارد مثل طبیعت انسان با پدر، مادر، و فرزند و گاه گاه محبت از لحاظ طبیعت می باشد مثل محبت حضرت عمر - رضی الله عنه - در بار اول محبتش محبت دطبعی بود بعدا به اختیاری تبدیل شد قسم که در حدیث ذکر شده است که محبت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به مومن ها لازم است زیرا که از نفس شان بهتر است چون نفس دعوت می دهد به هوا و هوس و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - دعوت می دهد به طرف نجات و کامیابی.
- 4- محبت شرعی به طبیعت تعلق ندارد بلکه به خاطر تکمل ایمان و تکمل ایمان منحصر است به محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - و اطاعت آن حتی گنا ها بخشوده می شوند.
- 5- رسول الله - صلی الله علیه وسلم - باید که تعظیم و توقیر شود مثلیکه الله و ملائکه ها تعظیمش کرده و درود برایش گفتند.
- و در تعظیم چند نکته باید مد نظر گرفته شود : اول پیش قدمی نکردن از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نه در اقوال و نه در افعال نه در تخصیص و نه در عدم تخصیص . دوم : بلند نه کردن آواز بالا از آواز نبی - صلی الله علیه وسلم - و طلب کردن آن را مانند عام که یکدیگر را طلب می کنید ندانیند و باید برایش درود فرستاده شود .
- 6- با ید از شریعت که آورده است دفاع شده و باید رضایت نشان داده شود و از آن روی گردانی نشود و بآن فیصله صورت گیرد .

- 7- محبت با همسران و فرزندان رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به شکل درستش صورت گیرد و با آنها دشمنی نکنیم چون آنها محبوبان رسول صلی الله علیه وسلم استند .
- 8- نباید در محبت کردن با (رسول الله صلی الله علیه وسلم - غلو و تغول شود از حد و اندازی که الله تعالی گفته است از حد زیاد را خداوند منع نموده است .
- 9- دیگر از راه های که محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می شود نشروپخش دین و شریعتش است بدون از ضد و عناد و تعصب مذهبی.
- 10- فضیلت و برتری رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بر دیگر انبیا ء علیهم السلام ذکر شده است.

پیشنهادها

موضوع محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - از دیدگاه قرآن و سنت از مطالب و مباحث این تحقیق تاحدی مورد تحقیق شد حالا مناسب میدانم که به عنوان پیشنهاد نکات ذیل را ارایه کنم:

1- راجع به محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - بحث و رساله های زیاد باید نوشته شود .

به طور مثال موضوعات ذیل قابل بحث و تحقیق می باشند:

- اهمیت محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - از دیدگاه قرآن و سنت ،
- با ثمره محبت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آشنا می شویم ،
- باید محبت رسول - صلی الله علیه وسلم - در اولویت قرار داده شود چون در بسا موارد دیده می شود که مسئله مذهب ترجیح پیدامی کند و نباید این کار شود،
- باید در محبت کردن با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - غلو صورت نگیرد زیرا خدوند این کار را بد می بیند ،

2- در محبت داشتن با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - باید با محبوبانش هم محبت صورت گیرد.

فهرست آیات

شماره	طرف آیات	صفحه
1.	قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ	1
2.	النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ	1
3.	{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ }	2
4.	وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ	2
5.	وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا	2
6.	وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي	7
7.	{ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ }	2
8.	{ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ }	2
9.	(مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ	9
10.	{ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي	9
11.	وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ	10
12.	النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ	13
13.	{ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي	14
14.	{ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ	17
15.	وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا	18
16.	فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ	18
17.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا	19
18.	تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ	21
19.	ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ	21
20.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ	21
21.	أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا	22
22.	{ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ	26
23.	فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ	24
24.	الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ	24

26	قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا	.25
25	إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا	.26
27	قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ	.27
27	قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ	.28
32	اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا	.29
33	وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا	.30
33	مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى	.31
35	لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ	.32
35	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا	.33
36	يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ	.34
36	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ	.35
36	لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ	.36
37	فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا	.37
38	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ	.38
38	وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ	.39
40	لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا	.40
40	إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ	.41
41	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا	.42
41	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا	.43
42	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ	.44
43	وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا	.45
44	لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ	.46
44	إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ	.47
45	إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ	.48
49	قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّه كَانَ بِعِبَادِهِ	.49
50	قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْسُحُونَ مَطْمَئِنِينَ	.50
50	لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ	.51

50	قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ	52
50	قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ	53
51	وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ	54
52	كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا	55
51	وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رَسُولًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً	56
52	وَقَالُوا مَا لِي هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي	57
52	يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَبْتِي	58
54	أَلَمْ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَّلَ عَلَيْكَ	59
54	نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ - محققا - مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ	60
55	وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِدَىٰ بَيْنَ	61
55	وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ	62
55	وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ	63
56	نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا	64
56	إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ	65
56	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ	66
57	وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا	67
57	لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا	68
57	وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ	69
57	لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمِنْهَا جَا	70
58	وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ	71
59	رُحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَلْتُهَا لِلَّذِينَ ي	72
58	وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لَ	73
59	الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ	74
59	وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ	75
62	وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ	76
62	فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ	77
66	وَالسَّارِقِ وَالسَّارِقَةَ فَاقْتَعُوا أَيْدِيَهُمَا	78

66	وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا	79
67	فَلْيَخْذِرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ	80
67	لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ	81
73	فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ	82
74	أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ	83
74	إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا	84
75	الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ	85
75	وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ	86
76	أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ	87
76	ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَزَجًا مِمَّا قُضِيَتْ وَوَسَلَّمُوا تَسْلِيمًا	88
76	وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا	89
77	وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ	90
82	مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يُوْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ	91
82	وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ	92
83	وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً	93
83	مَنْثَلِ الَّذِينَ حُمِلُوا الصَّوَارِءَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ	94
83	وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا	95
84	اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا	96
84	كِتَابًا أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنذِرَ	97
85	قَالُوا يَا قَوْمِمْ إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أَنْزَلَ مِنْ بَعْدِ	98
85	وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ	99
86	وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا	100
86	الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ	101
86	وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ	102
90	{يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ	103
91	الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ	104
91	وإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ	105

92 106	بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ
93 107	النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجَهُ
94 108	وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ
95 109	وَأِنْ يَمَسُّنَكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا
96 110	فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ
96 111	قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ
97 112	أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ
98 113	رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ
99 114	هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا
103 115	وَمَنْ يَأْمُرْ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
103 116	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ
104 117	يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي بَيْتِكُمْ
104 118	إِذْ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ
104 119	وَتُعَزَّرُوهُ وَنُوقِرُوهُ وَسَبَّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا
105 120	إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ

فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	صفحه
1	وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: (قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا بَنِيَّ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ تُصْبِحَ وَتُمْسِيَ وَلَيْسَ فِي قَلْبِكَ غِشٌّ لِأَحَدٍ فَأَفْعَلْ) ثُمَّ قَالَ	10
2	عن انس (رضى الله عنه) قال ثلاثة من كن فيه وجد حلاوة الايمان : ان يكون الله ورسوله احب اليه	11
3	عن عبد الله بن هشام قال: «كنا مع النبي صلى الله عليه وسلم وهو أخذ بيد عمر بن الخطاب، فقال له عمر: يا رسول الله، لآنت أحب إلي من كل شيء إلا من نفسي	13
4	عن أنس قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من والده وولده والناس أجمعين	14
5	عن أنس بن مالك (أن رجلا سأل النبي صلى الله عليه وسلم: «متى الساعة يا رسول الله؟ قال: ما أعددت لها؟ قال: ما أعددت لها من كثير صلاة ولا صوم ولا صدقة،	16
6	عن العباس بن عبد المطلب رضي الله عنه أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: (ذاق طعم الإيمان من رضي با	20
7	عن أنس بن مالك قال : قال رسول الله:- صلى الله عليه وسلم - « لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من ولده ووالده والناس أجمعين	26
8	عن أبي هريرة، رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: "ما من مؤمن إلا وأنا أولى الناس به في الدنيا والآخرة. اقرؤوا إن شئتم:	26
9	عن أنس قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «لا يؤمن أحدكم حتى أكون	30
10	عن أنس رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «ثلاث من كن فيه وجد حلاوة الإيمان: أن يكون الله ورسوله أحب إليه مما سواهما وأن يحب المرء	30
11	وعن عائشة رضي الله عنها، قالت: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم: «	34
12	عن السائب بن يزيد قال (كنت قائما في المسجد فحصبني رجل ، فنظرت	43
13	وعن ابن مسعود - رضي الله عنه - قال : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ :	44
14	عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال : « من صلى علي واحدة ،	45
15	عن أوس بن أوس رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : « إن من أفضل أيامكم يوم الجمعة فيه خلق آدم وفيه قبض وفيه النفخة وفيه الصعقة	46
16	عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : لا تجعلوا بيوتكم	47
17	عن علي بن أبي طالب قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : « البخيل من ذكرت	46
18	عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : « لا تجعلوا بيوتكم قبورا ولا تجعلوا قبري عيدا وصلوا علي فإن	47
19	عن عبد الرحمن بن أبي ليلى قال : (لقيني كعب بن عجرة فقال :	47

48	عن أبي حميد الساعدي أنهم قالوا : « يا رسول الله صلى الله عليه وسلم كيف نلصق عليك ؟ قال : قولوا : (اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما ،	20
52	عن عبد الله بن عمرو قال: «كنت أكتب كل شيء أسمعه من رسول الله صلى الله عليه وسلم أريد حفظه، فنهتني قريش فقالوا: إنك تكتب كل شيء تسمعه	21
53	عن ابن مسعود (رضي الله عنهما) لا أحد أغير من الله ولذلك حرم الفواحش ما ظهر منها وما بطن ولا أحد أحب إليه المدح من الله ولذلك مدح نفسه ولا أحد	22
59	عن جبير بن مطعم عن أبيه قال: سمعت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يقول: "إن لي أسماء، أنا محمد، وأنا أحمد،	23
63	مرة الهمداني يقول قال عبد الله إن أحسن الحديث كتاب الله وأحسن الهدي	24
67	« لولا أنني رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقبلك ما قبلتك »	25
68	عن أبي هريرة أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال : (كل أمتي يدخلون الجنة إلا من أبى) . قالوا يا رسول الله ومن أبى ؟ قال (من أطاعني	26
68	عن جابر بن عبد الله يقول : جاءت ملائكة إلى النبي صلى الله عليه وسلم وهو نائم فقال بعضهم إنه نائم وقال بعضهم إن	27
66	عن أبي هريرة : عن النبي صلى الله عليه وسلم قال (دعوني ما تركتكم إنما أهلك من كان قبلكم سؤالهم واختلافهم على أنبيائهم فإذا نهيتكم	28
70	عن أبي موسى رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: (إنما مثلي ومثل ما بعثني الله به كمثل رجل أتى قوما، فقال:	29
72	عن المقدم بن معدى كرب عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أنه قال: «ألا إنني أوتيت الكتاب ومثله معه، ألا يوشك رجل شعبان على أريكته يقول: عليكم	30
72	عن سعيد بن جبير أنه حدث عن رسول الله صلى الله عليه وسلم حديثا فقال رجل: (إن الله قال في كتابه كذا وكذا،	31
73	وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ	32
75	عَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى عُمَرَ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ آيَةٌ فِي كِتَابِكُمْ تَقْرؤونَهَا لَوْ عَلَيْنَا أَنْزَلَتْ مَعْشَرَ الْيَهُودِ لَاتَّخَذْنَا ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيْدًا،	33
77	عن علقمة (رحمه الله) عنه قال: قال عبد الله بن مسعود: لعن الله الواشمات والمستوشمات والمتنمصات والمتفلجات للحسن	34
78	عن عائشة قالت: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: "ما من نبي يمرض إلا خير بين الدنيا والآخرة" وكان في	35
79	عن عائشة قالت: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال: يا رسول الله: إنك لأحب إلي من نفسي وأحب إلي من أهلي، وأحب إلي من ولدي،	36
79	عن أبي هريرة أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «من أشد أمتي لي حبا،	37
80	عن ابن عمر أن أبا بكر الصديق قال: (ارقبوا محمدا صلى الله عليه وسلم في أهل بيته	38
81	عن أنس رضي الله عنه: «أن رجلا سأل النبي صلى الله عليه وسلم متى الساعة يا رسول الله؟	39

81	عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: «جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال يا رسول الله كيف تقول في رجل أحب قوما ولم يلحق بهم	40
82	وعن عائشة (رضي الله عنها) قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم:	41
82	عن عثمان (رضي الله عنه) أن رسول الله صلى الله قال: خيركم	42
88	عن أنس رضي الله عنه: «أن رجلا سأل النبي صلى الله عليه وسلم متى الساعة	43
88	عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال «جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال يا رسول الله كيف تقول في رجل أحب قوما ولم يلحق بهم؟	44
84	عن أبي هريرة أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «من أشد	45
89	وعن أبي هريرة قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن حوضي أبعد من أيلة من عدن لهو أشد بياضا من الثلج وأحلى من العسل باللبن وأنيته أكثر من عدد	46
89	وعن سهل بن سعد قال: قال (رسول الله صلى الله عليه وسلم) إني فرطكم على	47
91	عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: مَنْ حَدَّثَكَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ	48
96	عن عائشة رضي الله عنها: «أن النبي صلى الله عليه وسلم بعث رجلا على سرية وكان يقرأ لأصحابه في صلاته فيختم قل هو الله أحد فلما رجعوا ذكر	49
99	عَنْ وَائِلَةَ بِنِ الْأَسْفَعِ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ	50
100	عن ابن عباس قال: إن الله تعالى فضل محمدا صلى الله عليه وسلم على الأنبياء وعلى أهل السماء فقالوا يا أبا عباس بم فضله الله على أهل السماء	51
106	عن أنس بن مالك (رضي الله عنه يقول : جاء ثلاثة رهط إلى بيوت أزواج النبي (صلى الله عليه وسلم) يسألون عن عبادة	52

فهرست اعلام

شماره.	نام	صفحه.
--------	-----	-------

7	ابن منظور	1
8	ابن حجر	2
8	امام راغب	3
8	ابن تيميه (رحمه الله)	4
15	ابن جرير	5
59	ابو حسن	6
57	امام راغب	7
10	امام راغب	8
56	ابن كثير (رحمه الله)	9
28	ابن رجب	10
38	ابوبكر ابن عربي	11
64	آمدی	12
60	ابن تيميه	13
68	ابن رجب	14
80	امام احمد	15
39	ابوبكر ابن عربي	16
37	ابن تيميه	17
13	خطابی	18
14	خطابی	19
33	محمد ابن منكر	20
8	قاضی عياض	21
35	محمد ابن مكر	22

فهرست منابع

قرآنکريم

1. محبة الرسول - صلى الله عليه وسلم - بين الاتباع و الابتداع مؤلف عبد الروف محمد عثمان، ناشررياسة الادارة البحوث العلميه و الافتا و الدعوة و الإرشاد ادارہ الطبع والترجمة الرياض (1414 هـ).
2. دلائل محبة الرسول - صلى الله عليه وسلم - بين السنه و البدعه : احمد بن عبدالرحمن الصويان.
3. محبة نبي - صلى الله عليه وسلم - و تعظيمه بقلم فهد عبدالله الحبشى.
4. وجوب محبة النبي - صلى الله عليه وسلم - و اصحابه: مصنف علامه شيخ عبدالرزاق عفيفي رحمه الله.
5. المحبة أعمال القلوب : مؤلف فضيلة الشيخ د. سفر بن عبدالرحمن الحوالي .
6. روضة المحبين ونزهة المشتاقين مؤلف: محمد بن ابى بكر الزرعى - دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان 1404هـ/1983 م
7. الجامع لا حكام القران: مؤلف ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابى بكر بن قرح الانصارى الخزرجى شمس الدين قرطبى متوفى (671هـ) ناشر دار الكتب المصرية القاهرة طبع دوم (1384).
8. مفاتيح الغيب: التفسير الكبير مؤلف ابو عبدالله محمد بن حسين بن حسن التيمى الرازى الملقب بفخرالدين الرازى خطيب راي المتوفى (606هـ) ناشر: دار احياء التراث العربى بروت طبع سوم (1420).
9. تفسيرالقرآن العظيم مؤلف: عماد الدين ابو الفدا اسماعيل بن عمر البصرى ثم الدمشقى متولد (700) متوفى (774) ناشر دار المعرفة بيروت لبنان (1412هـ).
10. روح البيان: مؤلف اسماعيل حقى بن مصطفى الستانبولى الحنفى الخلوتى المولى ابو الفدا المتوفى (1127) ناشر دار الفكر بروت.
11. غرائب القرآن و رغائب الفرقان : مؤلف نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين القمى المتوفى (850) - دار الكتب العلميه بروت طبع اولى (1416).
12. 6- تفسير المراغى : مؤلف احمد بن مصطفى المراغى متوفى (1371) ناشر شركت و مطبعة مصطفى البابى الحلبي و اولاده بمصر- طبع اول (1365هـ) 1946.
13. احسن الكلام: لشيخ ابى زكريا عبدالسلام الرستمى رحمه الله تعالى متوفى (1392هـ) ناشر مكتبه حقانيه پشاور.

14. صحيح البخارى: مؤلف امام ابى عبدالله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم ابن المغيرة بن بردذبه البخارى الجعفى- ناشر دارالفكره لطباعة والنشر والتوزيع (1401 هـ 1981 م).
15. صحيح مسلم: مؤلف مسلم بن حجاج ابوالحسين القشيري النسا بوري- ناشر داراحياء التراث العربى بروت تحقيق محمد فواد عبدالباقي عدد اجزاء 5- المصدر موقع شبكه مشكاة الاسلامية.
16. فتح البارى شرح صحيح البخارى: مؤلف احمد بن على بن حجر ابو الفضل العسقلانى- ناشر دارالمعرفة بروت - عدد اجزاء (13).
17. عمدة القارى شرح صحيح البخارى: مؤلف ابو محمد محمود بن احمد بن موسى بن احمد بن الحسين العنتابى الحنفى بدرالدين العينى تولد (762) وفات (855) عدد اجزاء 12-25 .
18. المؤلف: زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السّلامى، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: 795 هـ) الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة النبوية. الحقوق: مكتب تحقيق دار الحرمين - القاهرة الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1996 م
19. سيرة النبى - صلى الله عليه وسلم - ترجمه فارسى (الرحق المختوم) مؤلف مولانا مبارك پورى تولد (6/ ژاويه - 1942) ناشر مركز نشراتى ميوند كتاب خانه سبا نوبت چاپ دو (1422 هـ ق / 138 هـ ش)
20. دلائل محبة الرسول بين السنة والبدعه: مؤلف احمد بن عبدالرحمن الصويان.
21. حقوق النبى - صلى الله عليه وسلم - على امته فى ضوء الكتاب والسنة مؤلف: محمد بن خليفه بن على التيمى الناشر اضواء السف الرياض المملكة العربية السعودية الطبع الاولى (1418) هـ مصدر الكتاب موقع مكتبة المدينة الرقمية.
22. محبة النبى - صلى الله عليه وسلم - و تعظيمه لفهدالحبيشى.
23. قاعدة فى المحبة لابن تيمية.
24. رساله تبوكيه. از ابن القيم. تحقيق شيخ عبد الطاهر أبى السمح ج 1/، ص 21- 22. ناشر طبعه سلفية ومكبه مکه مكرمه 1347 هـ،
25. لسان عرب مؤلف: محمد بن مكرم بن على، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعى الإفريقي (المتوفى: 711 هـ) طبع چهارم 1418 هـ 199 عدد اجزای آن: (11) ودومجلد فهرست دارد) مادة حبيب 1 / 289.

Abstract

Studying the subject of love for the Messenger of Allah (PBUH) from the perspective of the Holy Qur'an and Sunnah is considered one of the most important and useful topics since as the result of this study, we reach the conclusion that the Holy Qur'an and the Sunnah of the Messenger of Allah (PBUH) do not include only one issue, but they also include different issues, such as Beliefs, worships, transactions, marriages, resurrection and some other issues.

One topic that is mentioned extensively in the Holy Qur'an is the topic of love for the Messenger of Allah (PBUH), and the Holy Qur'an has encouraged people to love him more than anyone or anything else, and gave warning that if the life of this world and the material things of this world are better for you, then wait for the Day of Resurrection. This warning denotes that the love of the Messenger of Allah (PBUH) is more important than the world and what is exiting in this world since the salvation of man from the torment of hell fire is linked to the true love of the Messenger of Allah (PBUH) because the path to happiness and guidance is laid in the love of the Messenger of Allah (PBUH).

Benefits of love for the Messenger of Allah (PBUH).

First, Loving the Messenger of Allah (PBUH) results in Allah's love and causes sins to be removed. In fact, the main goal of a person is to come to Allah with a sound and healthy heart on the day when no property and offspring will benefit anyone.

Second, Love for the Messenger of Allah (PBUH) plays a key role in obeying the Sunnah since your love for the Messenger of Allah (PBUH) will be to the extent of your love for Him. For example, Abdullah (R.A.) would observe and scrutinize closely every saying and action of the Prophet (PBUH), even he used to perform ablution where the Messenger of Allah (PBUH) had performed it, as well as he used to defecate where the Prophet (PBUH) had defecated.

Third, Love for the Messenger of Allah (PBUH) creates the enthusiasm for seeing him as a companion (R.A.) said to Prophet, "I am getting bored at home until I see you, but when I see you this problem is solved. However, there should not be excessiveness (*Ifrat*) nor laxity (*Tafrit*) in the love for him (PBUH).

For achieving the above mentioned objective, this research has been developed in an introduction and three chapters based on analytical and descriptive method. The summary of the most important outcomes of this study are as below:

The generalities and concepts of the study, such as the literal and idiomatic meaning of love, the definition of love according to scholars, the virtue of love for the Messenger of Allah (PBUH), and classification of love to natural love and religious love are elaborated in the first chapter. The second chapter, Talks about reasons for the obligation of love from the Holy Qur'an and the Sunnah, and the third chapter discusses the signs and effects of love for the Messenger of Allah (PBUH), and finally, the list of verses from the Holy Quran, the list of Hadiths, and the list of titles of Hadiths are mentioned.

The most important way for the development of an Islamic country is love for the Prophet Mohammad (PBUH). The more we love for our messenger and religion, the more developed, prosperous and successful we will be both here in this this world and in the Hereafter.



Salam University
Faculty of Sharia and Law
**Master's Program in Interpretation &
Hadith**



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Love for Prophet Mohammad (PBUH) from the Perspective of the Holy Qur'an and Sunnah

Master's Thesis

Student: Sabruddin (Sediqi)

Supervisor: Mr. Shokrullah (Mukhlis)

Year: 2021



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master's Program in Interpretation &
Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Love for Prophet Mohammad
(PBUH) from the Perspective of the
Holy Qur'an and Sunnah

Master's Thesis

Student: Sabruddin (Sediqi)

Supervisor: Mr. Shokrollah (Mukhlis)

Year: 2021